



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

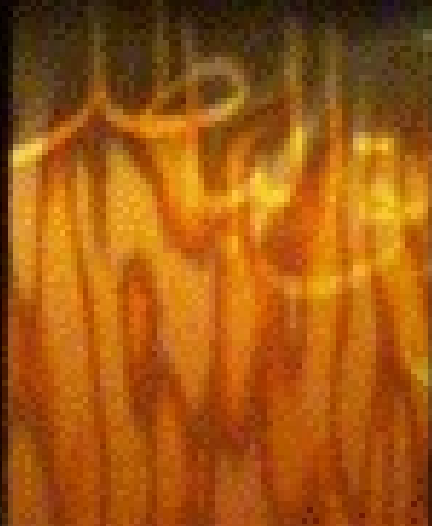
گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

شانه مای طهور او



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نشانه های ظهور او

نویسنده:

محمد خادمی شیرازی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	نشانه های ظهور او
۸	مشخصات کتاب
۸	مهدی در قرآن
۸	قرآن کریم و نشانه های ظهور حضرت مهدی
۸	اشاره
۹	نشانه های پیدایش این حکومت
۱۱	ظهور
۱۱	آیا امام عصر زمان ظهورش را می داند؟
۱۱	امام باقر و علم رسول اکرم و سایر انبیاء
۱۱	اشاره
۱۱	ائمه معصومین در پیشگاه خداوند بزرگ
۱۲	موقعیت علمی امام
۱۲	جهات مختلفه دانش ائمه معصومین
۱۲	ائمه و رازداری
۱۲	امام صادق و کتب جفر و جامعه و مصحف فاطمه
۱۴	رسول اکرم و نشانه های ظهور
۱۶	شب معراج و نشانه های ظهور
۱۷	انتظار فرج
۱۷	رسول اکرم و موقعیت منتظران حضرت مهدی قبل از ظهور
۲۲	ظهور
۲۲	رسول اکرم و مواریث انبیاء
۲۲	رسول اکرم و خراب شدن مسجد برائا

- ۲۶ رسول اکرم و روز خلاصی دنیا
- ۲۸ رسول اکرم و گنجهای طالقان
- ۲۹ امام امیرالمؤمنین و نشانه های ظهور حضرت مهدی
- ۲۹ در جواب صعصعۀ بن صوحان
- ۳۳ امیرمؤمنان و خطبه ذی قار و علائم آخرالزمان
- ۳۵ علی و فتنه های پیش از ظهور
- ۳۶ امیرالمؤمنین و علائم قیام قائم
- ۳۷ حکومت مهدی
- ۳۷ امیرالمؤمنین و نزول حضرت عیسی
- ۳۸ نشانه های ظهور
- ۳۸ رسول اکرم و نشانه های ظهور
- ۴۰ شب معراج و نشانه های ظهور
- ۴۱ امام امیرالمؤمنین و نشانه های پیش از قیام
- ۴۱ حضرت امام محمد باقر و نشانه های ظهور
- ۴۸ حضرت امام صادق و نشانه های ظهور
- ۶۵ حضرت امام رضا و نشانه های ظهور
- ۶۶ امام رضا و اجتماع شیعه در ظهور
- ۶۶ حضرت امام حسن و امام حسین و اصحاب ائمه و نشانه های ظهور
- ۶۸ نشانه های ظهور در کتب معتبر اهل سنت و جماعت
- ۶۸ اشاره
- ۶۹ امام عصر در کتابهای اهل سنت
- ۶۹ رسول اکرم و تعریف امام
- ۶۹ مهدی کیست
- ۶۹ حضرت امیرالمؤمنین و تعریف امام

۷۷ پاورقی

۸۵ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

نشانه های ظهور او

مشخصات کتاب

سرشناسه : خادمی شیرازی، محمد، ۱۳۰۶ - ۱۳۷۸.

عنوان و نام پدیدآور : نشانه‌های ظهور او / محمد خادمی شیرازی .

مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس صاحب الزمان (جمکران)، ۱۳۷۸.

مشخصات ظاهری : ۲۲۰ص.

شابک : ۶۵۰۰ریال ؛ ۷۰۰۰ریال (چاپ دوم) ؛ ۷۰۰۰ریال (چاپ سوم) ؛ ۷۰۰۰ریال (چاپ چهارم) ؛ ۸۰۰۰ریال (چاپ پنجم) ؛

۸۰۰۰ریال (چاپ هشتم) ؛ ۲۰۰۰۰ریال: چاپ چهاردهم ۷-۳۵-۶۷۰۵-۹۶۴-۹۷۸ : ؛ ۲۰۰۰۰ریال (چاپ پانزدهم) ؛ ۲۰۰۰۰ریال

(چاپ شانزدهم)

یادداشت : چاپ دوم، سوم و چهارم: ۱۳۸۰ .

یادداشت : چاپ پنجم: بهار ۱۳۸۲.

یادداشت : چاپ هشتم: تابستان ۱۳۸۳.

یادداشت : چاپ چهاردهم: زمستان ۱۳۸۷.

یادداشت : چاپ پانزدهم: بهار ۱۳۸۸.

یادداشت : چاپ شانزدهم: بهار ۱۳۸۹.

یادداشت : کتابنامه: [۲۱۹] - ۲۲۰؛ همچنین به صورت زیرنویس .

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق-

موضوع : مهدویت - انتظار

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/۴/خ۵۲۴ ۱۳۷۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : م۷۸-۲۲۴۱۰

مهدی در قرآن

قرآن کریم و نشانه های ظهور حضرت مهدی

اشاره

آنچه در قرآن کریم از طرف خداوند بزرگ به وسیله رسول اکرم صلی الله علیه و آله به ما رسیده واجب اطاعه است و کوچکترین تردیدی درباره آن نباید داشت، چرا که از منبع علم خداوندی سرچشمه گرفته است. از جمله بشارتهایی که در قرآن مجید در ضمن آیاتی داده شده مسأله قیام جهانی حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء و سیطره عدل و داد در عالم بعد از پر شدن آن از ظلم و جور است که مرحوم علامه نوری در مقدمه کتاب شریف «کشف الاءستار» ادعای تواتر، از فریقین (شیعه و سنی) فرموده است و این نتیجه به دست می آید که باید ظلم و تباهی از سرتاسر جهان محو گردد و جهان از عدالت پر شود، نه اینکه به خیال

خام بعضی از نویسندگان، عدالت در حکومت حضرت مهدی سلام الله علیه تغلیبی باشد و همچنان افراد شرور، کم یا زیاد، در اجتماع دیده شوند. خیر، طبق نص صریح آیات قرآن و تفاسیر رسیده از اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم اجمعین پس از پر شدن عالم از ظلم و جور، قسط عدل بر آن حاکمیت خواهد یافت و همان گونه که عرض شد در این زمینه بزرگان مذهب نظیر علامه نوری و دیگران نیز دعوی تواتر نموده اند. بنابراین، دیگر جایی برای عدالت تغلیبی و طرفداران آن نمی ماند.

نشانه های پیدایش این حکومت

سَنَرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لِهِمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَّلَمْ يَكْفُ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ. [۱]. بزودی آیات و نشانه هایی از قدرت خود را در صحنه گیتی و در (کشور) وجودشان بدانها نشان خواهیم داد، تا بر آنها آشکار شود که حق است. ممکن است نشانه های آفاقی همان صیحه آسمانی باشد و منظور از آیات انفسی همان رعب و ترس باشد که در دلها جای می گیرد. خواننده عزیز! تا این ساعت چنین علائم و نشانه هایی که برای بشر تمام مجهولات را از بین ببرد و پرده از روی حقایق و ملکوت عالم بردارد به نحوی که حق آشکار و باطل نابود شود، در صحنه گیتی دیده نشده است و با توجه به اینکه خداوند خلف وعده نخواهد فرمود و حتما باید این کار بشود، غیر از قیام آخرین نماینده و سفیر اعظم او حضرت بقیه الله روحی و ارواح العالمین له الفداء نشانه دیگری نخواهد بود. و لنبونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرين. [۲]. و هر آینه شما را به وسیله ترس و گرسنگی و نقص در مالها و جانها و میوه ها می آزمایم، و صبرکنندگان را بشارت ده. محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام روایت می کند که پیش از قیام مهدی ما سلام الله علیه مردم به انواع بلاها مبتلا می شوند و موفقیت با صابران است. به طور خلاصه علائم و نشانه های قبل از ظهور در این روایات عبارت است از: ۱. وحشت و اضطرابی که در حال حاضر در میان مردم بعضی از کشورهای اسلامی دیده می شود. ۲. گرسنگی و قحطی که در بعضی کشورهای جهان مشهود است و به طور متوسط روزانه چند صد هزارتن از گرسنگی می میرند (مانند بعضی از قسمتهای افریقا و هندوستان). ۳. فساد در تجارت و بازرگانی و کمبود درآمد بعضی از اقشار جامعه که به ویژه در ایران ما مشهود است. ۴. تلفات جانی مانند تلفات در جنگ ایران و عراق و نقصان زراعت و میوه جات ناشی از آفات و کمی برکت آنها. اکنون به اصل روایت که از امام صادق عزیز ما - که سلام خداوند بر ایشان باد - نقل کرده اند، توجه فرمایید: عن محمد بن مسلم عن ابی عبدالله جعفر بن محمد علیهما السلام انه قال ان قدام قیام القائم علامات بلوی من الله تعالی لعباده المؤمنین قلت و ما هی قال ذلك قول الله عزوجل «و لنبونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرين» قال لنبونکم (یعنی المؤمنین) بشیء من الخوف من ملوک بنی فلان فی آخر سلطانهم (والجوع) بغلاء اسعارهم (و نقص من الاموال) فساد التجارات و قلء الفضل فیها (والانفس) قال موت ذریع (والثمرات) قلء ریع ما یزرع و قلء برکة الثمار (و بشر الصابرين) عند ذلك بخروج القائم علیه السلام ثم قال لی یا محمد هذا تاءویله ان الله عزوجل یقول «و ما یعلم تاءویله الا الله و الراسخون فی العلم» [۳]. [۴]. محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که امام فرمودند: پیش از قیام قائم نشانه هایی است جهت آزمایش از جانب خداوند نسبت به بندگان مؤمنش. عرض کردم: آن نشانه ها چیست؟ فرمود: آن، گفتار خداوند عزوجل است که فرمود: «و لنبونکم بشیء». فرمود: «النبونکم» یعنی هر آینه بیازمایم شما مؤمنان را «بشیء من الخوف» به مقداری و چیزی از ترس از ملوک بنی فلان (بنی عباس) در پایان زمانمدار ایشان و «الجوع» و گرسنگی به خاطر بالا بودن قیمتها «و نقص من الاموال» و کاستی از مالها (یعنی) فساد تجارتها «و الانفس» و جانها (یعنی) مرگ سریع «والثمرات» و محصولات (یعنی) کم شدن کشاورزی و کمبود برکت محصولات «و بشر الصابرين» (یعنی) بشارت ده صابران را در چنین وقت به خروج قائم علیه السلام. سپس به من فرمود: ای محمد! این است تاءویل قول خداوند عزوجل که می فرماید: «و ما یعلم تاءویله...» (یعنی) نمی داند تاءویل قرآن را جز خداوند و پایداران در دانش. ان الله قادر علی ان ینزل آیه. [۵]. به درستی که

خداوند (تبارک و تعالی) قادر است که نشانه ای فرو فرستد. در تفسیر این آیه به چند نشانه از نشانه های ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام اشاره شده است: ۱. خروج دابة الارض [۶]. ۲. دجال. ۳. نزول عیسی بن مریم علیه السلام. ۴. طلوع خورشید از مغرب اینک اصل روایت: فی روایة ابی الجارود: عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله «ان الله قادر علی ان ينزل آیه» و سیریک فی آخر الزمان آیات منها دابة الارض و الدجال و نزول عیسی بن مریم و طلوع الشمس من مغربها. [۷]. ابی الجارود می گوید: امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «ان الله قادر الخ» فرمودند: زود است که در آخر الزمان آیات و نشانه هایی از قدرت خداوند می بینی: ۱. دابة الارض (که منظور تشریف فرمایی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در رجعت و یا حضرت بقیة الله روحی له الفداء است). ۲. دجال. ۳. نزول حضرت عیسی بن مریم از آسمان. ۴. طلوع خورشید از مغرب. قل هو القادر علی ان یبعث علیکم عذابا من فوقکم او من تحت ارجلکم او یلبسکم شیعا و یدیق بعضکم بآس بعض. [۸]. بگو او تواناست که بر شما عذابی از بالای سر و زیر پاهای شما بر انگیزد یا اینکه شما را از گروههای غیر متحد قرار دهد و آسیب برخی را به برخی دیگر بچشاند. در این آیه به بعضی از علائم ظهور اشاره شده است: ۱. خروج دجال. ۲. صیحه آسمانی. ۳. خسف و فرورفتن در زمین «بیداء». گویا مقصود لشکر سفیانی باشد. ۴. اختلاف مردم در دین و طعن و شتم یکدیگر کردن و کشتار بعضی به وسیله افراد دیگر در حالتی که همه آنها خودشان را مسلمان می دانند. و اما روایتی که در این باب رسیده است: عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله تعالی «قل هو القادر علی الخ» قال هو الدجال و الصیحة «او من تحت ارجلکم» و هو الخسف «او یلبسکم شیعا» و هو اختلاف فی الدین و طعن بعضکم علی بعض «و یدیق بعضکم بآس بعض» و هو ان یقتل بعضکم بعضا و کل هذا فی اهل القبلة. [۹]. از ابی جعفر (امام باقر) علیه السلام در فرموده خداوند متعال: «قل هو القادر علی...» منقول است که فرمودند: آن دجال و صیحه است (عذاب آسمانی و از بالا) و مراد از «او من تحت ارجلکم» عبارت از خسف و فرورفتگی زمین است و مراد از «او یلبسکم شیعا» اختلاف در دین و طعن به یکدیگر زدن است و منظور از «یدیق بعضکم بآس بعض» کشتن بعضستان است بعضی دیگر را، و تمام این حوادث در میان اهل قبله و مسلمانان به وقوع می پیوندد. قل اریتم ان اتاکم عذابه بیاتا او نهارا ماذا یتعجل منه المجرمون. [۱۰]. بگو آیا دیدید که اگر عذاب الهی شب هنگام و یا روز بر شما برسد (چه راه گریزی دارید؟) چرا گناهکاران (به جای توبه) عذاب را به تعجیل می طلبند؟ از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند: مراد از عذاب در این آیه بلاهایی است که در آخر الزمان بر مردم نازل می شود (البته بر مردم مسلمان). و لو تری اذا فزعوا فلا فوت و اخذوا من مکان قریب. [۱۱]. و اگر تو سختی حال مجرمان را مشاهده کنی هنگامی که ترسان و هراسان هستند پس هیچ فرار و گذشتی نیست و از مکان نزدیکی دستگیر شوند. از حضرت باقر علیه السلام نقل کردند در تفسیر این آیه شریفه که در مقدمه قیام جهانی حضرت مهدی ارواحنا له الفداء صیحه ای از آسمان بلند می شود که همه مردم در هر حالی که هستند این صدا را می شنوند و در زمین بیداء لشکریان سفیانی به زمین فرو خواهند رفت که جمعیت آنها طبق روایات رسیده که بعدا ذکر خواهد شد در حدود سیصد هزار نفر است. و اما اصل روایت: عن ابی الجارود عن ابی جعفر علیه السلام فی قوله تعالی «ولو تری اذا فزعوا فلا فوت» قال من الصوت و ذلک صوت من السماء. [۱۲]. ابی جارود از امام باقر علیه السلام در مورد این قول خدایتعالی که می فرماید «ولو تری اذا فزعوا فلا فوت»، روایت کرده است که آن حضرت فرمودند: این از صدای آسمانی (صیحه) است. سائل سائل بعذاب واقع. [۱۳]. سائلی از عذابی که وقوع آن حتمی است سؤال نمود. از حضرت باقر علیه السلام در رابطه با این آیه مبارکه سؤال کردند که منظور از این عذاب چیست؟ فرمودند: نار تخرج من المغرب و ملک یسوقها من خلفها حتی یاءتی من جهة دار بنی سعد ابن همام عند مسجدهم فلا تدع دارا لینی امیه الا احرقتها و اهلها و لا تدع دارا فیها و ترلال محمد الا احرقتها و ذلک المهدی علیه السلام. [۱۴]. عذاب در اینجا آتشی است که از طرف مغرب شعله ور می شد و پادشاهی آن را رهبری می کند و تمام خانه های بنی امیه و همه غاصبان حقوق اهل بیت را آتش می زند و مخصوصا از بنی امیه آثاری باقی نخواهد گذاشت و اوست مهدی آل محمد (سلام الله علیه و عجل الله له الفرج). علامه مجلسی می فرماید: این جریان یا از علائم ظهور است و یا در وقت

ظهور واقع می شود.

ظهور

آیا امام عصر زمان ظهورش را می داند؟

بحثی مفصل در روایات اهل بیت سلام الله عليهم اجمعین در کتب معتبره عنوان شده است که آیا حجج الهی و ائمه معصومین سلام الله عليهم اجمعین به تمام حوادث و آنچه که پیش می آید و در گذشته روی داده و یا در آینده انجام می شود عالم هستند یا خیر؟ برای روشن شدن این حقیقت و به ویژه اینکه آیا وجود مقدس امام زمان ارواحنا له الفداء علم به وقت ظهور خود دارند یا نه، از بیانات رسیده از ائمه معصومین سلام الله عليهم اجمعین استفاده می کنیم.

امام باقر و علم رسول اکرم و سایر انبیاء

اشاره

ابی بصیر از حضرت باقر علیه السلام از کیفیت علم رسول اکرم صلی الله علیه و آله می پرسد. آن حضرت می فرماید: سئل علی علیه السلام عن علم النبی صلی الله علیه و آله فقال: علم النبی علم جمیع النبیین و علم ما کان و ما هو کائن الی قیام الساعة ثم قال والذی نفسی بیده انی لاعلم علم النبی صلی الله علیه و آله و علم ما کان و ما هو کائن فیما بینی و بین قیام الساعة. [۱۵]. سؤال شد از علی علیه السلام از علم پیامبر صلی الله علیه و آله، فرمود: علم پیامبر یعنی علم همه انبیاء (یعنی علم همه انبیاء در خدمت و نزد رسول گرامی اسلام است) و پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله عالم به ماکان و مایکون است (آنچه در گذشته بوده و هرچه که اکنون در دست اقدام است و کارهایی که در آینده انجام می گیرد) تا روز قیامت. قسم به خداوندی که جانم در کف قدرت اوست که من (علی علیه السلام) همه دانشهای رسول معظم صلی الله علیه و آله را می دانم و از آنچه که در گذشته در دنیا رخ داده و هرچه که اکنون در دست اقدام است و اموری که در آینده عملی خواهد شد عالم هستم. خواننده عزیز! این است شائن علمی امام علیه السلام، و طبق مدارک قطعی این مقام به امر خداوند و رسول مکرمش امروز (زمان غیبت) اختصاص به حضرت بقیه الله روحی له الفداء دارد. بنابراین، چگونه ممکن است کسی که وارث علوم همه انبیاء و ائمه معصومین سلام الله عليهم اجمعین است و علم ماکان مایکون و ماهو کائن را دارد از مهمترین مسأله حیاتی خویش (یعنی روز ظهور و قیامت) آگاهی نداشته باشد؟ حاشا و کلا، بلکه می داند ولی چون از اسرار بزرگ الهی است، نباید گفته شود؛ لذا فرمودند «لانوقت»، یعنی روز و وقت ظهور را تعیین نمی کنیم.

ائمه معصومین در پیشگاه خداوند بزرگ

امام صادق علیه السلام موقعیت وجودی ائمه سلام الله عليهم را در این روایت چنین بیان فرموده اند: نحن ولایة امر الله و خزنة علم الله و عیبة وحی الله. [۱۶]. ۱. ما فرمانروایان از طرف خداوند هستیم. ۲. ما خزانه داران علوم الهی هستیم. ۳. ما مرکز اسرار الهی هستیم. خواننده عزیز! چگونه ممکن است که امام علیه السلام خازن علم خداوند باشد، مرکز اسرار ذات پاک حق باشد - یعنی خداوند اسرار خودش را به دست آنها داده باشد - و از طرف او فرمانروای عالم هستی باشد اما از روز قیام و هنگام انتقام از دشمنان خداوند که برای او ذخیره شده است بی اطلاع باشد؟

موقعیت علمی امام

امام باقر علیه السلام به راوی می فرمایند: والله انا لخزان الله فی سمائه وارضه لا علی ذهب و لا علی فضة الا علی علمه. [۱۷]. به خدا سوگند ما خزانه داران خداوند در آسمانها و زمین هستیم و البته نه بر طلا و نقره بلکه بر علم او. خواننده گرامی! امروز وجود مقدس امام عصر روحی له الفداء گنجهای علم خداوند در نزد آن وجود مقدس است، آنوقت چگونه ممکن است که از علم به ظهور خود که در راس تمام مسائل حیاتی عالم آفرینش قرار دارد، بی اطلاع باشد؟ ابی حمزه می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که رسول اکرم صلی الله علیه و آله از خداوند متعال نقل می کنند که فرمود: استکمال حجتی علی الاشقیاء من امتک من ترک ولایة علی والاوصیاء من بعدک فان فیهم سنتک و سنة الانبیاء من قبلک و هم خزانی علی علمی من بعدک ثم قال رسول الله صلی الله علیه و آله لقد انباءنی جبرئیل علیه السلام باسمائهم و اسماء آبائهم. [۱۸]. حجت من بر اشقیای امت تو تمام است، یعنی آنهایی که ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) و جانشینان بعد از او را نپذیرفتند؛ زیرا در وجود مقدس امیرالمؤمنین و ائمه بعد از او روش شما و همه پیامبران در او و ائمه بعد از او وجود دارد و نیز علی (علیه السلام) و ائمه بعد از او خزانه دار علم من اند (پس امروز که حضرت ولی عصر علیه السلام نگهبان و خزانه دار علم خداوند است، چگونه می شود که علم به وقت و روز و ساعت ظهور از آن حضرت پنهان بماند؟). آنگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: جبرئیل علیه السلام نامه‌های ائمه و نامه‌های پدرانشان را به من خبر داده است.

جہات مختلفه دانش ائمه معصومین

امام موسی بن جعفر علیهما السلام می فرمایند: مبلغ عملنا علی ثلاثه وجوه ماض و غابر و حادث فاما الماضی فمفسر و اما الغابر فمزبور و اما الحادث فقذف فی القلوب و نقر فی الاسماع و هو افضل علمنا لانی بعد نبینا. [۱۹]. دانش ما ائمه بر سه قسم است: ۱. علم به گذشته که برای ما تفسیر کرده اند (مفسر یا خداوند بزرگ است یا رسول او یا امام پیش از هر امام). ۲. علم به آینده و آنچه در جهان واقع می شود (در لوح محفوظ یا در جامعه یا مصحف حضرت فاطمه - سلام الله علیها نوشته شده که امام معصوم از همه آنها باخبر است). ۳. علم به آنچه در آینده رخ می دهد (از رویدادهایی که در آنها بدا حاصل می شود) آگاهی ما به آنها از طریق الهام در دل و یا به صورت سخن گفتن فرشته در گوش است، و این برترین دانش ماست، و هرگز پیامبری بعد از پیامبر ما نخواهد بود.

ائمه و رازداری

امام باقر علیه السلام به عبدالواحد فرزند مختار می گوید: لوکان لا لستکم اوکیه لحدث کل امری بما له و علیه. [۲۰]. اگر تملک زبان می داشتید و می توانستید رازدار باشید، هر آینه به شما خبر می دادم از آنچه به زیان و نفع شماست. خواننده گرامی! علم امام علیه السلام نامحدود است و همه چیز در دایره علمش منعکس می باشد. پس چگونه امام عصر روحی له الفداء از وقت ظهور خود خبر ندارد؟ آری، اگر کسی بگوید که امام علیه السلام نمی داند چه وقت ظهور می کند نسبت جهل و نادانی به امام داده و پیدا است که اگر کسی نسبت جهل به امام علیه السلام بدهد مجازاتش چه خواهد بود. آنچه از روایت مذکور استفاده می شود عدم ظرفیت شیعیان برای گرفتن اسرار از ائمه معصومین سلام الله علیهم است (به ویژه در این زمان تاریک غیبت کبری از وجود مقدس آقا حضرت صاحب الامر روحی له الفداء آن هم در ارتباط با تعیین وقت ظهور).

ابی بصیر گوید: دخلت علی ابی عبدالله علیه السلام فقلت له جعلت فداک انی اساء لک عن مساءله هیهنا احد یسمع کلامی؟ قال فرجع ابو عبدالله علیه السّلام سترًا بینہ و بین بیت آخر فاطلع فیہ ثم قال یا ابا محمد سل عما بدالك قال قلت جعلت فداک ان شیعتک یتحدثون ان رسول الله صلی الله علیه و آله علم علیا علیه السّلام بابا یفتح له منه اءلف باب قال فقال یا ابا محمد علم رسول الله صلی الله علیه و آله علیا علیه السّلام الف باب یفتح من کل باب الف باب قال قلت هذا والله العلم قال فنکت ساعة فی الارض ثم قال انه لعلم و ما هو بذلک قال ثم قال یا ابا محمد و ان عندنا الجامعه و ما یدریهم ما الجامعه؟ قال قلت جعلت فداک و ما الجامعه؟ قال صحیفه طولها سبعون ذراعًا بذراع رسول الله صلی الله علیه و آله و املائه من فلق فیہ و خط علی یمینه فیها کل حلال و حرام و کل شیء یحتاج الناس الیه حتی الارش فی الخدش و ضرب بیده الی قال تاءذن لی یا ابا محمد قال قلت جعلت فداک انما انا لک فاصنع ما شئت قال فغمزنی بیده و قال حتی ارش هذا کانه مغضب قال قلت هذا والله العلم قال انه لعلم و لیس بذلک ثم سکت ساعة ثم قال و ان عندنا الجفر و ما یدریهم ما الجفر قال قلت و ما الجفر قال وعاء من ادم فیہ علم النبین و الوصیین و علم العلماء الذین مضوا من بنی اسرائیل قال قلت ان هذا هو العلم قال انه لعلم و لیس بذلک ثم سکت ساعة ثم قال و ان عندنا لمصحف فاطمه علیها السلام و ما یدریهم ما مصحف فاطمه (ع)؟ قال قلت و ما مصحف فاطمه؟ قال مصحف فیہ مثل قرآنکم هذا ثلاث مرات والله ما فیہ من قرآنکم حرف واحد قال قلت هذا والله العلم قال انه لعلم و ما هو بذاک ثم سکت ساعة ثم قال ان عندنا علم ما کان و علم ما هو کائن الی ان تقوم الساعه قال قلت جعلت فداک هذا هو والله العلم قال انه لعلم و لیس بذاک قال قلت له جعلت فداک فای شیء العلم قال ما یحدث باللیل و النهار الامر بعد الامر والشیء الی یوم القیامه. [۲۱]. شرفیاب محضر امام صادق علیه السلام شدم، عرض کردم: قربانت کردم، می خواهم از شما موضوعی پرسم. آیا در اینجا غیر از ما کسی هست که سخن مرا بشنود؟ می گوید امام پرده وسط اطاق را بالا زد تا ابی بصیر ببیند که کسی نیست. آنگاه فرمود: ای ابی بصیر! هرچه می خواهی سؤال کن عرض کردم: قربانت کردم، شیعیان شما می گویند امیرالمؤمنین سلام الله علیه یک باب از علم از پیامبر بزرگ صلی الله علیه و آله آموخت که از آن هزار باب علم بر روی حضرت علی باز شده است. حضرت فرمود: ای ابابصیر! رسول اکرم صلی الله علیه و آله هزار باب از علم به علی علیه السّلام یاد داد که از هر باب هزار باب علم به روی آن حضرت باز شد. ابابصیر می گوید عرض کردم: به خدا سوگند، این است علم. ابی بصیر می گوید: مولایم ساعتی با انگشتان مبارکش بر زمین زد و فرمود: مسلما این علم است، اما آن علم کامل و همه جانبه نیست. فرمودند: کتاب جامعه نزد ماست و مردم نمی دانند جامعه چیست. می گوید عرض کردم: جامعه چیست؟ فرمود: کتابی است که طول آن هفتاد ذراع است با ذراع رسول اکرم صلی الله علیه و آله و آن را به زبان مبارک بیان فرموده و حضرت علی علیه السّلام نوشته است. به تمام احکام الهی از واجب و حرام و هرچه مردم نیاز به آن دارند در آن هست، حتی دیه و جرم یک خراش. در این موقع امام صادق علیه السّلام دست مبارکش را بر من زده، فرمودند: اجازه می دهی؟ عرض کردم: مولای من! هرچه میل دارید عمل کنید. آنگاه حضرت یک نشگون (یا در اصطلاح فارسیها یک پنجیر) به من گرفت و فرمود: حتی جزای این عمل کوچک هم در آن بیان شده است. در این موقع امام علیه السّلام به نظر غضبناک می رسیدند. عرض کردم: قربانت بروم، والله این علم است. فرمودند: آری، این علم است اما دانش نهایی نیست. سپس لختی سکوت کردند و سپس فرمودند: در نزد ما کتاب جفر است، و مردم چه می دانند جفر چیست. عرض کردم: قربانت شوم، جفر کدام است؟ فرمود: ظرفی است که تمام علوم انبیاء و اوصیاء و دانشمندان بنی اسرائیل، همه در آن است. عرض کردم: قربانت کردم، این است معنی علم؟ فرمودند: این علم است اما باز علم کامل نیست. آنگاه مدتی ساکت ماندند و فرمودند: نزد ماست مصحف مادرم فاطمه، و مردم چه می دانند مصحف فاطمه چیست. عرض کردم: مصحف فاطمه چیست؟ فرمودند: سه برابر قرآن شماست، به خدا سوگند، یک کلمه از قرآن شما در آن مصحف نیست. عرض کردم: به خدا علم کامل این است. فرمودند: این کتاب علم است اما علم کامل نیست. و لحظاتی خاموش شدند، آنگاه فرمودند: در نزد ماست علم به آنچه گذشته و هرچه که در آینده واقع می شود تا قیام قیامت. عرض کردم: به خدا

سوگند، علم نهایی این است. فرمودند: این علم است اما علم کامل نیست. ابی بصیر می گوید عرض کردم: پس علم کامل و نهایی چیست؟ فرمود: علم کامل آن است که همواره در تزیید باشد، و بر آنچه در شبانه روز پدید می آید، بر فرمانهایی که صادر می شود و حوادثی که تا روز قیامت رخ می دهد، احاطه داشته باشد. خواننده عزیز! این کتابها و علمها در نزد حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء است. آیا باز هم می توان باور کرد با این قدرت بی نهایت علمی، آن حضرت عالم به روز و سال ظهور و ساعت قیام جهانی اش نباشد؟ ابداء. او می داند و باید هم بداند، اما از اسرار بزرگ خداوندی است و کسی به آن آگاهی پیدا نخواهد کرد. (اللهم عجل فرجه و اجعلنا من اعوانه و انصاره).

رسول اکرم و نشانه های ظهور

«عن السکونی عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال رسول الله علیه و آله سیاتی علی امتی زمان تخبث فیه سرائر هم و تحسن فیه علانیتهم ظمعا فی الدنیا لا- یریدون به ما عند الله عزوجل یکون امرهم ریا لا یخالطه خوف یعلمهم الله منه بعقاب فیدعونه دعاء الغریق فلا یرستجاب لهم. [۲۲]. سکونی از امام جعفر صادق (ع) نقل می کند که رسول خدا ص فرمود بر امت من زمانی بیاید که باطن آنها پلید و ظاهرشان به جهت طمع در دنیا آراسته باشد و خداوند را در نظر ندارند عمل آنها ریا است و از او نمی ترسند. خداوند نیز همه آنان را عقوبت خواهد کرد و هر چه دعا کنند حتی غریق مستجاب نخواهد شد. از این روایت علامت برای ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا الفداء آن هم از زبان آوردنده اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله نقل کرده اند. ۱- دلها مملو از خبائث و صفات رذیله می شود. ۲- مردم تظاهر به خوبیها می کنند در حالی که دلشان از خوبیها خالی است ۳- هدف از این تظاهرات فرورفتن در کثافات اخلاقی دنیا و تعینات آن است ۴- کارهای آنها اگر چه به صورت عبادت است اما برای غیر خدا انجام می شود (ریا) ۵- توجهی به عالم آخرت نخواهند داشت و از خداوند نمی ترسند. ۶- به جهت این صفات خداوند آنها را عقاب می کند به بلاهای اجتماعی از قبیل جنگ گریز شدن گران سلب برکت و... ۷- در این موقع هر چه دعا کنند حتی دعای غریق هم مستجاب نخواهد شد [۲۳]. رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی در مورد نشانه های ظهور مهدی روحی له الفداء می فرماید: سیاتی زمان علی امتی لا یبقی من القران الا رسمه و لا من الاسلام الا اسمہ یسمون به وهم ابعده الناس منه مساجد هم عامره و هی خراب من الهدی فقهاء ذلک الزمان شرفقهاء تحت ظل السماء منهم خرجت الفتنة و الیهم تعود. [۲۴]. بزودی زمانی بر امت من فرارسد که از قرآن جز رسم و از اسلام جز اسم باقی نماند آنان به نام مسلمانان خوانده می شوند در حالی که دورترین مردم از اسلام اند مساجد آنان آباد و از هدایت خراب (خالی) است فقهای آن زمان بدترین فقها در زیر آسمان اند فتنه از ایشان آغاز می شود و به آنان باز می گردد وجود مبارک منجی عالم بشریت حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم در این حدیث که در حقیقت آئینه ای است که دنیای اسلام و مردم آن را نشان می دهد و این خود معجزه ای است از آن بزرگوار به جند علامت در ارتباط با ظهور فرزند عزیزش اشاره فرموده است: ۱- محتوی و حقایق حیاتبخش قرآن متروک و فقط اسمی از آن می ماند. ۲- از اسلام نامی می ماند و قوانین جامع و کامل آن به حالت تعطیل در می آید و به انزوا سپرده می شود. [۲۵]. ۳- تقریبا یک چهارم از جمعیت دنیا ادعای مسلمانی می کنند در صورتی که عملا از اسلام بیگانه اند. ۴- مساجدشان از نظر بنیان و جهات ظاهری آباد اما از لحاظ تقوا ویران است. مساجد مرکز غیبت، تهمت، ریختن آبروی مردم و بدعتها - البته به صورتهای مختلف - شده است. ۵- فقها و دانشمندان بدترین دانشمندانی هستند که در زیر این آسمان بسر می برند. با تاملی کوتاه درباره عالم نماهای زمان خودمان و فساد که در اجتماع کرده اند معنی روایات معلوم می شود. ۶- تمام فتنه ها از ناحیه علمای سوء است و بازگشت آنها نیز به خودشان خواهد بود. «اذا فسد العالم فسد العالم» رسول اکرم ص می فرماید هر گاه دانشمندی راه فساد را پیش بگیرد جهانی را به تباهی می کشد. زیرا مردم این دسته از افراد را الگو و سمبل دین می دانند. خواننده گرامی! نا گفته نماند که از نظر

منطق و برهان، همیشه حساب مکتب، از اشخاص جداست. امام صادق (ع) به نقل از پدران مکرم خود ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین می فرماید: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: (ان الاسلام بدا غریبا و سيعود غریبا کما بدا فطوبی للغرباء). [۲۶]. رسول خدا ص فرمودند: اسلام در ابتدا غریب و تنها بود و بزودی نیز همچون زمان پیدایش غریب و تنها خواهد شد. خوشا به حال تنهاییان و غربا. خواننده ارجمند! اسلام عزیز ما در ابتدا بسیار غریب بود و فقط یک اقلیت از آن استقبال کردند. در آخر الزمان نیز چنان خواهد شد، کما اینکه اکنون نیز اینچنین است و با این همه امکانات نظامی، اقتصادی و انسانی که در جهان اسلام وجود دارد، مع الوصف، مسلمین در چنگال ستمگران و کفاری مانند اسرائیل بسر می برند. دلیل بر اثبات عرض ما وضع موجود دنیای اسلام است و در روایات بالا- تحت عنوان نشانه های ظهور دولت حق، رسول اکرم ص به غربت مجدد اسلام اشاره فرموده و در ضمن کلمه «فطوبی للغرباء» بشارت پیروزی اسلام را داده اند (البته بشارت ضمنی). آری، اسلام در ابتدای امر واقعا غریب بود، درست مانند کسی که وارد شهری بشود، آشنایی نداشته باشد و پولی هم همراه نداشته باشد که بتواند خودش را اداره کند و زبانش هم با مردم آن شهر یکی نباشد، همچنانکه زبان اسلام زبان توحید بود در حالی که زبان مردم لسان کفر و الحاد و بت پرستی بود و پیامبر بزرگوار فرمودند در آخر الزمان هم این طور خواهد شد. خواننده محترم! ملاحظه می فرمایید زبان اسلام در دنیای ما نیز زبان صلح، عدالت، ایمان، امنیت و برادری است، در حالی که در جهان کنونی، اعمال مردم بر خلاف این برنامه هاست. از امام صادق (ع) منقول است که رسول خدا ص فرمودند: من ابغضنا اهل البیت بعثه الله یهودیا قیل یا رسول الله و ان شهد الشهادتین؟ قال نعم انما احتجب بهاتین الکلمتین عند سفک دمہ او یودی الجزیة و هو صاغر ثم قال ابغضنا اهل البیت بعثه الله یهودیا قیل و کیف یا رسول الله؟ قال ان ادرك الدجال آمن به. [۲۷]. هر که ما اهل بیت را دشمن دارد خداوند (عزوجل) او را یهودی برانگیزد. سؤال شد: یا رسول الله! اگر چه شهادتین بگوید؟ فرمودند: بله. در نتیجه دو کلمه شهادت (اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله) فقط جان او محفوظ می ماند و یا از پرداخت جزیه معاف می شود. سپس ادامه دادند: هر کسی که ما اهل بیت را دشمن بدارد خداوند او را یهودی برانگیزد. پرسیدند: چگونه ای رسول خدا؟ فرمودند: اگر زمان دجال را دریابد به او ایمان آورد. در این روایت، پیامبر بزرگوار اسلام (ص) پس از اشاره به وظیفه مردم در ارتباط با اهل بیت (ع) و نیز زیان دشمنی با خاندان گرامی اش، به خروج دجال که از علائم ظهور حضرت بقیه الله روحی له الفدا است، اشاره فرموده اند. بنابراین، زیان دشمنی با اهل بیت سلام الله علیهم اجمعین را می توان این گونه خلاصه کرد: ۱- محشور شدن در روز قیامت با یهودیان. ۲- حسرت و پشیمانی که در سایه قطع ارتباط با خاندان وحی دامنگیر انسان می شود. ۳- از دست دادن نعمتهای ابدی خداوند. ۴- مخلد بودن در آتش جهنم. ۵- محرومیت از مصاحبت با ذوات مقدسه معصومین سلام الله علیهم اجمعین. رسول مکرم (ص) خبر از قیام مهدی روحی له الفدا می دهد و از آن حضرت به نام خاتمه دهنده به دین چنین می فرماید: «المهدی منا یختم الدین به کما فتح بنا...» (و اخرج الحاکم فی صحیحہ) یحل بامتی فی آخر الزمان بلاء شدید من سلطانهم لم یسمع بلاء اشد منه حتی لا یجد الرجل ملجا فیبعث الله رجلا من عترتی اهل بیتی یملا الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا و ساکن السماء و ترسل السماء قطرها و تخرج الارض نباتها. [۲۸]. همچنانکه دین به وسیله من آغاز شد، توسط فرزندم مهدی (ع) خاتمه می یابد... در آخر الزمان امت من در سایه زمامداری ستمگر به بلاهایی مبتلا می شوند که مانند آن را نشنیده اند و به اندازه ای عرصه بر مردم تنگ می شود که پناهگاهی برای خود پیدا نمی کنند. در این هنگام خداوند مردی از عترت و ظلم و جور شده باشد. از ویژگیهای او این است که اهل زمین و ساکنان آسمانها او را دوست می دارند و آسمان بارانهای خودش را می بارد و زمین برکاتش را در اختیار مردم قرار می دهد. «سیجی ء فی آخر الزمان اقوام تکون وجوههم و جوه الادمیین و قلوبهم قلوب الشیاطین امثال الذئب الضواری لیس فی قلوبهم شیء من الرحمه سفاکین للدماء و لا یرعون عن قبیح ان تابعتم و اروک و ان تواریت عنهم اغتابوک و ان حد ثوک کذبوک و ان ائتمنتهم خانوک صبیهم عارم و شابهم شاطر و شیخهم لایامر بمعروف و لا ینهی عن منکر الا اعتزاز بهم ذل و طلب ما فی ایدیهم فقر الحلیم فیهم غاو و الامر فیهم

بالمعروف متهم المؤمن من فيهم مستضعف و الفاسق فيهم مشرف السنه فيهم بدعه و البدعه فيهم سنه فعند ذلك يسلم الله عليهم شرارهم و يدعو خيارهم فلا يستجاب لهم.» [۲۹]. در آخر الزمان مردمانی بیایند که از نظر ظاهر، سیمای آدمیان را دارند، اما دل‌هایشان مانند قلبهای شیطانها است (پراز خود خواهی و تکبر و غرور و امثال اینها است). مانند گرگهای درنده دلشان خالی از رحمت و عطف انسانی باشد، قتل و خونریزی برای آنها یک امر بسیار ساده و بی اهمیت خواهد بود و از کارهای زشت دوری نمی کنند. اگر از آنها متابعت کنی تو را از خود می رانند و اگر از آنان فاصله بگیری تو را مورد غیبت و عیبجوی قرار می دهند، اگر با تو سخن گویند دروغ می گویند و اگر آن مردم را امین خویش قرار دادی به تو خیانت می کنند. بچه های آنها با ناز و نخوت زندگی می کنند و جوانانشان بیباک و از خود راضی اند چندان که مردم را از بی تربیتی خویش عاجز می کنند. پیروان آنها امر به خوبیها و نهی از بدیها نمی کنند. عزت جستن به وسیله آنها ذلت و خواری است، مطالبه موجودی آنها فقر و ناتوانی است. شخص عاقل در میان آنها گمراه به شمار می آید و امر به معروف کننده مورد تهمت و افترا قرار می گیرد. افراد با ایمان و صاحبان تقوا در میان ایشان ضعیف خواهند بود، اما افراد فاسق در میان آنها با شخصیت حساب می شوند. کارهای خوب و سنتهای الهی در میان این جمعیت بدعت محسوب می شود و از طرفی بدعت در میان آنها سنت به حساب می آید. در چنین زمانی که مردمش دارای چنین خصوصیات اخلاقی شده اند، خداوند اشرار و مردم بد را بر آنها مسلط می کند و دیگر دعاوی خوبان اجابت نخواهد شد.

شب معراج و نشانه های ظهور

در حدیث مبارکی که ابن عباس از زبان پر نور آورنده اسلام حضرت محمد بن عبد الله (ص) نقل کرده به نشانه هایی در رابطه با قیام جهانی حضرت صاحب الامر (ع) تصریح شده است که به نظر خوانندگان عزیز می رسد: «عن ابن عباس عن رسول الله صلی الله علیه و آله: فی حدیث ان الله اوحی الیه لیله اسری به ان یوصی الی علی و اخبره بالائمه من ولده الی ان قال و آخر رجل منهم یصلی عیسی ابن مریم خلفه یملا الارض عدلا کما ملئت جورا و ظلما انجی به من الهلکه و اهدی به من الضلاله و ابری به الاعمی و اشفی به المریض فقلت الهی و سیدی متی یکون ذاک ف اوحی الله عزوجل الی یکون ذلک اذا رفع العلم و ظهر الجهل و کثر القراءه و قل العمل و کثر القتل و قل الفقهاء و الهادون و کثر فقهاء الضلاله و الخونه و کثر الشعراء و اتخذ امتک قبورهم مساجد و حلیت المصاحف و زخرفت المساجد و کثر الجور و الفساد و ظهر المنکر و امر امتک به و نهی عن المعروف و اکتفی الرجال بالرجال و النساء و صار الامراء کفره و اولیائهم فجره و اعوانهم ظلمه ذووا الراي منهم فسقه و عند ثلاثه خسوف بالمشرق و خسف بالمغرب و خسف بجزیره العرب و خراب بصره علی ید رجل من ذریکتک تتبعه الزوج و خروج رجل من ولد الحسین بن علی و ظهور الدجال یخرج من المشرق من سجستان و ظهور السفیانی.» [۳۰]. ابن عباس می گوید: در شب معراج مطالبی به رسول اکرم (ص) وحی شد که باید به وجود مقدس حضرت امیر المؤمنین (ع) خبر داده شود و نیز به ائمه بعد از آن حضرت. بعد فرمودند که خداوند برای آخرین آنها نشانه هایی بیان فرمودند: ۱- عیسی بن مریم پشت سر آن بزرگوار نماز می خواند. ۲- زمین را پر از عدل و داد می کند چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد. ۳- بندگان را به وسیله او (امام عصر) از هلاکت نجات می دهد. ۴- گمراهان را به وسیله او هدایت می کنم. ۵- نابینایان و بیماران را به وسیله او شفا می دهد. عرض کردم خداوند! آن کی خواهد شد؟ خطاب رسید: ۶- هرگاه علم از میان برداشته شود و جهل و نادانی به جای آن نشیند. قرائت قرآن زیاد اما به آن کم شود. ۷- قتل و کشتار زیاد شود. ۸- فقها و هدایت کنندگان واقعی کم شوند (اشاره است به وجود علمای ربانی). ۹- علمای فاسق (بی عمل) و خیانتکار زیاد شوند (آنان که دین را به فکر خود معنی می کنند). ۱۰- شعرا زیاد شوند. ۱۱- امت شما قبرستانها را مساجد قرار دهند. ۱۲- قرآنها را زینت کنند. ۱۳- مساجد را مجلل سازند. ۱۴- جور و فساد زیاد شود. ۱۵- منکرات ظاهر شود. ۱۶- امت شما امر به منکر

کنند. ۱۷- پیروان شما نهی از معروف کنند. ۱۸- مردها به مردها اکتفا کنند (لواط). ۱۹- زنان به زنان قناعت کنند (مساحقه). ۲۰- زمامداران کافر شوند. ۲۱- دوستان حکمرانان گنهکار باشند. ۲۲- یاوران آنها ستمگران باشند. ۲۳- صاحبان رای و نظر از آنان فاسقان باشند. ۲۴- سه خسف [۳۱] در دنیا واقع شود: یکی خسف در مشرق، خسف دیگر در مغرب و خسف سوم در جزیره العرب. ۲۵- خراب شدن بصره به دست یکی از ذراری تو (سید) که زنگیها دنبالش را بگیرند. ۲۶- قیام مردی از اولاد امام حسین (ع). ۲۷- ظهور دجال و قیامش از سجستان. ۲۸- خروج سفیانی.

انتظار فرج

رسول اکرم و موقعیت منتظران حضرت مهدی قبل از ظهور

امام صادق علیه السلام از وجود مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره مقام منتظران ظهور و علاقه مندان به ساحت قدس حضرت بقیه الله روحی له الفداء و آباء گرامی اش چنین نقل فرموده اند: طوبی لمن ادرك قائم اهلیتی و هو مقتد به قبل قیامه یتولی ولیه و یتبرأ من عدوه و یتولی الائمة من قبله اولئک رفقاء و ذووا ودی و مودتی و اکرم امتی علی و اکرم خلق الله علی. [۳۲] خوشا به حال کسانی که قائم از اهل بیت مرا درک کنند و اقتدای به آن حضرت می کنند (فرمانبرداری) پیش از قیامش، دوستان او را دوست می دارند و با دشمنانش دشمن اند و از آنها تبرا می جویند و ائمه معصومین قبل از آن حضرت را دوست می دارند. اینان رفقای من و دوستان من و بهترین افراد امت من در نزد من بلکه بهترین مخلوقات خداوند برای من هستند (گوارا باد بر صاحبان این نعمت (ولایت)). حدیفه می گوید: دیدم رسول معظم اسلام صلی الله علیه و آله پرده کعبه را گرفته و گریه می کند. عرض کردم یا رسول الله! چه چیز شما را به گریه آورده است؟ خداوند چشمهای تو را نگریند. فرمودند: یا حدیفه قد ذهبت الدنیا او کانک بالدنیا لم تکن قلت فداک ابی و امی یا رسول الله فهل من علامه یتدل بها علی ذلک قال نعم یا حدیفه احفظ بقلبک و انظر بعینک و اعقد بیدک اذا ضیعت امتی الصلوة و اتبعت الشهوات و کثر الخیانات و قلت الامانات و شربوا القهوات و اظلم الهوی و غار الماء و اغبرت الافق و خیف الطرق و تشاتم الناس و فسدوا و فجرت الباعة و رفضت القناعة و ساءت الظنون و تلاشت السنون و کثرت الاشجار و قلت الثمار و غلت الاسعار و کثرت الرياح و تینت الاشرار و ظهر اللواط و استحسنا الخلف و ضاقت المكاسب و قلت المطالب و استمروا بالهوی و تفاکهوا بینهم بثیمة الابهاء و الامهات و اکلوا الربا و فشا الزنا و قل الرضا و استعملوا السفهاء و کثرت الخیانة و قلت الامانة و ذکی کل امرء نفسه و عمله و اشتهر کل جاهل بجهله و زخرفت جدران الدور و رفع بناء القصور و صار الباطل حقا و الکذب صدقا و الصحة عجزا و اللؤم عقلا و الضلالة هدی و البیان عمی و الصمت بلاهه و العلم جهالة و کثرت الایات و تنابعت العلامات و تراجموا بالظنون و دارت علی الناس رحی المنون و عمیت القلوب و غلب المنکر المعروف و ذهب التواصل و کثرت التجارات و استحسنا البطالات و تهادوا انفسهم بالشهوات و تهاونوا بالمعضلات و رکبوا جلود النمر و اکلوا الماء تور و لبسوا الحبور و آثروا الدنیا علی الآخرة و ذهبت الرحمة من القلوب و عم الفساد و اتخذوا کتاب الله لعبا و مال الله دولا و استحل الخمر بالنیذ و النجش بالزکوة و الربا بالبیع و تکفاء الرجال بالرجال و النساء بالنساء و صارت المباهات فی المعصية و الکبر فی القلوب و الجور فی السلاطین و السفاهه فی سائر الناس فعند ذلک لا یسلم لذی دین دینه الا من فر بدینه من شاهی الی شاهی من واد الی واد و ذهب الاسلام حتی لا یبقی الا- اسمه و اندرس القران من القلوب حتی لا یبقی الا- رسمه یقرؤن القرآن لا یجاوز تراقیهم لا یعلمون بما فیهم من وعد ربهم و وعیده و تحذیره و تنذیره و ناسخه و منسوخه فعند ذلک تكون مساجدهم عامرة و قلوبهم خاربه من الایمان علمانهم شر خلق الله علی وجه الارض منهم بدت الفتنة و الیهم تعود و یذهب الخیر و اهله و یتقی الشر و اهله و یصیر الناس بحیث لا یعباء الله بشیء من اعماله قد حب الیهم الدینار و الدارهم حتی ان الغنی لیحدث نفسه بالفقر. [۳۳]. ای حدیفه!

دنیا از بین رفته یا مثل اینکه تو در این دنیا نبودی. عرض کردم پدر و مادرم به قربانت باد! آیا علائمی هست که دال بر وقوع چنین وضعی در دنیا باشد؟ فرمودند: آری - ای حذیفه! - مطالبی که می گویم به قلبت بسپار و با چشمت بین و با انگشتانت شماره کن: ۱. وقتی که امت من نماز را ضایع کنند. ۲. از شهوات پیروی کنند. ۳. خیانت در میان مردم زیاد شود. ۴. امانت و امانتداری کم شود. ۵. مشروبات الکلی بنوشند. ۶. فضا تاریک شود (ممکن است به خاطر آلودگی فضا به معصیت یا دود ناشی از بنزین و غیره باشد). ۷. به واسطه خشکسالی، آب قناتها و چاهها کم می شود - کما اینکه الان شده است - ۸. آسمان و این فضای لایتناهی غبار آلود شود (ممکن است کنایه از ظلمهای جهانی باشد مانند جنگهای جهانی از قبیل دو جنگ اول و دوم و جنگهای پراکنده). ۹. امنیت از راههای زمینی و هوایی برداشته شود (نظیر هواپیما ربایی، آدم دزدی). ۱۰. و مردم همدیگر را سب و لعن کنند. ۱۱. خانواده ها در دامن فساد سقوط کنند (مانند بی حجابی، رقصی، قمار و غیره). ۱۲. مردم در زندگی گرفتار تجملات و مدپرستی شوند و سرانجام قناعت و میانه روی متروک گردد. ۱۳. افراد جامعه نسبت به یکدیگر بدبین شوند و سوءظن و عدم اعتماد بر جامعه سایه افکند. ۱۴. سالهای دنیا پست و خوار شود. ۱۵. درختکاری زیاد شود و محصولات اندک شود. ۱۶. قیمتها بالا رود (نرخ اجناس مورد لزوم به طور سرسام آوری بالا برود تا جایی که زندگی را تبدیل به جهنم سوزان کند). ۱۷. بادهای زیاد شود (طوفانها و تندبادها مرتباً در دنیا زیانهای سنگین جانی و مالی به بار آورد). ۱۸. پرده از روی باطن مردم برداشته شود (و جنایتکاران و دنیاپرستان و جاه طلبان شناخته شوند، یا بدان آشکار شوند یا علائم ظاهر شوند). ۱۹. عمل شنیع لواط علنی شود (کما اینکه در انگلستان با گذراندن قانونی از تصویب مجلس لواط بلامانع شده است). ۲۰. خلاف، پسندیده شود. ۲۱. تجارت و کاسبی دچار سختی و تنگی شود و اشیاء مورد درخواست کم شود. ۲۲. تمام برنامه ها را با کمال گستاخی و خودسری بر مبنای هوای نفس (دلم می خواهد) پیاده کنند. ۲۳. ناسزا و فحش دادن به پدر و مادران را وسیله سرگرمی و مزاح قرار دهند. ۲۴. آشکارا ربا بخورند و کوچکترین ترسی از خداوند نداشته باشند. ۲۵. بی عصمتی و زنا در میان مردم رواج پیدا کند (مراکز خودفروشی و زنا در دنیا با ابعاد گسترده ای بالا-ترین شاهد ماست). ۲۶. خشنودی و راضی بودن از زندگی و برنامه آن بسیار کم شود. ۲۷. افراد سفیه و نادان زمام امور را به دست گیرند. ۲۸. خیانت به انواع و اقسام مختلف در میان همه طبقات زیاد شود. ۲۹. امانت را بی اهمیت بدانند و به آن بی اعتنا باشند و افراد امین کم شوند. ۳۰. افراد از اخلاق و کار خویش تعریف کنند. ۳۱. نادانها به دلیل نادانی خویش مشهورند. ۳۲. مردم خانه های خود را بیاریند و دیوارهای آن را زینت دهند. ۳۳. قصرها و خانه ها بلند ساخته شود (مانند ساختمانهای چندین طبقه ای که آسایش و امنیت را از همسایه ها سلب می کند). ۳۴. باطل را به لباس حق جلوه دهند. ۳۵. زشتی دروغ از بین برود بحدی که لباس راستی بر آن بپوشانند. ۳۶. اگر کسی در کارش صحت عمل داشته باشد او را ضعیف بدانند. ۳۷. پستی و لثامت و سرزنش یکدیگر را به حساب عقل بگذارند (صاحبش را عاقل بدانند). ۳۸. گمراه بودن و راه کج رفتن را هدایت بشمارند. ۳۹. بیان را کوری بدانند (اگر به وسیله بیان، حقایقی گفته شود که به نظر آنها خوش نیاید بگویند این شخص کور است و واقعیت دنیا را نمی بیند). ۴۰. و خموشی را بی خردی بدانند. ۴۱. دانشمند اگر بخواهد از علم خویش به نفع خود و جامعه حرف بزند او را جاهل و عملش را نادانی بدانند. ۴۲. نشانه ها بسیار شود و علامتها یکی پس از دیگری ظاهر گردد. ۴۳. تحقیق نکرده سخنان دور از حقیقت بگویند (مردم را متهم کنند و بدون دلیل آبروی بندگان خدا را بریزند). ۴۴. آسیای مرگ بر سر جامعه بچرخد (جنگهای خانمانسوز به راه بیندازند و افراد بیگناه را قتل عام کنند، مانند بمباران مناطق مسکونی و غیر نظامی و...). ۴۵. مردم از نظر بینش و دید قلبی کور شوند و حقایق را نبینند (مانند جنایاتی که از زمامداران خود می بینند و در عین حال می گویند خوب است). ۴۶. کارهای ناپسند بر اعمال خوب غلبه پیدا کند (مردم طرفدار کارهای بد شوند). ۴۷. محبت نسبت به یکدیگر وصله رحم از دلهای مردم برداشته شود. ۴۸. تجارت و بازرگانی زیاد شود و مردم کارهای باطل و ناچیز را نیکو بدانند. ۴۹. جان خود را به یکدیگر به خاطر شهوتهای زیادی که دارند، بذل کنند. ۵۰. کارهای بزرگ را آسان شمارند (نظیر جنگ با دولتهای بزرگ). ۵۱. از پوشیدن پوستهای حیوانات حرام گوشت (یا

الوفاء و شاع الزنا و تزين الرجال بثياب النساء و سلب عنهن قناع الحياء و دب الكبر في القلوب كديب السم في الابدان و قل المعروف و ظهرت الجرائم و هونت العظام و طلبوا المدح بالمال و انفقوا المال للغناء و شغلوا بالدنيا عن الآخرة و قل الورع و كثر الطمع و الهرج و المرج و اصبح المؤمن ذليلا- و المنافق عزيزا مساجدهم معمورة با لاذان و قلوبهم خالية من الايمان و استخفوا بالقرآن و بلغ المؤمن منهم كل هو ان فعند ذلك ترى وجوههم وجوه الادميين و قلوبهم قلوب الشياطين كلامهم احلى من العسل و قلوبهم امر من الحنظل فهم ذئاب و عليهم ثياب ما من يوم الا يقول الله تبارك و تعالى اءفبى تغترون ام على تجترون «افحسبتم انما خلقناكم عبثا و انكم الينا لا ترجعون» [۳۵] فو عزتى و جلالى لولا- من يعبدنى مخلصا ما امهلت من يعصينى طرفه عين و لولا ورع الورعين من عبادى لما انزلت من السماء قطرة و لا انبت ورقة خضراء فوا عجباً لقوم آلهتهم اموالهم و طالت آمالهم و قصرت آجالهم و هم يطمعون فى مجاوره مولا هوم و لا يصلون الى ذلك الا بالعمل و لا يتم العمل الا بالعقل. [۳۶]. در حجة الوداع (آخرین حج) در خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بودم. وقتی که پیامبر بزرگ اعمال واجب حج را تمام فرمودند به عنوان وداع به خانه کعبه نزدیک شدند، حلقه در خانه را گرفتند و با صدای بلند که همه اهل مسجد الحرام و بازاریان صدای مبارکشان را شنیدند و اجتماع کردند، فرمودند: ای مردم! بشنوید و به آنهایی که در اینجا نیستند برسائید. آنگاه وجود مقدس رسول گرامی صلی الله علیه و آله گریه کردند و از گریه آن بزرگوار همه به گریه افتادند و چون از گریه فارغ شدند، فرمودند: ای مردم! خداوند شما را رحمت کند. مثل شما از امروز تا یکصد و چهل سال دیگر مانند درخت بی خار خواهید بود (ممکن است که کنایه از زندگی آرام باشد) و دویست سال دیگر بر شما خواهد آمد که مانند درختی باشید که هم برگ دارد و هم خاردار است (این نیز ممکن است کنایه از زندگی همراه با نیش و نوش و زحمت و خوشی باشد). دیگر بعد از این مثل شما مانند درختی است که خارهای جانگداز دارد و در این فصل از زندگی نمی بینید مگر پادشاه ستمگر یا ثروتمند بخیل یا عالم دنیاپرست یا فقیر دروغگو یا پیرمرد زناکار یا بچه گستاخ یا زن نادان و احمق. آنگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله گریه کردند. سلمان فارسی از جا برخاست و عرض کرد: یا رسول الله! به ما خبر بده کی خواهد شد. حضرت فرمودند: هرگاه علما و دانشمندان شما کم شوند و قاریان قرآن شما از بین بروند و زکات دادن متروک شود و منکرات در اجتماع شما رواج پیدا کند و در مساجد صداهای شما بلند شود و کارهای مربوط به دنیا را مقدم بر امور اخروی بلکه روی سر آخرت بگذارید و علم را زیر پای خود قرار دهید (کنایه از علوم اسلامی و معارف حقه اهل بیت علیهم السلام است) و سخن معمولی و همگانی شما دروغ، میوه و نقل مجالس شما غیبت و آنچه به دست می آورید حرام باشد. (ای سلمان!) در آن زمان بزرگان بر کوچکان رحم نمی کنند و کوچکان نیز احترام بزرگان را نگاه نمی دارند (ای سلمان!) در این حالت، لعنت خداوند بر شما نازل می شود و سختیها دامن شما را خواهد گرفت و از دین در میان شما جز لفظی باقی نمی ماند و آنگاه که شما دارای این صفات ناپسند شدید، منتظر وزیدن باد سرخ یا سنگباران شدن یا مسخ شدن باشید، به درستی که در کتاب خداوند عزوجل آمده است: «خداست که می تواند به وسیله عذابهای مختلف از بالا و پایین (سنگباران یا بادهای سخت) شما را مجازات کند یا شما را گروه گروه کند و بچشاند برخی از شما را آسیب برخی دیگر. بنگر چگونه آیه ها را گونه گونه می کنیم، شاید آنها فهم کنند». در این موقع بعضی از اصحاب برخاسته، عرض کردند: یا رسول الله! به ما خبر ده این جریانات کی خواهد بود. فرمودند: آنگاه که نماز را در وقت خودش نخوانند، متابعت از شهوات کنند، شرب خمر کنند (زیرا قهوه خوردن گناه نیست)، به پدران و مادران ناسزا بگویند، به دست آوردن مال حرام را غنیمت بدانند و زکات دادن را زیان و ضرر تلقی کنند، مرد از همسر خود اطاعت کند، درباره همسایه جفا کنند، با ارحام قطع ارتباط کنند، رحم از بزرگان برداشته شود و حیای کوچکان کم گردد، ساختمانها را محکم بنا کنند، درباره نوکران و کلفتها ظلم کنند، شهادتشان از روی هوی و هوس باشد، حکم آنها بر اساس ظلم باشد، مرد پدرش را لعنت کند، برادر نسبت به برادر حسد ورزد، شرکاء در معاملاتشان به یکدیگر خیانت کنند، وفا کم شود، زنا شیوع پیدا کند، مردان خود را به لباس زنان بیاریند، پرده حیا از زنها برداشته شود، تکبر دلهای مردم را پر کند مانند سمهای

کشنده ای که در بدنها جای می گیرد، کارهای خوب کم شود و جرایم و بدیها ظاهر شود، واجبات الهی سبک پنداشته شود، با گرفتن پول صاحبان مال را بستایند، ثروت را در راه غنا و خوانندگی به مصرف برسانند، از آخرت غفلت کنند و تمام توجه خود را به دنیا معطوف دارند، ورع و پرهیزکاری کم و طمع زیاد شود، هرج و مرج بالا گیرد، بندگان خدا در جامعه ذلیل و منافقان در میان مردم محترم باشند، مساجد از نظر ظاهر به وسیله اذان آباد اما دلهای ساکنان آن تهی از ایمان باشد، قرآن را سبک بشمارند، انواع خواریها درباره اهل ایمان اعمال کنند. در این هنگام می بینی که صورت این مردم چهره آدمی است اما قلبهای آنان دلهای شیاطین است (پر است از مکر و حيله و تکبر و امثال این صفات بد)؛ سخنان آنان از عسل شیرین تر اما دلهایشان پر است از زهرهای کشنده. اینان گرگهای درنده ای هستند که به لباس آدمیان در آمده اند. در این حالات، روزی نیست که خداوند به آنها نفرماید آیا از رحمت من مغرور شده و به من جرات پیدا کرده اید؟ «تصور می کنید که من شما را بی فایده خلق کردم و بازگشت شما به سوی من نیست؟». به عزت و جلالم سوگند، اگر به خاطر بندگان صالح و با اخلاصم نبود یک آن به معصیتکاران مهلت نمی دادم و اگر ورع و پرهیزکاری بندگان باتقوا نبود یک قطره باران از آسمان فرو نمی فرستادم و یک برگ سبز از زمین نمی رویاندم. عجا از مردمی که مال و ثروت را خدای خویش قرار داده اند و آرزوهای آنها طولانی است (با توجه به عمر کوتاه دنیا) و چشم طمع دارند که در جوار رحمت الهی باشند، و حال آنکه به مقام قرب نمی رسند مگر به وسیله عمل صالح و عمل هم قبول نخواهد شد مگر با راهنمایی عقل. در این حدیث نبی معظم صلی الله علیه و آله از حوادث و بلاهایی که بعد از آن بزرگوار متوجه خاندان عزیزش می شود یاد می فرمایند و در ضمن به بعضی از علائم ظهور امام عصر روحی له الفداء اشاره می کنند: ان رسول الله صلی الله علیه و آله ذکر بلاء یلقاه اهل بیته حتی یبعث الله رایة من المشرق سوداء من نصرها نصره الله و من خذلها خذله الله حتی یاءتوا رجلا اسمه کاهسمی فیولوه امرهم فیویده الله و ینصره. [۳۷]. پرچمهای سیاهی از جانب مشرق (خراسان) به احتزاز در می آید. هر کسی که زیر این پرچمها برود و صاحبش را یاری کند خداوند او را یاری خواهد فرمود و هر فردی که آنها را مخذول کند، یعنی با پرچم و صاحب آن مخالفت کند، خداوند او را مخذول خواهد کرد تا اینکه مردی بیاید که نامش مانند نام من باشد. پس زمام امور را به دست گیرد و خداوند او را از نصرت و تاءیدات خودش بهره مند خواهد فرمود. نعیم بن حماد می گوید: قال رسول الله صلی الله علیه و آله تکون فتنة ثم تکون جماعة ثم تکون فتنة تعوج فیها عقول الرجال. [۳۸]. رسول معظم اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: بعد از من فتنه هایی خواهد بود و جماعتی رهبری فتنه ها را به عهده خواهند گرفت؛ اما در آخر فتنه ای خواهد بود که بر اثر آن عقل مردم دچار انحراف خواهد شد. ممکن است منظور از فتنه ها حادثه بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله (غصب خلافت)، زمامداری بنی امیه، خلافت بنی عباس و فتنه های دیگری باشد که واقع شده است. عبدالله بن مسعود از بنیانگذار اسلام صلی الله علیه و آله روایت می کند که آن حضرت در ارتباط با حوادث بعد از خودشان چنین فرمودند: احذرکم سبع فتن تکون بعدی فتنه تقبل من المدینة و فتنه بمکه و فتنه تقبل من الیمن و فتنه تقبل من المشرق و فتنه من قبل المغرب و فتنه من بطن الشام و هی فتنه السفیانی قال ابن مسعود منکم من یدرک اولها و من هذه الامة من یدرک آخرها. [۳۹]. من شما را از هفت فتنه می ترسانم که بعد از من در دنیای اسلام به وجود می آید: ۱. فتنه ای که در مدینه برپا می شود (ممکن است اشاره به فتنه طلحه و زبیر باشد یا حادثه سقیفه). ۲. فتنه دوم از مکه است (ممکن است اشاره به جریان عبدالله بن زبیر باشد). ۳. فتنه ای که از جانب یمن (نجده) باشد. ۴. فتنه ای که از جانب شام برخواید خاست (ممکن است اشاره به فتنه بنی امیه باشد). ۵. فتنه ای که از جانب مشرق به وجود می آید (ممکن است فتنه بنی عباس باشد). ۶. فتنه ای که از سوی مغرب خواهد بود. ۷. فتنه هفتم از شام برمی خیزد، که همانا قیام سفیانی است. عبدالله بن مسعود می گوید: بعضی از افراد این امت اول این فتنه ها را درک می کنند و بعضی دیگر آخر این فتنه ها را خواهند دید. خواننده ارجمند! باید از خداوند بزرگ به وسیله آقا حضرت بقیة الله روحی له الفداء استدعا کنیم که همه ما را در این فتنه ها و امتحانات حفظ فرماید تا ظهور حضرت ولی عصر علیه السّلام را با عافیت درک نماییم - آمین یا رب العالمین - . راوی خبر می گوید: در

خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بودم، جوانانی از بنی هاشم وارد شدند، رنگ مبارک آن حضرت دگرگون. پس آن جوانان عرض کردند: یا رسول الله ما همیشه در رخسار شما حالی را می بینیم که آن را خوش نداریم. حضرت فرمودند: انا اهل بیت اختار الله لنا الاخرة على الدنيا و ان اهل بیتی هؤلاء یلقون بعدی بلاء و تطریدا و تشریدا حتی یاءتی قوم من هیهنا نحو المشرق اصحاب ریات سود یساءلون الحق فلا یعطونه مرتین او ثلاثا فیقاتلون فینصرون فیعطون ما ساءلوا فلا یقبلونها حتی یدفعوها الی رجل من اهل بیتی فیملاء الارض عدلا کما ملؤوها ظلما فمن ادرك ذلك منکم فلیأثم ولو حبوا علی الثلج فانه المهدی. [۴۰]. ما اهل بیتی هستیم که خداوند به جای دنیا آخرت را برای ما قرار داده است. به درستی که اهل بیت من (این جمعیت) بعد از من به انواع بلاها مبتلا می شوند (شهادت، اسارت، تبعید، زندان و...) تا اینکه قومی از سمت مشرق بیایند که دارای پرچمهای سیاه هستند. آنان مطالبه حق کنند و به آنها داده نشود. پس جنگ کنند تا دفعه دوم و سوم پیروزی نصیب آنها شود و آنها این موفقیت را به مردی از خاندان من تقدیم می کنند و او جهان را پر از عدل و داد می کند چنانکه پر شده باشد از ظلم و جور. پس هر کسی از شما آن زمان را درک کرد خودش را به او برساند ولو اینکه از راه خزیدن و سینه خیز روی برف باشد، زیرا او مهدی من است. خواننده گرامی! در این روایات خبر داده اند از قیام جناب سید حسنی و یاران او و تسلیم شدنش به امام عصر روحی له الفداء و اینکه در خدمت آن بزرگوار خواهد بود، و البته مرکز قیام خراسان خواهد بود.

ظهور

رسول اکرم و موارث انبیاء

در این روایت رسول خدا صلی الله علیه و آله از موارث انبیاء سخن گفته اند. آری، یکی از علائم ظهور حضرت مهدی روحی له الفداء همین است که باید آنچه انبیای گذشته داشته اند و به وسیله آن دشمنان را به زانو در می آوردند و موقعیت خود را تثبیت می کردند، آن حضرت نیز داشته باشند. لذا در این خبر می گوید پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: تخرج الدابة و معها عصا موسی و خاتم سلیمان فتجلو وجه المؤمن بالعصار و تختم انف الکافر. [۴۱]. «دابه» [۴۲] بیرون می آید در حالتی که عصای موسی و انگشتر سلیمان (علیهما السلام) در دست اوست. پس به وسیله عصا صورتهای اهل ایمان روشن می شود و دماغ کفار و دشمنان حق به وسیله خاتم سلیمان مهر می گردد. این است معنی ولایت مطلقه الهی و این قدرتی است که با آن تمام صفحه آفرینش را مسخر خود قرار می دهند.

رسول اکرم و خراب شدن مسجد براثا

مسجد براثا واقع در غرب بغداد مسجدی است بسیار باعظمت که هفتاد پیامبر در آن نماز خوانده اند. در این روایت، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پس از ذکر موقعیت این مسجد، خراب شدن آن را یکی از فتنه های پیش از ظهور بیان فرموده اند. خلاصه روایت از این قرار است که مسجدی را در حیات پیامبر صلی الله علیه و آله شبانه خراب کردند. اصحاب ناراحت شدند، آن حضرت فرمودند: لا تنکروا ذلک فان هذا المسجد یعمر ولكن اذا هدم مسجد براثا بطل الحج قیل له و این مسجد براثا هذا قال فی غربی الزوراء من ارض العراق صلی فیه سبعون نبیا و وصیا و آخر من یصلی فیه هذا و اشار بیده الی مولانا علی بن ابی طالب علیه السلام. [۴۳]. منکر نشوید این را زیرا که این مسجد آباد می شود، اما اگر مسجد براثا خراب شود (کنایه از اهمیت مسجد است) زیانهایی در بر دارد که از جمله آن تعطیل شدن برنامه حج است. عرض کردند: این مسجد در کجا قرار گرفته است؟ فرمودند: در غرب زوراء (بغداد) از زمین عراق. هفتاد پیامبر در این مسجد نماز خوانده اند و آخر کسی که در آن نماز می خواند علی بن ابی طالب

علیه السلام است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بعد از خودشان برای امت اسلامی از سه عامل می ترسیدند: ۱. لغزش عالم و دانشمند که قدرت تخریبی آن از صدها بمب اتمی بیشتر است. زیرا لغزش عالم عقاید و افکار مردم را مسموم می کند و آنها را برای ابد از بین می برد، اما اثر بمبهای اتمی فقط مربوط به جسم است. ۲. حکم حاکم ستمگر که بر مبنای خلاف حق صادر می شود. ۳. متابعت از هوی و هوس که همه چیز مردم را به باد فنا می دهد (وضع فعلی مسلمانان در دنیا خود گواه این مطلب است): قال رسول الله صلی الله علیه و آله: انی اخاف علی امتی من بعدی من اعمال ثلاثه قالوا ما هن یا رسول الله قال: زلّة العالم و حکم الجائر و هوی متبع. [۴۴]. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: در خصوص امت، پس از خود در سه مورد بیمناک هستم. سؤال شد یا رسول الله آن سه مورد چیست؟ فرمودند: لغزش عالم و حکم ستمگر و هوی و هوسی که متابعت و پیروی شود. ان جبرئیل اتی النبی صلی الله علیه و آله فقال انالله و انالیه راجعون فقال النبی صلی الله علیه و آله وسلم: و انالله و انالیه راجعون فمم ذلک؟ فقال ان امتک ستفتن بعدک بقلیل زمان من دهرک غیر کثیر فقلت: فتنه کفر او فتنه ضلال؟ فقال: کل سیکون. فقلت: و من این و انما فیهم کتاب الله تعالی؟ فقال: بکتاب الله تعالی یفتنون و ذلک من قبل اءمرائهم و قرائهم یمنع الامراء القراء الحقوق فیظلمون حقوقهم و لایعطونها فیقتلون و یقتنون و یتبع القرآن اهواء الامراء فیمدونهم بی الغی ثم لایقصرن فقلت یا جبرئیل فکیف یسلم من یسلم؟ فقال: بالكف والصبر ان اعطوا الذی لهم اخذوه و ان منعوا ترکوه. [۴۵]. جبرئیل شرفیاب محضر مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله شد و این آیه شریفه را تلاوت کرد: «انالله و انالیه راجعون». پس پیامبر صلی الله علیه و آله آیه «انالله و انالیه راجعون» را تلاوت فرمودند و سپس از جبرئیل پرسیدند: خواندن این آیه برای چیست؟ عرض کرد: یا رسول الله! امت شما بعد از رحلتان مبتلا به یک امتحان سنگین می شوند، آن هم خیلی زود. فرمودند: امتحان کفر است یا گمراهی و گم کردن راه حق؟ عرض کرد: همه اینها خواهد بود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: این از کجاست، و حال آنکه قرآن در میان امت من است؟ عرض کرد: به وسیله قرآن امتحان می شوند و این برنامه از ناحیه دو دسته پیاده می شود: زمامداران و قراء و دانشمندان آنها. فرمانروایان حقوق قراء را نمی دهند، پس به آنها ظلم می شود و درگیری و جنگ در بین آنها پدید می آید. آنگاه فرمانروایان قرآن را تابع هواهای نفسانی خود قرار می دهند (طبق دلخواه خود تفسیر می کنند) و قراء را به گمراهی می کشانند (ممکن است غرض از قراء علما و دانشمندان هر زمانی باشند). پرسیدم از جبرئیل که راه سلامت ماندن از این خطر کدام است؟ گفت: کف نفس و بردباری در مقابل تضییع حقوق و کناره گیری از مراکز فتنه. درباره اوضاع و احوال آخرالزمان از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمودند: یاءتی علی امتی زمان تکثر فیہ الاراء و تتبع فیہ الاهواء و یتخذ القرآن مزامیر و یوضع علی الحان الاغانی یقراء بغیر خشی لایاءجرهم الله علی قراءته بل یلعنهم فعند ذلک تهش النفوس الی طیب الالحن فتذهب حلاوة القرآن اولئک لانصب لهم فی الاخره و یكثر الهراج و المرج و تخلع العرب اعنتها و تکتفی الرجال بالرجال و النساء بالنساء و یتخذون ضرب القصیب فیما بینهم فلا ینکره منکر بل یتراضون به و هو من احدی الکبائر الخفیة فویل لهم من دیان یوم الدین لاتنالهم شفاعتی فمن رضی بذلک منهم ولم ینهم ندم بذلک یوم القیمه و انا منه بری و عندها تتخذ النساء مجالس و تكون الجموع الکثیره حتی ان المرءه لتتکلم فیها مثل الرجال و ینکره جموعهن لهوا و لعبا و فی غیر مرضاه الله و هی من عجائب ذلک الزمان فاذا راء یتموه فباینوهم و احذروهم فی الله فانهم حرب الله و لرسوله و الله منهم بری. [۴۶]. زمانی بر امت من بیاید که مردم دارای آراء مختلف خواهند شد و از هواها و خواهشهای نفسانی پیروی می کنند و قرآن را با آواز و مزامیر و به صورت غنا می خوانند بدون اینکه از خداوند ترسی داشته باشند. خداوند بزرگ در سایه خواندن قرآن به آنها اجری نخواهد داد بلکه آنها را لعن می کند (چون به قرآن عمل نمی کنند). پس، در چنین عصری ترانه ها و ساز و آواز آدمیان را به طرب می آورد آنچنانکه نفسهایشان گویی در طرب می آید و لذت و شیرینی قرآن خواندن از آنها گرفته می شود. این دسته از مردم از ثوابهای اخروی بی بهره اند. در این موقعیت بیگناهان را زیاد می کشند، هرج و مرج بالا می گیرد و اجتماع عرب خودسر می شود (هر کاری که خواستند انجام می دهند و در مقابل دستورهای دین بی تفاوت می شوند)،

مردها به مردها اکتفا می کنند (از نظر جنسی) و زنها به زنها قناعت می ورزند در فجور. ساز و آواز در میان آنها رواج می یابد و در مجامع خودشان از آن استفاده می کنند و کسی آنها را نهی نمی کند بلکه تشویق می شوند، با اینکه یکی از گناهان کبیره است که کبیره بودنش بر آنها پوشیده است، پس ای وای بر آنها از جزا دهنده روز رستاخیز. و شفاعت من به آنها نخواهد رسید و کسی که راضی به اعمال بد آنها باشد و آنان را از این عمل نهی نکند نیز در روز قیامت پشیمان شود (البته پشیمانی دیگری سودی نخواهد داشت) و من بیزارم. در چنین جامعه ای زنها برای خود تشکیل مجلس می دهند (کنفراس تشکیل می دهند) و جمعیت های زیادی به راه می اندازند، به نحوی که زنها در آن اجتماعات برای سرگرمی است و در مسیر غیر رضای خداوند انجام می شود. پس چون این مردم را با این کیفیت دیدید از آنها فاصله بگیرید و اگر می توانید آنها را نهی کنید و از ایشان بترسید برای خدا؛ زیرا این جمعیت در حال جنگ با خدا و رسول او هستند و خداوند و رسولش از آنها بیزارند. خواننده عزیز! این روایت را به منزله آئینه ای قرار ده و سیمای جهان را در آن بین و برای تعجیل در امر فرج امام عصر ارواحنا له الفداء دعا کن - اللهم عجل فرجه - رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از سوی خداوند متعال این حدیث را بیان فرموده است: قال الله تبارک و تعالی: اذا هتكوا عبادی حرمتی و استحلوا محارمی و خالفوا امری سلطت علیهم جیشا من المشرق یقال لهم الترتک هم فرسانی انتقم بهم ممن عصانی نزع الرحمة من قلوبهم لایرحمون من بکی لایجیبون من شکی یقتلون الالباء و الامهات و البنین و البنات یهلکون بلاد العجم و یفتحون العراق فیفترق جیش العراق بثلاث فرق فرقة یلحقون باذنان الابل و فرقة یترون عیالهم و راء ظهورهم و فرقة یقاتلون فیقتلون اولئک هم الشهداء و تغبطهم الملائکة فاذا رأیتم ذلك فاستعدوا للقیامة قالوا یا رسول الله اذا ادركنا ذلك الزمان این تاءمرنا نستکن فقال رسول الله صلی الله علیه و آله علیکم بالغوطة بالشام الی جانب بلد یقال له دمشق خیر بلاد الشام طوبی لمن کان له فیها مسکن ولو مرتبط شاء فان الله تعالی تکفل بالشام و اهله. [۴۷]. خداوند فرموده است: وقتی که بندگان من هتک احترام مرا کردند (دین خداوند را محترم نشمردند) و حرام مرا حلال شمردند و اوامر مرا ترک گفتند، جمعیتی را بر آنها مسلط می کنم که سواران منند و به وسیله اینها از کسانی که نافرمانی من کنند انتقام می گیرم. رحمت را از دل های آنها کنده ام. لذا به آنهایی که می گویند رحم نمی کنند، التماس ملتسمان را نادیده می گیرند، پدران و مادران و فرزندان را می کشند، بلاد عجم را ویران می سازند و عراق را فتح می کنند لشکریان عراق سه دسته می شوند: یک دسته به دنبال شتران می روند (ممکن است کنایه از فرار آنها و رو به بیابان نهادن باشد)، دسته دوم خانواده های خود را رها می کنند و می روند، دسته سوم جنگ می کنند، می کشند و کشته می شوند. اینها شهدا هستند و ملائکه آسمان به آنها غبطه می خورند. هرگاه این برنامه ها را در دنیا دیدید آماده قیامت باشید. عرض کردند: یا رسول الله! اگر این زمان را درک کردیم به کجا منزل کنیم؟ فرمودند: بر شما باد که به غوطه در دمشق بروید که بهترین بلاد شام است. خوشا به حال آن کسی که در شام منزل بگیرد ولو به قدر جایگاه یک گوسفند باشد، زیرا خداوند بزرگ تکفل شام و مردم آن را خود قبول فرموده است. از وصایای رسول اکرم صلی الله علیه و آله در کتاب «مکارم الاخلاق» به ابن مسعود است که در آن آینده دنیا را در آئینه کلمات و سخنان حیات بخش خود مجسم فرمودند و اکنون خلاصه فرمایشات آن سرور را با خوانندگان عزیز در میان می گذاریم. امید است برای همه ما آموزنده باشد. یا ابن مسعود الاسلام بداء غریبا کما بداء فطوبی للغرباء فمن ادرك ذلك الزمان ممن یتظهر من اعقابکم فلا- یسلم علیهم فی نادیهم و لایشیع جائزهم و لایعد مرضا هم فانهم یتسنون بسنتکم و یتظہرون بدعواکم و یخالفون افعالکم فیموتون علی غیر ملتکم اولئک لیسوا منی ولست منهم الی ان یقول یا ابن مسعود یاءتی علی الناس زمان الصابر فیه علی دینه مثل القابض بکفه الجمرة فان کان فی ذلك الزمان ذنبا والا اکلته الذناب. یا ابن مسعود علماؤهم و فقهائوهم خونۀ فجرة الا انهم اشرار خلق الله و كذلك اتباعهم و من یاءتیهم و یاءخذ منهم و یحبهم و یجالسهم و یشاورهم اشرار خلق الله یدخلهم نار جهنم صم بکم عمی فهم لایرجعون و نحشرهم یوم القیمة علی وجوههم عمیا و بکما وصما ماء و یهم جهنم کما خبت زناهم سعیرا کما نصجت جلودهم بدلنا هم جلودا غیرها لیدوقوا العذاب اذا القوا فیها سمعوا لها شهیقا و هی تفور تکاد تمیز من الغیظ کما ارادوا ان

یخرجوا منها من غمایدوا فيها و قيل لهم ذوقوا عذاب الحریق لهم فيها زفير و هم فيها لا یسمعون. یا ابن مسعود یدعون انهم علی دینی و سنتی و منهاجی و شرایعی انهم منی براء و انا منهم بری. یا ابن مسعود لاتجالسوهم فی الملاء و لا تبایعوهم فی الاءسواق و لا تهدوهم الی الطریق و لا- تسقوهم الماء قال الله تعالی «من كان یرید الحیوة الدنیا و زینتها نوف الیهم اعمالهم فیها و هم فیها لایبخسون» [۴۸] یقول الله تبارک و تعالی «و من كان یرید حرث الدنیا نؤ ته منها و ماله فی الاخرة من نصیب.» [۴۹].... یا ابن مسعود من تعلم العلم یرید به الدنیا و آثر علیه حب الدنیا و زینتها استوجب سخط الله علیه و كان فی الدرک الاسفل من النار مع اليهود و النصری الذین نبذوا کتاب الله تعالی قال الله تعالی فلما جائهم ما عرفوا کفروا به فلعنه الله علی الکافرین. یا ابن مسعود من تعلم القران للدنیا و زینتها حرم الله علیه الجنة یا ابن مسعود من تعلم العلم و لم یعمل بما فی حشره الله یوم القیمة اعمی و من تعلم العلم ریاء سمعه یرید به الدنیا نزع الله برکته و ضیق علیه معیشته و و کله الله الی نفسه و من و کله الی نفسه فقد هلك قال الله «فمن كان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا و لایشرك بعبادة ربه احدا». [۵۰]. یا ابن مسعود فلیکن جلساوک الابرار و اخوانک الاتقیاء و الزهاد لانه تعالی قال فی کتابه «الا خلاء یومئذ بعضهم لبعض عدو الا المتقین.» [۵۱]. یا ابن مسعود اعلم انهم یرون المعروف منکرا والمنکر معروفاف فی ذلك یتبع الله علی قلوبهم فلا یریدون فیهم الشاهد بالحق و لا القوامون بالقسط قال الله تعالی «کونوا قوامین بالقسط شهداء لله ولو علی انفسکم او الو الدین» [۵۲]. یا ابن مسعود یتفاضلون باء حسابهم و اموالهم یقول الله تعالی: «و ما لاحد عنده من نعمه تجزی الا ابتغاء وجه ربه الاعلی ولسوف یرضی» [۵۳]. [۵۴]. ای پسر مسعود! اسلام در روز اول غریب به این دنیا آمد و بزودی به غربت اول باز می گردد (اشاره به غربت دین مقدس اسلام در ابتدای کار و نیز غربت مجدد در آخرالزمان). ای پسر مسعود! هر کسی از شما که این زمان را درک کرد از اعقاب شما. پس به آنها سلام نکنند، در تشییع جنازه آنها شرکت نجوید و از بیماران عیادت نکنند. زیرا اینان به ظاهر خود را در همان راهی جلوه می دهند که شما می روید و تظاهر به ادعاهای شما می کنند، اما عملا با شما مخالف هستند. پس وقتی که مرگ اینها فرا رسد به دین و ملت شما از دنیا نمی روند. آنان از من نیستند و من هم از آنان نیستم (سنخیتی با هم نداریم) تا اینکه می فرماید: ای پسر مسعود! زمانی بر مردم بیاید که آن کس که بخواهد در دینداری ثابت بماند و ایمانش را حفظ کند همچون کسی است که می خواهد آتش را در کف دست خود قرار دهد. پس اگر در این زمان (چون) گرگ باشد می تواند زندگی کند، والا گرگهای درنده او را می خورند. ای پسر مسعود! علما و فقهای آنها خیانتکار و فاجرند. آگاه باشید که اینها بدترین مردم روی زمین هستند و نیز آنهایی که از آنها متابعت می کنند و با آنها رفت و آمد دارند و از آنها علم یاد می گیرند و یا آنان را دوست می دارند و با آنها مجالست و مشورت می کنند، جایگاهشان در جهنم است. اینان کور و کر و لال خواهند بود و در روز قیامت نیز نابینا و کر و لال محشور خواهند شد... [۵۵]. ای پسر مسعود! اینها مدعی دینداری و پیروی از من و ادامه دهنده راه من هستند. اما چنین نیست. اینها در حقیقت از من بیزارند و من هم از آنها بیزارم. ای پسر مسعود! در مجالس با آنها ننشینید، در بازارها با آنها داد و ستد نکنید، آنها را به سوی راه رهنمون نشوید، به آنها آب ندهید، که خداوند متعال درباره آنها فرموده است: «هر کس طالب دنیا و زینت دنیا باشد، پاداش اعمالشان را در دنیا به طور کامل عطا می کنیم، و چیزی از آن در دنیا فروگذاری نمی شود». و خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «هر کس خواهان کشت دنیا باشد از آن برایش می دهیم و در آخرت بهره ای برای او نیست». ای پسر مسعود! کسی که تحصیل علم کند اما برای دنیا و رسیدن به نعمتهای دنیوی، مستحق عذاب خداوند خواهد بود و با یهود و نصاری در پست ترین مقامات جهنم محشور خواهد شد. یهود و نصاری کتاب خداوند را پشت سر انداختند و با اینکه نسبت به اسلام و آورنده آن شناخت پیدا کردند، در عین حال، کفر ورزیدند و در نتیجه از رحمت خداوند محروم ماندند. آری، لعنت خدا بر کافران باد. ای پسر مسعود! هر کس قرآن را برای دنیا و زینتهای آن فرا گیرد، خداوند بهشت را به او حرام گرداند. ای پسر مسعود! هر کس علم را بیاموزد و به آنچه در آن است عمل نکند، خداوند او را روز قیامت نابینا محشور سازد. و کسی که به خاطر مردم (ریا) تحصیل علم کند و هدفش این باشد که دنیا را برای خود مرتب کند برکت از زندگی اش برداشته

می شود و به تنگی معیشت گرفتار می آید و خداوند او را به خودش وامی گذارد که سرانجامش البته هلاکت است. خداوند در قرآن می فرماید: «کسی که به لقای او (قرب جوار) امیدوار است باید نیکوکار باشد و در پرستش خدا هرگز احدی را با او شریک نگرداند». ای پسر مسعود! سعی کن همشینان تو از نیکان باشند و اگر برای خودت برادری انتخاب می کنی از زهاد برگزین (زاهد آن کسی است که گناه نکند و دنیا را بر آخرت مقدم ندارد و نسبت به دنیا بی رغبت باشد)؛ چرا که خداوند در کتابش فرموده است: «در آن روز دوستان همه با یکدیگر دشمن اند مگر پرهیزکاران». ای پسر مسعود! بدان که این اشخاص معروف را منکر می بینند (واجبات الهی به نظر آنها حرام است) و محرمات را معروف (ارتکاب حرام در نظر آنها مانعی ندارد). پس در این حال، خداوند بر دل‌های آنان مهر می زند. آنوقت در میان آنها کسی شهادت به حق نمی دهد و نیز قیام به عدل نمی کند با اینکه خداوند امر فرموده است «نگهدار عدالت باشید و برای خدا گواهی دید ولو اینکه به ضرر خودتان و یا پدران و مادران و بستگان نزدیک شما باشد». ای پسر مسعود! اینها افتخارشان را به مال می دانند با اینکه خداوند فرموده «برای هیچ کس در نزد او نعمتی نیست که پاداش داده شود، مگر در پی خشنودی پروردگار برترش، و بزودی خشنود گردد».

رسول اکرم و روز خلاصی دنیا

از رسول گرامی خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: اذا كانت الصبیحة فی رمضان فانها تکون معمة فی شوال و تمیر القبائل و تتحارب فی ذی القعدة و یسلب الحاج و تسفک الدماء فی ذی الحجة و المحرم و ما المحرم؟ هیات هیات یقتل الناس هر جا هر جا ثم ینادی مناد من السماء الا ان فلانا ابن فلان هو المهدی قائم آل محمد فاسمعوا له و اطیعوا و ذلك الصوت صوت جبرائیل حین یدعوا للبیعة فی صبیحة یوم الخلاص. [۵۶]. زمانی که صیحه در ماه رمضان شنیده شد پس همه و آواز جنگ در شوال بلند می شود و قبایل طعام گردآوری و ذخیره می کنند و ذی القعدة با هم نبرد می کنند و در ماه ذی الحجة حجاج بیت الله الحرام قتل و غارت می شوند و خونها ریخته می شود. و محرم، چه محرمی؟ هرگز نمی توانی درک کنی! نه هرگز! مردم، دسته دسته در این فتنه و آن فتنه کشته می شوند (در هرج و مرج)؛ آنگاه منادی از آسمان ندا می کند که فلانی پسر فلانی، مهدی و قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است، به فرمان او گوش فرا دهید و اطاعت کنید. آن صدا صدای جبرئیل است که در بامداد روز رهایی، مردم را به بیعت فرا می خواند. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که می فرمایند: لا تقوم الساعة حتی یقوم القائم منا و ذلك حین یاءذن الله عزوجل له و من تبعه نجا و من تخلف عنه هلک الله الله عبادالله فاءنوه ولو حبوا علی الثلج فاءنه خلیفه الله عزوجل و خلیفتی. [۵۷]. روز رستاخیز برپا نمی شود تا اینکه قائم ماقیام کند و این قیام در وقتی است که خداوند فرمان ظهورش را امضاء فرماید. هر کس که آن روز از قائم ما متابعت کند نجات می یابد و کسی که سرپیچی نماید دچار هلاکت دو جهان خواهد شد. ای بندگان خدا! از خدا بترسید و به سوی قائم ما بشتابید اگرچه مجبور باشید روی برفها به نحو سینه خیز خود را بکشید، زیرا او جانشین خداوند و خلیفه من است (در روی زمین). رسول اکرم صلی الله علیه و آله به فرزند عزیزش حضرت امام حسین علیه السلام می فرماید: ثم ینظر امیر الامر و قاتل الکفرة السلطان الماء مول الذی تتحیر فی غیبه العقول و هو التاسع من ولدک یا حسین ینظر بین الرکنین ینظر علی الثقلین و لا یترک فی الارض الا دینین طوبی للمؤمنین الذین ادرکوا زمانه و لحقوا اوانه و شهدوا ایامه و لا قوا اقوامه. [۵۸]. (ای حسین!) امیر همه امیران عالم، کشنده کافران و ستمگران جهان و شهریار منتظری که در غیبتش عقلها مات و حیران شده اند، نهمین فرزند از فرزندان شماست. ای حسین! او بین رکن و مقام ظاهر می شود و بنیان و اساس گمراهی و پستی را از ریشه می کند و چه سعادت مند افرادی که عصر پرشکوه حکومت او را درک و در دولت حقه اش زندگی می کنند و آن روزگار میمون و مبارک را می بینند و اصحاب باوفای آن سرور را ملاقات می کنند. واقعا خوشا به حال مردم آن زمان. از خداوند بخواهیم لیاقت درک آن زمان را به همه ما عنایت بفرماید. رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره نشانه های قیام حضرت

بقیه الله ارواحنا له الفداء می فرماید: استخراج الزبور من بحیره طبریة فیها مما ترک آل موسی و هارون تحمله الملائکة و فیها الا لواح و عصا موسی (ع)... استخراج الكنوز یفتح مدائن الشرك. [۵۹]. (حضرت مهدی علیه السلام) زبور را از دریاچه طبریه (که گویا در شمال فلسطین است) بیرون می آورد که از خاندان موسی و هارون چیزهایی به عنوان ماترک این دو خاندان با آن هست و ملائکه آن را به دوش می گیرند (یا به هر وسیله ای آنها را می برند) و نیز الواحی که بر حضرت موسی نازل شده و عصای آن حضرت در این اشیاء هست... گنجها را از دل زمین بیرون می آورد و شهرهای شرک را فتح می کند. درباره لشکر سفیانی که به عزم نبرد با حضرت مهدی علیه السلام به طرف مکه معظمه حرکت می کند از رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین نقل می کنند: یبعث الله جبرائیل فیقون یا جبرائیل اذهب فاء بدهم فیضربها برجله ضربة یخسف الله بهم عندها و لا یفلت منهم الا رجلا من جهینة. [۶۰] خداوند جبرئیل را می فرستد و به او می فرماید: برو نابودشان کن. پس، با پای خود به زمین می کوبد و خداوند همه آنان را در کام زمین فرو می برد و جز دو نفر از اهل جهینة کسی از آنها زنده نمی ماند. مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام در ضمن حدیث طولی چنین نقل می کند: ثم یقبل علی القائم رجل وجهه الی قفاه الی صدره و یقف بین یدیه و یقول یا سیدی انا بشیر امرنی ملک من الملائکة ان الحق بک فابشرک بهلاکک جیش السفیانی بالبیداء فیقول القائم بین قصتک و قصة اخیک فیقول الرجل کنت و اخی فی جیش السفیانی و خربنا الدنیا من دمشق الی الزوراء و ترکناها جماء و خربنا الکوفة و خربنا المدینة و کسرنا المنبر فی حضرة الرسول و رانت بغالنا فی مسجده و خرجنا منها و عددنا ثلاثمائة الف رجل نرید احراب البیت و قتل اهله فلما صرنا فی البیاء عرسنا فیها فصاح بنا صائح یا بیداء ابیدی القوم الظالمین فانفجرت الارض و ابتلعت کل الجیش فوالله ما بقی علی وجه الارض عقال ناقة فما سواه غیری و غیر اخی فاذا نحن بملکک قد ضرب وجوهنا فصارت الی ورائنا کما تری فقال لاخی و یلکک یا نذیر امض الی الملعون السفیانی بدمشق فانذرهم بظهور المهدي من آل محمد و عرفه ان الله قد اهلك جیشه بالبیداء و قال لی یا بشیر الحق بالمهدی بمکة و بشره بهلاکک الظالمین و تب علی یده فانه یقبل تو بتک فیمر القائم یده علی وجهه فیرده سویا کما کان و یبایعه و یكون معه. [۶۱]. آنگاه در این موقع که حضرت قائم ارواحنا له الفداء در مسجد الحرام و در کنار کعبه تشریف فرما هستند، مردی که صورتش به عقب برگشته است وارد می شود و در حضور حضرتش می ایستد و عرض می کند: من بشیر هستم و یکی از ملائکه به من امر فرموده است که خدمت شما شرفیاب شوم و به هلاکت لشکریان سفیانی شما را بشارت بدهم. آری، همه آنها در سرزمین بیداء در زمین فرو رفتند. امام قائم علیه السلام فرمودند: جریان خودت و برادرت را بیان کن. عرض کرد: من و برادرم در لشکر سفیانی بودیم که شهرها را از دمشق تا زوراء (بغداد) ویران کردیم و نیز شهر کوفه را. آنگاه به مدینه آمدیم و این شهر را نیز در هم کوبیدیم و منبر مسجد نبوی را خرد کردیم و مرکبهای سواری خود را در روضه نبوی بستیم و مرکبهای سواری ما آنجا را آلوده کردند. سپس از مدینه با سپاهی مجهز که بیش از سیصد هزار نفر جمعیت بود به قصد خراب کردن خانه خدا یعنی کعبه حرکت کردیم و نیز کشتار مردم مکه در برنامه کار ما بود. چون به سرزمین بیداء رسیدیم لختی در آنجا توقف کردیم. ناگاه صدایی بلند شد که گفت: «ای سرزمین بیداء! ستمگران را در کام خویش فرو بر و آنها را هلاک کن». در این حال، زمین شکافته شد و تمام جمعیت را در کام خویش فرو برد. به خدا سوگند جز من و برادرم کس دیگری نماند. نه تنها همه افراد بشر نابود شدند بلکه افسار مرکبی هم نماند. در این موقع فرشته ای نمایان شد و به صورت من و برادرم آنچنان کوبید که صورت ما این گونه که ملاحظه می فرمایید به عقب برگشت و به برادرم دستور داد و فرمود: ای نذیر! برو و خبر هلاکت و نیز ظهور مهدی آل محمد صلوات الله علیهم را به سفیانی که در دمشق است، برسان و به او بگو خداوند در سرزمین بیداء تمام سپاهیانت را نابود کرد و آنان در دل زمین فرو رفتند. و نیز به من فرمود: ای بشیر! برو به مکه معظمه و خودت را به حضور مهدی علیه السلام برسان و عرض کن بشارت باد شما را که خداوند لشکر سفیانی را از بین برد (در سرزمین بیداء به زمین فرو رفتند) و در خدمت آن حضرت توبه کن که او توبه ات را می پذیرد. آنگاه حضرت قائم علیه السلام دست مبارکش را به صورت او می کشد و به حالت اول برمی گردد. وی با آن حضرت

بیعت می کند و همراه ایشان خواهد بود.

رسول اکرم و گنجهای طالقان

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در تعریف از یاران مخصوص حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء در منطقه طالقان چنین می فرمایند: و له بالطالقان كنوز لاذهب و لافضة الا خيول مطهمة و رجال مسومة يجتمع الله عزوجل له من اقاصى البلاد على عدد اهل بدر ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلا. [۶۲]. برای او (مهدی من) در طالقان گنجهایی است که از طلا و نقره نیست بلکه عبارت است از اسبهای زیبا و تکاوران و مردانی باتجربه و کاردان که خداوند از این نوع مردان سیصد و سیزده تن به تعداد اهل بدر از اطراف و اکناف جهان به دور او جمع می کند. وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این روایت به برنامه های حضرت عیسی علیه السلام در حکومت حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء اشاره فرموده اند: یكون عيسى بن مريم في امتي حكما مقسطا يرفع الشحنا و التباعض و يفيض المال حتى لا يقبله احد و تنزع حمه كل دابة و تكون الارض كفاتور الفضة. [۶۳]. ۱. حکم می کند بین مردم بر اساس عدل و داد. ۲. کینه و عداوت را از میان جامعه برمی دارد. ۳. چندان بذل مال و ثروت می کند که دیگر کسی به سراغ مال نمی آید (همه بی نیاز می شوند). ۴. دشمنی و ستیزه جویی از تمام موجودات گرفته می شود. ۵. امنیت و آسایش بقدری زیاد می شود که صفحه گیتی مانند یک صفحه ساخته شده از نقره نرم می شود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره قیام فرزندش و کیفیت آن چنین می فرمایند: يخرج المهدي و على راسه غمامة فيها مناد ينادي هذا المهدي خليفة الله فاتبعوه. [۶۴]. مهدی (علیه السلام) ظاهر می شود در حالی که قطعه ابری بر سر آن حضرت قرار گرفته است. در آن حال، منادی فریاد می زند: ای جهانیان! این است مهدی آل محمد و جانشین خداوند در روی زمین. از او متابعت کنید. جابر بن عبدالله انصاری از حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله در ارتباط با حوادث و مصائب آخرالزمان و قبل از ظهور چنین بیان می کند: رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: منا مهدی هذه الامة اذا صارت الدنيا هرجا و مرجا و تظاهرت الفتن و تقطعت السبل و اغاز بعضهم على بعض فلا كبير يرحم صغيرا ولا صغير يوقر كبيرا فيبعث الله عند ذلك مهدينا التاسع من صلب الحسين يفتح حصون الضلالة و قلوبا غفلا يقوم في الدين في آخر الزمان كما قمت به في اول الزمان و يملأ الارض عدلا كما ملئت جورا. [۶۵]. مهدی این امت از ما خاندان رسالت است (گویی حضرت رسول صلی الله علیه و آله به وجود مقدس حضرت مهدی ارواحنا له الفداء که از فرزندان آن حضرت است افتخار می کند). وقتی که دنیا پر از هرج و مرج شد و فتنه ها در میان مردم نمایان گشت و امنیت از راهها گرفته شد و بعضی از این مردم به بعضی دیگر هجوم آوردند و بزرگان قوم به زیردستان رحم نکردند و افراد کم سن و سال به بزرگان و کهنسالان احترام نگذاشتند، در چنین ایامی، خداوند مهدی ما را که نهمین فرزند پسر امام حسین (علیه السلام) است ماء مور می کند دژهای گمراهی را درهم بکوبد و قلبهای غافل (وامانده از خیر و آکنده از شر) را تسخیر کند و دین مقدس اسلام را در آخرالزمان برپا دارد، چنانکه من در اول زمان آن را برپا داشتم. بعلاوه، فرزندم مهدی جان را پر از عدل و داد می کند آنگاه که پر از جور شده باشد. در حدیث لوح حضرت زهراى مرضیه سلام الله علیها پس از بیان ویژگیهای ائمه معصومین علیهم السلام نوبت به حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء می رسد. خداوند می فرماید: ثم اكمل ذلك بالبنه رحمة للعالمين عليه كمال موسى و بهاء عيسى و صبر ايوب سيدل اوليائي في زمانه و تنهادى رؤ و سهم كما تنهادى رؤ و س الترك و الديلم فيقتلون و يحرقون و يكونون خائفين مرعوبين و جلين تصبغ الارض بدمائهم و يفشو الويل و الرنة في نسلهم هؤلاء اوليائي حقا بهم ادفع كل بليء و فتنه عمياء و بهم اكشف الزلازل و ادفع الاصر و الاغلال اولئك عليهم صلوات من ربهم و رحمة و اولئك هم المتهدون. [۶۶]. بعد از امام حسن عسکری علیه السلام دین خود را به وسیله فرزندش که رحمت واسعه برای جهانیان است کامل می گردانم. خصوصیات او به این شرح است: کمالات حضرت موسی بن عمران در اوست، بهای حضرت عیسی دارد و صبر و بردباری حضرت ایوب در وجود مقدسش جمع شده است. [۶۷]

(دیگر از نشانه های غیبت حضرتش این است): اولیاء و بندگان صالح من به خاطر فشار ستمگران در زمان غیبت او در ذلت بسر می برند و سرهای بریده آنها را به عنوان تحفه برای یکدیگر می فرستند، چنانچه سرهای ترک و دیلم را پیشکش یکدیگر می کردند. بندگان و اولیای مرا می کشند و می سوزانند و مرعوب دشمنان باشند و زمین از خون آنها رنگین شود و ناله و شیون زنهای آنها بلند باشد (در مصیبت عزیزانشان). اینها در حقیقت دوستان منند و به وسیله آنها انواع بلاها و فتنه های کور و تاریک را از مردم دفع می کنم و زلزله ها را به برکت وجود آنها بر می دارم. بر اینها باد درودها و رحمت پروردگارشان و آنها هستند هدایت یافتگان.

امام امیرالمؤمنین و نشانه های ظهور حضرت مهدی

در جواب صعصعه بن صوحان

امام امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب صعصعه بن صوحان که از یاران آن حضرت بود در باب دجال و خروجش، به نشانه هایی از ظهور آقا حضرت بقیه الله فی الارضین ارواحنا له الفداء بیاناتی فرمودند که اجمالا به عرض خوانندگان عزیز می رسد. ابتدا امام علیه السلام اشاره فرمودند که همه علوم از آن خداوند بزرگ است (والله ما المسؤول عنه با علم من السائل)، والا یکی از مسلمات مذهب شیعه این است که دانش امام معصوم و برگزیده از طرف خداوند عالم، نامحدود است؛ یعنی از گذشته و آینده و حال اطلاع دارد، آن هم با قرینه «سلونی قبل ان تفقدونی» (پرسید از من پیش از آنکه دیگر مرا نیابید)، والا لازمه اش یا تناقض یا تهافت در کلام امام است. از یک سو می فرماید هرچه می خواهید تا من میان شما هستم از من پرسید و از سوی دیگر می فرماید در ندانستن، من هم مثل شما هستم. ممکن است نظر آقا امیرالمؤمنین این باشد که مردم در پیشگاه خداوند همه مساوی هستند. بنابراین علم ما هم از جانب خداوند است که اگر نمی داد من هم مثل شما بودم. اجمالا به اصل مطلب توجه فرمایید. عن النزال بن سبرة: قال خطبنا علی بن ابیطالب علیه السلام: فحمد الله و اثنی علیه ثم قال سلونی ایها الناس قبل ان تفقدونی - ثلاثا - فقام الیه صعصعه بن صوحان فقال: یا امیرالمؤمنین متی یخرج الدجال؟ فقال له علیه السلام: اقعده فقد سمع الله کلامک و علم ما اردت و الله ما المسؤول عنه باعلم من السائل ولكن لذلک علامات و هیئات یتبع بعضها بعضا کحذو النعل بالنعل و ان شئت اءنباتک بها قال: نعم یا امیرالمؤمنین فقال علیه السلام: احفظ فان علامه ذلک اذا اءمات الناس الصلاة، و اضاعوا الامانه، و استحلوا الکذب، و اکلوا الربا، و اخذوا الرشا، و شیدوا البنیان، و باعوا الدین بالدنیا، و استعملوا السفهاء، و شاوروا النساء، و قطعوا الارحام، و اتبعوا الاهواء و استخفوا بالدماء، و کان الحلم ضعفا و الظلم فخرا، و کانت الامراء فجرة، و الوزراء ظلمة، و العرفاء خونه، و القراء فسقة، و ظهرت شهادت الزور، و استعلن الفجور، و قول البهتان، و الاثم و الطغیان، و حلیت المصاحف، و زخرفت المساجد، و طولت المنار، و اءکرم الاشرار، و ازدحمت الصفوف، و اختلفت الاهواء، و نقضت العهود و اقترب الموعود، و شارک النساء ازواجهن فی التجاره حرصا علی الدنیا، و علت اصوات الفساق و استمع منهم، و کان زعیم القوم اردلهم، و اتقی الفاجر مخافه شره، و صدق الکاذب، و اوتمن الخائن، و اتخذت القیان و المعارف، و لعن آخر هذه الامه اولها، و ركب ذوات الفروج السروج، و تشبه النساء بالرجال و الرجال بالنساء، و شهد شاهد من غیر ان یتشهد و شهد الاخر، قضاء لدمام بغير حق عرفه و تفقه لغير الدین و آثروا عمل الدنیا علی الاخره و لبسوا جلود الضان علی قلوب الذئاب و قلوبهم اتن من الجیف. [۶۸]. نزال بن سبره نقل می کند که (حضرت امیرالمؤمنین) علی بن ابی طالب علیه السلام خطبه می خواندند. پس از حمد و ثنای الهی سه بار فرمودند: «سلونی قبل ان تفقدونی». پس، صعصعه بن صوحان برخاست و عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! دجال کی خروج می کند؟ فرمودند: خداوند سخت را شنید و از آنچه اراده کرده ای آگاه است. و قسم به خدا که سؤال شونده داناتر از سؤال کننده نیست (مگر آنچه را که خداوند تفضل فرموده است). برای خروج دجال علائم و نشانه هایی است که یکی از بعد دیگری واقع می شود، البته پی درپی و مطابق النعل بالنعال و اگر بخواهی برای تو

بیان می کنم. صعصعه عرض کرد: بفرمایید، یا امیرالمؤمنین! امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: مطالبی که می گویم به خاطر بسیار و بدان که علائم خروج دجال به شرح زیر است: ۱. مردم نماز را ترک می کنند و در میان مردم می میرد (کنایه از اعراض مردم و بی تفاوت بودن در مقابل این دستور حیاتی است). ۲. امانتها را ضایع می کنند (دیدیم که چطور قرآن و خاندان رسالت را که امانت بزرگی الهی بودند به دست فراموشی سپردند و جامعه اسلامی را به تباهی کشاندند). ۳. دروغ گفتن را حلال می شمارند (تحت عنوان سیاست اجتماعی و غیره). ۴. ربا خوردن یکی از کارهای معمولی جامعه می شود. ۵. رشوه خواری در میان مردم رواج پیدا می کند. ۶. ساختمانها را محکم می سازند (از بتون و آهن و سنگ ساخته می شود). ۷. دین را به دنیا می فروشند (یعنی برای دست یافتن به دنیا و نعمتهای زودگذر آن از ارتکاب هیچ گناهی باک ندارند). ۸. نابخرادان و مردم کم عقل را بر کارها می گمارند. ۹. زنان را در کارهای اجتماعی و شخصی طرف مشورت قرار می دهند. ۱۰. قطع صله ارحام می کنند و از خویشاوندان فاصله می گیرند (مخصوصاً خانواده های فقیر و بی بضاعت). ۱۱. در کارهای زندگی از هوی و هوس پیروی می کنند (با منطق «دلم می خواهد» خود را قانع می کنند). ۱۲. در کشتار و خونریزی بیباک هستند (که امروزه شاهد آن هستیم). ۱۳. بردباری و حلم را به حساب ضعف و ناتوانی می گذارند. ۱۴. ظلم و بیدادگری را مایه مباهات و فخر قرار می دهند. ۱۵. زمامداران در آن زمان از فاسقان و فاجران (گناهکاران) اند (و مردم با وجود دیدن فسق آنها ساکت هستند بلکه یاریشان می کنند). ۱۶. وزیران دولتها ستمگران جامعه هستند (که با تکیه به مقام وزارت از هر ظلمی باک نخواهند داشت). ۱۷. عارفان و مدعیان مقام تهذیب نفس و تقوا خیانتکارانند (به عقاید و افکار مردم خیانت می کنند). ۱۸. قاریان قرآن از افراد فاسق اند. ۱۹. شهادت دادن بر اساس زور به وجود می آید (یعنی از قدرتهای فردی و اجتماعی سوء استفاده می شود و مردم را وادار می کنند که به نفع آنها شهادتهای دروغین بدهند). ۲۰. گناهان علنی شده، حیا و شرم از میان برداشته می شود (مانند تشکیل مجالس علنی از زن و مرد و پهن کردن بساط میگساری و اعمال زشت جنسی، رقصهای دسته جمعی از زن و مرد و برپا داشتن مجالس قمار و...). ۲۱. بهتان و برخلاف واقع گویی نسبت به مردم رایج می شود. ۲۲. سرکشی و طغیان و بدرفتاری علنی می شود. ۲۳. قرآنها را با چاپهای زرین و جلدهای زرکوب در اختیار مردم قرار می دهند (در صورتی که از عمل کردن به احکام و قوانین قرآن در میان آن مردم خبری نیست بلکه درست بر خلاف آنچه می فرماید عمل می کنند). ۲۴. مساجد را از لحاظ ساختمان مزین می سازند (در صورتی که از محتوای آن یعنی تقوا خبری نیست). ۲۵. مناره های مساجد را بسیار مرتفع می سازند (که از راه دور توجه بینندگان را جلب می کند) اما از دورن - یعنی تقوا - خالی است. ۲۶. اشرار و مردم دور از خدا و معنویت در جامعه محترم هستند. ۲۷. مردم در راه باطل و تقویت و پشتیبانی از اشرار صفوف فشرده خواهند داشت. ۲۸. در کارهای فردی و اجتماعی هواهای نفسانی مختلف است و هر دسته یک راه برای خودش انتخاب می کند. ۲۹. پیمان شکنی رایج می شود و وعده الهی نزدیک می گردد. ۳۰. زنان با مردانشان به جهت حرص به دنیا در کار تجارت شرکت می کنند. ۳۱. صدای فساق برخیزد و به آنها گوش فرا داده شود (مورد توجه و مقبول دیگران باشند). ۳۲. زعیم و حاکم بر آن مردم رذل ترین افراد جامعه است (فاقد تمام صفتهای خوب). ۳۳. مردم از بدکاران و فاسقان می ترسند (از شر آنها در امان نیستند). ۳۴. دروغگویان از طرف مردم به عنوان راستگو تاءید می شوند (مانند دروغهای سیاستمداران که پیوسته در مجامع مورد تاءید مردم قرار می گیرد). ۳۵. خیانتکاران به عنوان امین مردم و پرچمدار امانت معرفی می شوند (نظیر انتخاباتی که در سرتاسر جهان صورت می گیرد، مانند انتخاب رییس جمهورها، نخست وزیرها، یا نمایندگان مجلس که به عنوان امین اجتماع انتخاب می شوند، در صورتی که از اول اکثراً کار این دسته خیانت به امانتهای مردم بوده است). ۳۶. هنر پیشه های آوازه خوان تربیت می شوند. ۳۷. مردم گذشتگان را لعنت می کنند. ۳۸. زنها سوار بر زینها می شوند (اسب سواری، رانندگی و امثال اینها). ۳۹. مردان از نظر لباس و قیافه شباهت به زنها پیدا می کنند و نیز زنان شبیه به مردها می شوند (بطوریکه انسان گاه دچار تردید می شود که این زن است یا مرد - بکرات اتفاق افتاده است -). ۴۰. بی آنکه از افراد شهادت بخواهند برای خوشایند اهل دنیا خود را به عنوان شاهد

معرفی می کنند. ۴۱. احکام و علوم دین را برای دنیا می آموزند و اعمال دنیوی را بر کارهای مربوط به آخرت ترجیح می دهند. بر دل‌های گرگ صفتشان جامه میش می پوشند، قلبهای آنها آکنده از کثافت است بطوریکه از هر مرداری گندیده تر است. عمر بن الخطاب از حضرت امیرالمؤمنین سلام الله علیه سؤال می کند: اخبرنی عن المهدی ما اسمه فقال اما اسمه فان حبیبی عهد الی ان لا احدث باسمه حتی یبعثه الله. قال اخبرنی عن صفته فقال هو شاب مربع حسن الوجه حسن الشعر یسبل شعره علی منکیبه و نور وجهه یعلو سواد لحيته و راءسه، بابی ابن خیرة الاماء. [۶۹]. نام حضرت مهدی چیست؟ امام فرمودند: اما اسمش را نمی گویم، زیرا حبیب رسول خدا از من عهد گرفته است که تا ظهورش نامش را نگویم. عرض کرد: اوصافش را برای من بیان کن. آقا فرمودند: او جوانی است متوسط القامه، خوشرو و خوش موی که موهایش بر شانه اش ریخته است و نور صورتش بر سیاهی محاسن و سر مبارک آن حضرت احاطه نموده است. پدرم به قربان فرزند با شخصیت ترین کنیزان باد. [۷۰]. اصبع بن نباته می گوید: از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم که می فرمودند: ان بین یدی القائم سنین خداعه یکذب فیها الصادق و یصدق فیها الکاذب و یقرب فیها الماحل و ینطق فیها الرویضه قلت و ما الرویضه و ما الماحل؟ قال: او ما تقرؤن القرآن قوله «و هو شدید المحال» قال: یرید المکر فقلت و ما الماحل؟ قال: یرید المکار. [۷۱]. قبل از قیام قائم سالهای پر از خدعه ای است. در این سالها (پیش از قیام) راستگویان به نام دروغگو معرفی می شوند و دروغگویان به عنوان راستگو. در این سالها «ماحل» تقرب پیدا می کند و «رویضه» سخن می گوید. اصبع می گوید: عرض کردم «ماحل» و «رویضه» چیست؟ فرمودند: مگر قرآن را نخوانده ای که می فرماید: «و هو شدید المحال»؟ قال یرید المکر - فرمودند: منظور از «ماحل» آدم مکاری است که به وسیله مکر زیاد مردم را به خود متوجه می کند. و اما معنی «رویضه». اگر چه در این حدیث پاسخ معنای آن افتاده ولی در جای دیگر از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که «الرویضه الرجل التافه ینطق فی امر العامه» یعنی مرد حقیر و بی شخصیتی که در امر عامه مردم دخالت می کند و سخن می گوید. عبید بن کرب می گوید: سمعت علیا یقول ان لنا اهل البیت رایه من تقدمها مرق تاء خر عنها محق و من تبعها لحق. [۷۲]. از امام امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدم که فرمودند: از برای ما اهل بیت پرچی هست. هر کسی که جلو بیفتد و یا عقب بماند نابود است، اما هر کسی که همراه این پرچم گام بردارد و از آن متابعت کند، نجات می یابد و با ما خواهد بود. خواننده عزیز! جلو افتادن یا عقب ماندن از این پرچم معنایش این است که ایمان به ولایت ما نداشته باشد و معنی متابعت این است که دستورها و اوامر ما را اطاعت کند. درباره ندای آسمانی در روزهای اول ظهور در این حدیث از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرمودند: اذا نادى مناد من السماء ان الحق فى آل محمد صلى الله عليه وآله فعند ذلك يظهر المهدى على افواه الناس و يسرون فلا يكون لهم ذكر غيره. [۷۳]. هرگاه منادی از آسمان فریاد زند که حق با آل محمد صلی الله علیه و آله است در این موقع مهدی ما ظاهر می شود و مردم او را می بینند و می شناسند و خوشحال و مسرورند و دیگر نام غیر از حضرت بقیه الله را نمی برند. ابی مروان از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره حوادث پیش از قیام حضرت مهدی روحی له الفداء روایت می کند که فرمودند: اذا رآهم الریات السود فالزموا الارض و لاتحركوا ایدیکم و لا ارجلکم ثم ینظر قوم صغار لایوبه لهم قلوبهم کزبر الحديد اصحاب الدوله لایفون بعهد و لا میثاق یدعوا الی الحق ولیسوا من اهله اسمائهم الکنی و نسبهم الغری شعورهم مرقاه ک شعور النساء حتی یختلفوا فیما بینهم ثم یؤتی الله الحق من یشاء. [۷۴]. ۱. پرچمهایی پیدا می شوند و رنگ آنها سیاه است. در این موقع در خانه های خود بنشینید و هیچ حرکت نکنید. ۲. سپس مردمی کوچک (یا از نظر سن یعنی جوان یا از لحاظ شخصیت تهیدست) پدید می آیند که به آنها اعتنا نمی شود. آنان دارای قلبهایی همچون پاره های آهن اند. این افراد دولتمردانی هستند با چنین ویژگیهایی: الف. به عهد و میثاق خود وفا نمی کنند (پای بند وفای به عهد نیستند). ب. مردم را به سوی حق می خوانند اما خود از حق پیروی نمی کنند و از لحاظ واقع اهل حق نیستند. آنها به جای اسم از کنیه خود استفاده می کنند و نسبشان پوشیده و نامعلوم و موها آنها دراز و افتاده مانند موی زنان است. سپس در میانشان ایجاد اختلاف می شود. آنوقت خداوند به هر کسی که بخواهد حق

را واگذار می کند. خواننده عزیز! در آیات زیادی از قرآن مجید خداوند وعده فرموده است که باید به وسیله قیام حضرت بقیه الله روحی له الفداء حق را به آل محمد برساند و حکومت حق آنان سراسر جهان را فرا بگیرد. حضرت علی علیه السلام در خطبه ای معروف به «خطبه البیان» آنگاه که خود را معرفی می فرماید، می رسد به این قسمت که «اے ابوالفضل! اے ابولمهدی علیه السلام قائم فی آخرالزمان» یعنی: منم پدر امامان پاک، منم پدر مهدی علیه السلام که در آخرالزمان قیام می کند. در این حال مالک اشتر که پایین منبر مولا بود به پا خاسته، از حضرت می پرسد که این قیام کننده از فرزندان شما کی قیام می فرماید؟ حضرت چنین فرمود: [۷۵]. اذا زهق الزاهق «۱» و خفت الحقایق «۲» و لحق اللاحق «۳» و ثقلت الظهور «۴» و تقاربت الامور «۵» و حجب النشور «۶» و اءرغم المالك «۷» و سلك السالك «۸» و دهش العدد «۹» و هاجت الوسوس «۱۰» و غیطل العساعس (الفسارس) «۱۱» و ماجت الامواج «۱۲» و ضعف الحاج «۱۳» و اشتد الغرام «۱۴» و ازدلف الحضام «۱۵» و اختلفت العرب «۱۶» و اشتد الطلب «۱۷» و نکص الهرب «۱۸» و طلبت الاديون «۱۹» و ذرفت العيون «۲۰» و اءغبن المغبون «۲۱» و شاط النشاط «۲۲» و حاط الهباط «۲۳» و عجز المطاع «۲۴» و اءظلم الشعاع «۲۵» و صمت الاسماع «۲۶» و ذهب العفاف «۲۷» و سجسج الانصاف «۲۸» و استحوذ الشيطان «۲۹» و عظم العصيان «۳۰» و حکمت النسوان «۳۱» و فدحت الحوادث «۳۲» و نفتت النواف «۳۳» و اختلفت الالهواء «۳۴» و عظمت البلوى «۳۵» و اشتدت الشكوى «۳۶» و استمرت الدعوى «۳۷» و قرض القارض «۳۸» و لمض اللامض «۳۹» و تلاحم الشداد «۴۰» و نقل الملحد «۴۱» و عجت الفلاة «۴۲» و خجعج الولاة «۴۳» و نضل البارخ «۴۴» و عمل الناسخ «۴۵» و زلزلت الارض «۴۶» و عطل الفرض «۴۷» و كبت الامانة «۴۸» و بدت الخيانة «۴۹» و خشيت الصيانة «۵۰» و اشتد الغيظ «۵۱» و اءراع الفيض «۵۲» و قاموا الاديعاء «۵۳» و قعدوا الاولياء «۵۴» و خبث الاغنياء «۵۵» و نالوا الاشقياء «۵۶» و مالت الجبال «۵۷» و اءشكل الاشكال «۵۸» و شيع الكربال «۵۹» و منع الكمال «۶۰»... فيكدهون الجزائر - و يملكون الجزائر - و يحدثون كيسان - و يخربون خراسان - و يصرفون الحلسان - و يهدمون الحصون - و يظهرون المصون - و يقتطفون الغصون - و يفتحون العراق - و يحجمون الشقاق بدم يراق - فعند ذلك ترقبوا خروج صاحب الزمان عليه السلام. [۷۶]. ۱. هنگامی که نابود شونده نابود شود. ۲. و حقایق مخفی شود (حقایقی که سیاستمداران و زمامداران آن را با زبان دیپلماسی و غیره کتمان می کنند)، یا حقایق سبک شمرده شود (در صورتی که جمله مزبور از «خف» باشد نه از «خفی»). ۳. و ملحق شونده ملحق شود (وقتی که حکومت به سمتی رفت مردمان نیز به آن ملحق شوند، چون «الناس علی دین ملوکهم»). ۴. و پشتها سنگین شود (از مشکلات، از گناهان و... ۵. و کارها و اشیاء نزدیک به هم شوند (مکانها نزدیک به هم شوند و دنیا یک خانواده شود یا اینکه همه جا مثل هم است و نیرنگ و دروغ همگانی است). ۶. و از انتشار جلوگیری به عمل آید (از انتشار حق جلوگیری شود، یا از انتشار در زمین منع گردد و محدوده های قانونی و مرزها مطرح شود). ۷. و دماغ مالک به خاک مالیده شود (دنگ و فنگهایی که برای مالک مثل گرفتن زمین و مالیات و... مطرح می شود). ۸. و بیماید پیماینده. ۹. و به شکفتی وادار عدد از کثرت و زیادتی (یا مبهورت و شکفت زده شود عدد). ۱۰. و وسوسه ها به هیجان در آید (مثل شکوک اعتقادی و غیره مثل اینکه این کار چون به مصلحت من است، پس چرا انجام ندهم؟). ۱۱. و گرگها به صدا (زوزه) در آیند (مراد، مردمان گرگ صفت است). ۱۲. و امواج به خروش در آیند (شاید اشاره به امواج گناه و مادی گرایی باشد که به خروش آمده و هر گروهی را به سمتی کشانده و افراد زیادی را روانه دیار نیستی و هلاکت می کند. لذا باید در این میان سوار کشتی حق شد که سبب نجات انسان است و در اخبار آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است که هر کس سوارش شود نجات یافته و هر کس از آن تخلف کند نابود شده است). ۱۳. و حج گزارنده ضعیف شود (رفتن به حج ممنوع شود یا مشکلات زیادی سر راهش قرار گیرد و یا نفقه و مخارج حج بالا رود که حاجی در مقابلش ناتوان گردد). ۱۴. و مطالبه شدید شود (یا اشاره به مالیات دولتی است که به زور ستانده شود، یا به خاطر ضعف افراد، افراد بدهکار نتوانند بدهی خود را بدهند و در شدت و تنگنا واقع شوند یا به معنای هلاکتها و عذابها است که عذابهای شدید بر سر مردمان بیاید). ۱۵. و نزاع و خصومت و جدال پیشرفت کند (فراگیر

باشد و به هر جایی برسد یا دعوای او در گیرها پشت سرهم واقع شوند. ۱۶. و عربها با هم اختلاف کنند. ۱۷. و خواهشها و خواسته ها شدید شود (هر کس پا را فرا گذارد و درخواست بالاتر و سخت تری بکند). ۱۸. و درخواست فرار شود (هر کس می کوشد به جایی فرار کند و خود را برهاند). ۱۹. و واما درخواست شود (اکثر مردم مدیون باشند، لذا مورد مطالبه واقع شوند). ۲۰. و اشکها روان شود (گرفتاریها زیاد شود و مادر نمی داند که فرزندش زنده است یا نه و یا فرزندان و خانواده اش را در پیش چشمش می کشند و...). ۲۱. و فریفته شود فریفته شده (نیرنگها زیاد شود). ۲۲. تحرکها و فعالیتها زیاد شود (برای به دست آوردن مختصر چیزی بایستی سخت کار کند و به اصطلاح جان بکند). ۲۳. افراد بر حق محاصره و پایین نگهداشته شوند (خاموششان نگه دارند). ۲۴. و زمامدار مطاع ناتوان شود (چه رسد به زمامدار غیر مطاع با توجه به شدت مشکلات). ۲۵. و تاریک شود شعاع (آفتاب) (شعاع حق تاریک شود و کسی به آن توجه نکند). ۲۶. و گوشها کر شود (صدای حق را نشنوند). ۲۷. و پاکدامنی رخت بر بندد. ۲۸. و انصاف از بین برود. ۲۹. و شیطان چیره گردد. ۳۰. و نافرمانی بزرگ شود (مردم گناهان بزرگ انجام دهند). ۳۱. و زنان زمامداری کنند و حکم برانند. ۳۲. و رویدادها بزرگ به وقوع پیوندد (قحطیها، زلزله ها و نابودی انسانها بر اثر سلاحهای مخرب و نابودکننده مثل سلاحهای اتمی و شیمیایی). ۳۳. و دمنده ها بدمند (با سمپاشیها افکار را مسموم کنند). ۳۴. و خواهشها مختلف و گوناگون شود (هر کس سازی می زند و به سازی می رقصد). ۳۵. و بلاها و سختیها بزرگ شود. ۳۶. و شکوائیه ها و گلابیه ها سخت شود. ۳۷. و دعوا پیوسته باشد. ۳۸. و متجاوز تجاوز کند. ۳۹. و به خشم آینده به خشم آید (در نتیجه، مردم شورش کنند). ۴۰. و سخت گیرندگان خونریزی و جنگ کنند. ۴۱. و ملحد و طعنه زندگان در دین سخن گویند. ۴۲. و بیابان به زوزه و فریاد در آید (یا بیابانها خشک شوند و طراوت خود را بر اثر جنگ و خونریزی از دست بدهند). ۴۳. و فریاد بر آورند زمامداران. ۴۴. و به هدف زنده چیره شد. ۴۵. و عمل کرد زایل کننده. ۴۶. و زمین لرزید. ۴۷. و واجب الهی تعطیل شد. ۴۸. و امانت گرفته شد و پرداخت نشد. ۴۹. و خیانت آشکار شد. ۵۰. و از محافظت و مراقبت ترسیده شد (افرادی که خود را از گناه باز می دارند و خود را در برابر گناه و امور مشتبه کنار می کشند کارشان مورد قبول نباشد). ۵۱. کمبود شدت گیرد (کمبود باران و نعمتها). ۵۲. و فزونی و بسیاری به هراس اندازد (بسیاری قحطی و گرسنگی). ۵۳. و حرامزادگان به پا خاستند. ۵۴. و نیکان و اولیاء نشستند و ایستادند (دست کشیدند یا اینکه نتوانستند کاری انجام دهند). ۵۵. و ثروتمندان پلید شوند. ۵۶. و شقاوتمندان به آرزوهای خود دست یافتند. ۵۷. و کوهها انحراف پیدا کردند (یا اشاره به علما است که همانند کوه اند و دچار انحراف می شوند و یا اینکه عبارت «مالت الاجیال» است و جمع «جیل» یا «یاء» یعنی گروهها و طوایف و دسته ها منحرف شدند). ۵۸. و امور شبیه به هم، همشکل شوند (و تشخیصشان مشکل شود). ۵۹. و سوزانده و نابود شوند غربال (ملاک تشخیص حق از باطل از بین برود). ۶۰. و از کمال منع شود (کسی که می خواهد به کمال برسد برایش مانع تراشی می شود).... پس، در زمانی که این علائم واقع شد مردمانی خروج می کنند که گناه و جنایاتی را مرتکب می شوند (و اگر عبارت «الحرائر» با «حاء» مهمله باشد یعنی تجاوز به زنان و دوشیزگان می کنند) و مالک می شوند «جزائر» را (جزیره ها را) و نیرنگها به کار می برند و خراسان را خراب می کنند و دگرگون می سازند حلسان را (یا اسم جایی است یا جمع «حلس» به معنای اینکه باز می گردانند خانه نشینان را از خانه نشینی) و دژها و مواضع دفاعی مستحکم را ویران می کنند و آشکار می سازند آنچه را که مصون و محفوظ مانده بود و می چینند (و قطع می کنند) شاخه ها را و فتح می کنند عراق را و باز می دارند از شکاف و دو دستگی با (ایجاد ترس و) خونریزی (یعنی هر صدای مخالف را به سرعت در نطفه خفه می کنند یا مراد این است که می مکند و سوء استفاده می کنند از شکاف و ایجاد اختلاف بین گروهها با خونی که ریخته می شود). [۷۷] پس، در آن هنگام انتظار بکشید ظاهر شدن صاحب الزمان را؛ یعنی مراقب باشید و چشم و حواستان را متوجه زمان کنید که بزودی ظهور خواهد فرمود. اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه و ارفع موانع الظهور یا من الیه تصیر الامور بحق محمد و آله علیهم السلام.

فبعث الله عزوجل محمدا صلى الله عليه و آله بذلك ثم انه سيانى عليكم من بعدى زمان ليس فى ذلك الزمان شىء اخفى من الحق ولا اظهر من الباطل ولا اكثر من الكذب على الله تعالى و رسوله صلى الله عليه و آله و ليس عند اهل ذلك الزمان سلعة ابور من الكتاب اذا تلى حق تلاوته و لا سلعة انفق بيعا و لا اغلى ثمنا من الكتاب اذا حرف عن مواضعه و ليس فى العباد و لا فى البلاد شىء هو انكر من المعروف و لا اعرف من المنكر و ليس فيها فاحشة انكر و لا عقوبة انكى من الهدى عند الضلال فى ذلك الزمان فقد نبذ الكتاب حملته و تناساه حفظته حتى تمالت بهم الاهواء و توارثوا ذلك من الالباء و عملوا بتحريف الكتاب كذبا و تكذيبا فباعوه بالبخرس و كانوا فيه من الزاهدين فالكتاب و اهل الكتاب فى ذلك الزمان طريدان منفيان و صاحبان مصطحبان فى طريق واحد لا ياءويهمامور و فجبذا ذانك الصاحبان و اها لهما و لما يعملان له فالكتاب و اهل الكتاب فى ذلك الزمان فى الناس و ليسوا فيهم و معهم و ليسوا معهم و ذلك لان الضلالة لاتوافق الهدى و ان اجتمعا وقد اجتمع القوم على الفرقه و اقترقوا قواعن الجماعة قد لولا امرهم دينهم من يعمل فيهم بالمكر و المنكر و الرشا و القتل كانهم ائمة الكتاب و ليس الكتاب امامهم لم يبق عندهم من الحق الا اسمه و لم يعرفوا من الكتاب الا خطه و زبره يدخل الداخل لما يسمع من حكم القرآن فلا يطمئن جالسا حتى يخرج من الدين ينتقل من دين ملك الى دين ملك و من ولاية ملك الى ولاية ملك و من طاعة ملك الى طاعة ملك و من عهود ملك الى عهود ملك فاستدرجهم الله تعالى من حيث لا يعلمون و ان كيده متين بالامل و الرجاء حتى توالدوا فى المعصية و دانوا بالجور و الكتاب لم يضرب عن شىء منه صفحا ضلالا تائهيين قد دانوا بغير دين الله عزوجل و دانوا لغير الله مساجدهم فى ذلك الزمان عامرة من الضلالة خربة من الهدى (قد بدل فيها من الهدى) فقرأواها و عمارها اخائب خلق الله و خليفته من عندهم جرت الضلالة و اليهم تعود فحضور مساجدهم و المشى اليها كفر بالله العظيم الا من مشى اليها و هو عارف بضلالهم فصارت مساجدهم من فعالهم على ذلك النحو خربة من الهدى عامرة من الضلالة قد بدلت سنه الله و تعديت حدوده و لا يدعون الى الهدى و لا يقسون الفى و لا يوفون بدمه يدعون القتل منهم على ذلك شهيدا قد اتوا الله بالافتراء و الجحود و استغنوا بالجهل عن العلم و من قبل ما مثلوا بالصالحين كل مثله و سموا صدقهم على الله فريه و جعلوا فى الحسنه العقوبة السيئه و قد بعث الله عزوجل اليكم رسولا من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤف رحيم صلى الله عليه و آله و انزل عليه كتابا عزيزا لاياءت به الباطل من بين يديه و لا من خلفه تنزيل من حكيم حميد قرآنا عربيا غير ذى عوج لينذر من كان حيا و يحق القول على الكافرين فلا يلهينكم الامل و لا يطولن عليكم الاجل فانما اهلك من كان قبلكم امداء ملهم و تغطية الاجال عنهم حتى نزل بهم الموعود. [۷۸]. خداوند برای هدایت و ارشاد شما پیامبرش را مبعوث به رسالت فرمود و بدانید که بعد از من دورانی خواهید داشت که در آن چیزی پنهان تر از حق نیست و نیز در آن زمان روشن تر از باطل چیز دیگری نخواهد بود. در این عصر، دروغ بستن بر خدا و پیامبرش از هر چیزی بیشتر است. در این زمان متاعی کم ارزش تر از قرآن خدا در نزد این مردم نیست، در صورتی که قرآن را بحق بخوانند و به آن عمل کنند، هیچ متاعی از نظر ارزش به پای کتاب خدا نمی رسد، اگر تحریف شود و برخلاف حق تفسیر گردد، به تحقیق، سودجویان از آن استفاده می کنند. در این زمان و در میان مردم شهرها هیچ چیزی از معروف (کارهای خوب و خداپسند) زشت تر و منکرتر، و هیچ کاری و عملی از منکر (گناه) زیباتر نیست. در نظر مردم گمراه این زمان هیچ راهی بدتر از رفتن به راه حق نیست (پیمودن راه بندگی به معنی واقعی). در این عصر است که دانایان به قرآن آن را پس پشت می اندازند و نگهبانان قرآن آن را به دست فراموشی می سپرند (البته در عمل نه به زبان) و هوای نفس آنها را به این سو و آن سو می کشد و این انحرافی است که آن را از پدران خود به ارث برده اند. آنان به دروغ قرآن را تحریف و تفسیر می کنند و حقایق آن را خلاف واقع دانسته، آن را به بهای کمی می فروشند و نسبت به آن بی رغبت اند. پس، قرآن و اهل قرآن در این عصر رانده شده از اجتماع هستند و در عین اینکه (بسیار کم اند) در میان مردم از لحاظ ظاهری حضور دارند در مغنا بیرون و بیگانه از این جامعه اند، و در حقیقت، به تبعید شدگان شباهت دارند و کسی به آنها (قرآن و اهل

آن) مکان نمی دهد (آنان را تحویل نمی گیرد). آفرین بر این دو یار موافق (یعنی قرآن و پیروان واقعی آن). در این زمان قرآن و اقلیت عامل به آن ظاهرا در میان جامعه هستند، اما در واقع بیرون از این مردم زندگی می کنند؛ زیرا راه سعادت و راه شقاوت و گمراهی یکسان نیستند اگر چه با هم در یک جا جمع شوند. مردم این زمان گرفتار جدایی و نفاق و از هماهنگی با حق بر حذرند و امور دینی و دنیوی خود را با افرادی بر گزار می کنند که کارشان نیرنگ و زشتکاری و رشوه خواری و کشتار انسانهاست گویی خود را پیشوای قرآن می دانند و عملا از رهبری قرآن محروم اند. از حق در میان آنها جز نامی و از قرآن جز جلد و کاغذ و نوشته های آن نمانده است. در این جامعه صدای قرآن و احکام آن بر می خیزد و بعضی به آن علاقه مند می شوند و در مجلس می نشینند، ولی آرام نگرفته از مجلس بیرون می شوند در حالی که از دین اسلام بیرون رفته اند (دیدن خلفا و شنیدن آن) از دین پادشاهی به مذهب حکمران دیگر می روند، همین طور از سوی این حاکم به سوی آن فرمانروا و از سوی آن حکومت به سوی حکومت دیگر و از فرمانبری حکمرانی دیگر در رفت و آمدند (آری، چون پناهگاه اصلی «دین» را از دست داده اند). خداوند آنها را گرفتار استدراج خود می کند، یعنی به بدبختی و عقوبت خود می کشاند، اگر چه به ظاهر سرگرم دنیای خود هستند و به اصطلاح با خوشی زندگی می کنند و به راستی که آرزوها و امیدهای بیجا زندگی آنها را فرا می گیرد تا آنجا که فرزندان در معصیت به وجود می آورند (نسل آینده را پدید می آورند). در مقابل ناحق سر تسلیم خم می کنند و در عین حال خود را دیندار می دانند (آری، دین دلخواه اهل دنیا، نه آن دینی که خداوند فرستاده است). مساجد این مردم در این زمان از نظر ساختمان (کاشی کاری، فرشهای قیمتی، بخاری، کولر و امثال اینها) آباد، اما از هدایت مردم به دین واقعی ویران است (تبلیغات درست برخلاف آنچه در واقع هست پیاده می شود). خوانندگان قرآن و آبادکنندگان مساجد زیانکارترین و ناکام ترین خلق خداوند. اینان سرچشمه گمراهیها هستند و بازگشت ضلالت و گمراهی نیز به سوی خود آنها خواهد بود. شرکت در مساجد اینها کفر به خداوند بزرگ است مگر برای آن افرادی که نسبت به گمراهی آنها شناخت داشته باشند. بر اساس اعمال نادرست متصدیان امور دینی، مساجد، این پایگاه دینی، از نظر تقوا خراب و انباشته از گمراهی می شود و سنتهای خداوندی را مبدل می سازند و حدود الهی را تغییر می دهند و مردم را به راه راست نمی خوانند و در آمد کشور اسلامی و اموال بیت المال را به صاحبان واقعی اش، یعنی مستحقان نمی دهند بلکه آن را در راه نامشروع و جنگ و خونریزی به مصرف می رسانند و در ارتباط با پناهندگان اسلام پیمان شکنی می کنند و کسانی را که در این مسیر ناحق از آنها کشته می شوند شهید می نامند و به خداوند افترا می بندند و او را انکار می کنند و از دانش به خاطر نادانی خود روی بر می گردانند. در گذشته هم کسانی همچون اینان بودند که بندگان خوب خداوند را شکنجه می دادند و آنها را مثله می کردند (یعنی گوش و بینی آنها را می بریدند) و گفتار آسمانی و بر اساس مصلحت آن افراد را که از طرف خداوند می گفتند دروغ و ناحق می انگاشتند و در برابر کار خوب و شایسته کیفیهای ناصواب مقرر می کردند و حال آنکه خداوند پیامبری را از میان شما مبعوث کرد که نمی تواند رنج شما را ببیند (یعنی خوشی و رفاه شما را طالب است و همه مسلمانان را دوست می دارد) و بر این پیامبر کتابی نازل شده است که نظیر ندارد (چون که جوابگوی تمام خواسته ها و نیازمندیهای علمی، اقتصادی، صنعتی، کشاورزی، تجاری، دامپروری، نظامی، سیاسی، اخلاقی، اجتماعی و سایر نیازهای دیگر شماست). خداوند وعده فرموده است که باطل به هیچ نحو نمی تواند به قرآن حمله ور شود و تحریف در آن راه نمی یابد (از پیش رو و پشت سر، خداوند نگهبان قرآن است) و با اینکه از تمام گذشته ها خبر داده کوچکترین خلافتی در آن دیده نشده است و تاریخ دنیا نیز بر آن گواهی می دهد... از خداوند بزرگ تقاضا دارم که همه مسلمانان جهان به ویژه شیعیان آن حضرت را موفق به انجام و عمل کردن به دستورات دنیا و نیز دوری از کجرویها بفرماید. آمین یا رب العالمین.

یظهر فی شبهة لیستین فیعلو ذکروه و یظهر امره و ینادی باسمه و کنیته و نسبه و یکثر ذلک علی افواه المحقین و المبطلین و الموافقین و المخالفین لتلزمهم الحجة بمعرفتهم به علی انه قد قصصنا و دللنا علیه و نسبناه و سمینا و کنیناه و قلنا سمی جده رسول الله و کنیه لثلاثا یقول الناس ما عرفنا له اسما و لا کنیه و لا نسبا و الله لیتحقق الايضاح به و باسمه و کنیته علی الستهم حتی لیسیمیه بعضهم لبعض کل ذلک للزوم الحجة علیهم ثم یظهره الله کما وعد به جده صلی الله علیه و آله فی قوله عزوجل «و هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون». [۷۹]. آنگاه که فتنه ها و شبهات جامعه را فراگیرد امام عصر (روحی له الفداء) ظاهر می شود. (همه جا از قیام او سخن گفته می شود و مانند خورشید فروزان می درخشد). در میان آسمان و زمین او را به نام کنیه و نسب یاد می کنند و نام عزیزش در محافل دوست و دشمن و مردم باایمان و بی ایمان نقل می گردد تا حجت بر همگان تمام شود و جامعه او را بشناسد و ما پیوسته نام و نشان او را اعلام کرده ایم (در کتابها و در سخنان) و گفته ایم که او همانم جدش خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و هم کنیه اوست تا کسی نگوید که من نام و نسب و کنیه او را نمی دانستم. به خدا سوگند آنقدر نام و نسب و کنیه او بر زبان مردم جاری می شود تا دیگر برای کسی ابهامی نماند. اجرای این برنامه ها یکسره برای این است که حجت بر همگان تمام شود. آنگاه خداوند امر به ظهورش می فرماید، چنانکه در آیه شریفه «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون» [۸۰] به جدش خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله وعده فرموده است که باید دین مقدس اسلام بر تمام ادیان غلبه و پیروزی داشته باشد اگر چه دشمنان خداوند نخواهند. عن امیرالمؤمنین علیه السلام: ان لنا اهل البیت رایة من تقدمها سرق و من تاءخر عنها زهق و من تبعها لحق یكون مکتوبا فی رایته «البیعة لله». [۸۱]. حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می فرماید: برای ما اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) پرچی هست که هر کسی بر آن سبقت بگیرد دزدیده می شود (استعمارگران و استثمارگران او را می برند و عقایدش را می دزدند) کما اینکه تمام سرمایه های معنوی دنیای اسلام را دزدیدند) و هر کسی که عقب بماند از این پرچم، نابود و هلاک خواهد شد و هر کسی که متابعت از این پرچم نمود، سعادت مند و موفق خواهد شد. روی آن پرچم نوشته است «بیعت از آن خداوند است». اللهم فاجعل بینه خروجا من الغمة واجمع به شمل الامة. [۸۲]. خداوند! بیعت با حضرت بقیة الله (علیه السلام و عجل الله له الفرج) را برای مردم بیرون رفتن از تمام غم و اندوه ها قرار بده و پراکندگی و سرگردانی امت را به اتحاد و اتفاق مبدل فرما.

امیرالمؤمنین و علائم قیام قائم

سلمان فارسی می گوید: آمدم خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کردم قائم از فرزندان شما کی قیام می کند؟ آن حضرت آهی کشیده، فرمودند: لا یظهر القائم حتی یکون امور الصبیان و یضیع حقوق الرحمن و یتغنی بالقرآن فاذا قتلت ملوک بنی العباس اولی العمی و الالباس اصحاب الرمی عن الاقواس بوجه کالتراس و خربت البصره هناك یقوم القائم من ولد الحسین علیه السلام. [۸۳]. قائم ظاهر نمی شود تا اینکه چند نشانه به وجود آید: ۱. کارها به دست نوجوانان و افراد ناآگاه قرار گیرد. ۲. حقوق خداوند رحمان (احکام دین خدا) ضایع گردد. ۳. قرآن را با تغنی (به غنا) بخوانند. ۴. پادشاهان بنی عباس که از دیدن حق محروم، و از شناخت آن ناتوانند، به دست تیراندازان و کماندارانی کشته شوند، که صورتهایشان همانند سپر می باشد (منظور مغولها هستند که در نهج البلاغه - خطبه ۱۲۸ - از آنها «المجان المطرقة» یعنی: سپرهای چکش خورده، تعبیر شده است). ۵. بصره خراب گردد. در این موقع قائم ما از فرزندان امام حسین علیه السلام قیام می کند. از امام امیرالمؤمنین و نیز از حضرت صادق و حضرت باقر علیهم السلام نقل شده است که فرموده اند: و یحالی لطلالقان فان الله فیها کنوزا لیست من ذهب و لا فضة و لکن بها رجال عرفوا الله حق معرفته و هم انصار المهدي فی آخر الزمان. [۸۴]. خوشا به حال مردم طالقان که در اجتماع و منطقه آنان برای خداوند متعال گنجهایی است که از طلا و نقره نیست، اما مردانی هستند که به درستی خداوند را شناخته اند و اینان از یاوران حضرت مهدی روحی له الفداء در

آخر الزمان هستند (به راستی خوشا به حال آنها). حضرت امام امیر المومنین و وسایل نقلیه‌زمان حکومت حضرت مهدی (ع) امام امیر المومنین (ع) درباره وسایل نقلیه دوران جهانگیری حضرت بقیه الله روحی له الفدا چنین می فرماید: «ثم یامر المهدی بالنشاء مراکب بینی اربعمائه سفینه فی ساحل عکا و یوافی المهدی طرطوس فیفتحها و یتقدم الی انطاکیه فیفتحها و یهاجم القسطنطنیه فیفتحها و یتوجه الی بلاد الروم فیفتح رومیه مع اصحابه.» [۸۵]. آنگاه حضرت مهدی (ع) امر می فرمایند مرکبهای سواری بسازند و در کرانه عکا چهار صد کشتی ساخته می شود و به طرف طرطوس [۸۶] به حرکت در می آیند و آنجا را فتح می کند و از طرطوس به سمت انطاکیه می رود، آنجا را هم فتح می کند و از انطاکیه به طرف قسطنطنیه [۸۷] هجوم می آورد، آن سرزمین را هم فتح می کند و به جانب بلاد روم (کشورهای غربی) حرکت می کند و همه آن کشورها را مسخر می نماید (اللهم عجل فرجه).

حکومت مهدی

امیرالمؤمنین و نزول حضرت عیسی

امام امیرالمؤمنین علیه السلام به تشریف فرمایی حضرت عیسی بن مریم علی نبینا و علیه السلام در روزهای اول ظهور اشاره می فرمایند، آن هم در بیت المقدس روز جمعه: ثم ان المهدی یرجع الی بیت المقدس فیصلی بالناس ایاما فاذا کان یوم الجمعة وقد اقيمت الصلوة ينزل عیسی بن مریم فی تلك الساعة من السماء و علیه ثوبان احمر ان كانما یقطر من راءسه الدهن و هو رجل صبیح المنظر والوجه اشبه الخلق بابراهيم فیا تى المهدی و یصافحه و یشره بالنصر فعند ذلك یقول له المهدی تقدم یا روح الله وصل بالناس فیقول عیسی بل الصلوة لك یا ابن رسول الله فعند ذلك یؤذن عیسی و یصلی خلف المهدی. [۸۸]. مهدی ما به جانب بیت المقدس برمی گردد و چند روزی در آنجا با مردم نماز می خوانند تا روز جمعه می رسد و مردم آماده نماز هستند که ناگهان حضرت عیسی بن مریم در همین ساعت از آسمان به زیر می آید، در حالتی که دو لباس قرمز به تن دارد و قطرات عرق از سر و صورتش مانند قطرات روغن می ریزد. مردی زیبا و خوش اندام است که شبیه ترین مردم به حضرت خلیل الرحمن (علیه السلام) است پیش می آید و با حضرت بقیه الله مصاحفه می کند و بشارت به فتح و پیروزی می دهد. در این موقع حضرت مهدی علیه السلام تعارف می فرماید به حضرت عیسی که جلو بایستید و با مردم نماز بخوانید. حضرت عیسی می فرماید: ای فرزند رسول خدا! «بل الصلوة لك». کنایه از اینکه پیشوایی دیگر مخصوص به شماست. در این موقع حضرت عیسی اذان می گوید و حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء جلو می ایستد و جناب عیسی علیه السلام به آن حضرت اقتدا می کند (اللهم عجل فرجه). امام امیرالمؤمنین و نشانه های پیش از قیام امام صادق (ع) از وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین سلام علیهما روایت می کنند که آن سرور فرمودند: «قال امیر المؤمنین علیه السلام لیاتین علی الناس زمان یظرف فیہ الفاجر و یقرب فیہ الماجن و یضعف فیہ المنصف قال فقیل له متی ذاک یا امیر المؤمنین فقال (اذ اتخذت الامانه مغنما و الزکاه مغرما و العباده استتاله و الصله منا قال فقیل له متی ذاک یا امیر المؤمنین فقال (ع) اذا تسلطن النساء و سلطن الاماء و امر الصبیان. [۸۹]. مسلما زمانی بر مردم خواهد آمد که افراد فاجر و گناهکار را مورد احترام خاص قرار می دهند، سخن چین و بد زبان را مقرب خود می سازند و افراد با انصاف را ضعیف و ناتوان می شمارند. عرض کردند: یا امیر المؤمنین! کی خواهد شد؟ فرمودند: (هر وقت دیدید امانت را غنیمت می شمارند (خیانت به امانت می کنند)، دادن زکات را برای خود زیان و غرامت می پندارند، عبادت را بار و سنگینی بر دوش خود می دانند و صله کردن را با منت انجام می دهند. عرض کردند: یا امیر المؤمنین! کی خواهد شد؟ فرمودند: هر گاه دیدید زنان تسلط پیدا کردند (بر امور اجتماعی و سیاسی و غیره) و نیز هر وقت دیدید که اماء و کنیزان استیلا یافتند و نوجوانان به زمامداری رسیدند. خواننده عزیز! اگر دقت کنید تمام این علامتها در اجتماع ما در ابعاد مختلف دیده می شود.

نشانه های ظهور

رسول اکرم و نشانه های ظهور

عن السكونی عن ابی عبدالله علیه السّلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله سیاءتی علی امتی زمان تخبث فیه سرائرهم و تحسن فیه علانیتهم طمعا فی الدنیا لایریدون به ما عند الله عزوجل یكون امرهم ریاء، لا یخالطه خوف، یعمهم الله منه بعقاب فیدعونه دعاء الغریق فلا یتستجاب لهم. [۹۰]. سکونی از امام جعفر صادق علیه السّلام نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بر امت من زمانی بیاید که باطن آنها پلید و ظاهرشان به جهت طمع در دنیا آراسته باشد و خداوند را در نظر ندارند عمل آنها ریا است و از او نمی ترسند. خداوند نیز همه آنان را عقوبت خواهد کرد و هرچه دعا کنند، حتی دعای غریق، مستجاب نخواهد شد. از این روایت چند علامت برای ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء - آن هم از زبان آورنده اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله - نقل کرده اند: ۱. دلها مملو از خبائث و صفات رذیله می شود. ۲. مردم تظاهر به خوبیها می کنند در حالی که دلشان از خوبیها خالی است. ۳. هدف از این تظاهرات، فرورفتن در کثافات اخلاقی دنیا و تعینات آن است. ۴. کارهای آنها اگرچه به صورت عبادت است اما برای غیر خدا انجام می شود (ریا). ۵. توجهی به عالم آخرت نخواهند داشت و از خداوند نمی ترسند. ۶. به جهت این صفات، خداوند آنها را عقاب می کند به بلاهای اجتماعی از قبیل جنگ، گرفتار ظلم شدن، گرانی، سلب برکت و... ۷. در این موقع هرچه دعا کنند حتی دعای غریق هم مستجاب نخواهد شد. [۹۱] رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی در مورد نشانه های ظهور مهدی روحی له الفداء می فرماید: سیاءتی زمان علی امتی لایبقی من القرآن الا رسمه و لا من الاسلام الا اسمہ یسمون به وهم ابعده الناس منه مساجدهم عامرة و هی خراب من الهدی فقهاء ذلك الزمان شرفقهاء تحت ظل السماء منهم خرجت الفتنة و الیهم تعود. [۹۲]. بزودی زمانی بر امت من فرا رسد که از قرآن جز رسم و از اسلام جز اسم باقی نماند. آنان به نام مسلمان خوانده می شوند در حالی که دورترین مردم از اسلام اند، مساجد آنان آباد و از هدایت خراب (خالی) است. فقهای آن زمان بدترین فقها در زیر آسمان اند فتنه از ایشان آغاز می شود و به آنان باز می گردد. وجود مبارک منجی عالم بشریت حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله وسلم در این حدیث که در حقیقت آئینه ای است که دنیای اسلام و مردم آن را نشان می دهد و این خود معجزه ای است از آن بزرگوار، به چند علامت در ارتباط با ظهور فرزند عزیزش اشاره فرموده است: ۱. محتوی و حقایق حیاتبخش قرآن، متروک و فقط اسمی از آن می ماند. ۲. از اسلام نامی می ماند و قوانین جامع و کامل آن به حالت تعطیل در می آید و به انزوا سپرده می شود. [۹۳]. ۳. تقریبا یک چهارم از جمعیت دنیا ادعای مسلمانی می کنند در صورتی که عملا از اسلام بیگانه اند. ۴. مساجدشان از نظر بنیان و جهات ظاهری آباد اما از لحاظ تقوا ویران است. مساجد مرکز غیبت، تهمت، ریختن آبروی مردم و بدعتها - البته به صورتهای مختلف - شده است. ۵. فقها و دانشمندان بدترین دانشمندانی هستند که در زیر این آسمان بسر می برند. با تاء ملی کوتاه درباره عالم نماهای زمان خودمان و فسادی که در اجتماع کرده اند معنی روایت معلوم می شود. ۶. تمام فتنه ها از ناحیه علمای سوء است و بازگشت آنها نیز به خودشان خواهد بود. «اذا فسد العالم فسد العالم» رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید هرگاه دانشمندی راه فساد را در پیش بگیرد جهانی را به تباهی می کشد. زیرا مردم این دسته از افراد را الگو و سمبل دین می دانند. خواننده گرامی! ناگفته نماند که از نظر منطقی و برهان، همیشه حساب مکتب، از اشخاص جداست. امام صادق علیه السّلام به نقل از پدران مکرم خود ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین می فرماید: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: (ان) الاسلام بداء غریبا و سيعود غریبا کما بداء فطوبی للغرباء. [۹۴]. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: اسلام در ابتدا غریب و تنها بود و بزودی نیز همچون زمان پیدایش غریب و تنها خواهد شد. خوشا به حال تنهاییان و غربا. خواننده ارجمند! اسلام عزیز ما در ابتدا بسیار غریب بود و فقط یک اقلیت از آن استقبال کردند. در آخرالزمان نیز چنان خواهد شد، کما اینکه اکنون نیز اینچنین است و با این همه

امکانات نظامی، اقتصادی و انسانی که در جهان اسلام وجود دارد، مع الوصف، مسلمین در چنگال ستمگران و کفاری مانند اسرائیل بسر می برند. دلیل بر اثبات عرض ما وضع موجود دنیای اسلام است و در روایت بالا تحت عنوان نشانه های ظهور دولت حق، رسول اکرم صلی الله علیه و آله به غربت مجدد اسلام اشاره فرموده و در ضمن کلمه «فطوبی للغرباء» بشارت پیروزی اسلام را داده اند (البته بشارت ضمنی). آری، اسلام در ابتدای امر واقعا غریب بود، درست مانند کسی که وارد شهری بشود، آشنایی نداشته باشد و پولی هم همراه نداشته باشد که بتواند خودش را اداره کند و زبانش هم با مردم آن شهر یکی نباشد، همچنانکه زبان اسلام زبان توحید بود در حالی که زبان مردم لسان کفر و الحاد و بت پرستی بود و پیامبر بزرگوار فرمودند در آخرالزمان هم این طور خواهد شد. خواننده محترم! ملاحظه می فرمایید زبان اسلام در دنیای ما نیز زبان صلح، عدالت، ایمان، امنیت و برادری است، در حالی که در جهان کنونی، اعمال مردم برخلاف این برنامه هاست. از امام صادق علیه السلام منقول است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: من ابغضنا اهل البيت بعثه الله يهوديا قيل يا رسول الله و ان شهد الشهادتين؟ قال نعم انما احتجب بهاتين الكلمتين عند سفك دم او يؤدى الجزية و هو صاغر ثم قال من ابغضنا اهل البيت بعثه الله يهوديا قيل و كيف يا رسول الله؟ قال ان ادرك الدجال آمن به. [۹۵]. هر که ما اهل بیت را دشمن دارد خداوند (عزوجل) او را یهودی برانگیزد. سؤال شد: یا رسول الله! اگر چه شهادتین بگویند؟ فرمودند: بله، در نتیجه دو کلمه شهادت (اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله) فقط جان او محفوظ می ماند و یا از پرداخت جزیه معارف می شود. سپس ادامه دادند: هر کسی که ما اهل بیت را دشمن بدارد خداوند او را یهودی برانگیزد. پرسیدند: چگونه ای رسول خدا؟ فرمودند: اگر زمان دجال را دریابد به او ایمان آورد. در این روایت، پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله پس از اشاره به وظیفه مردم در ارتباط با اهل بیت علیهم السلام و نیز زیان دشمنی با خاندان گرامی اش، به خروج دجال که از علائم ظهور حضرت بقیه الله روحی له الفداء است، اشاره فرموده اند. بنابراین، زیان دشمنی با اهل بیت سلام الله علیهم اجمعین را می توان این گونه خلاصه کرد: ۱. محشور شدن در روز قیامت با یهودیان. ۲. حسرت و پشیمانی که در سایه قطع ارتباط با خاندان وحی دامنگیر انسان می شود. ۳. از دست دادن نعمتهای ابدی خداوند. ۴. مخلد بودن در آتش جهنم. ۵. محرومیت از مصاحبت با ذوات مقدسه معصومین سلام الله علیهم اجمعین. رسول مکرم صلی الله علیه و آله خیر از قیام مهدی روحی له الفداء می دهد و از آن حضرت به نام خاتمه دهنده به دین چنین می فرماید: المهدی منا یختم الدین به کما فتح بنا... (و اخرج الحاكم فی صحیحہ) یحل بامتی فی آخر الزمان بلاء شدید من سلطانهم لم یسمع بلاء اشد منه حتی لا یجد الرجل ملجاء فیبعث الله رجلا من عترتی اهل بیتی یملاء الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا یحبه ساکن الارض و ساکن السماء و ترسل السماء قطرها و تخرج الارض نباتها. [۹۶]. همچنانکه دین به وسیله من آغاز شد، توسط فرزندم مهدی (علیه السلام) خاتمه می یابد... در آخرالزمان امت من در سایه زمامداری ستمگر به بلاهایی مبتلا می شوند که مانند آن را ننشیده اند و به اندازه ای عرصه بر مردم تنگ می شود که پناهگاهی برای خود پیدا نمی کنند. در این هنگام خداوند مردی از عترت و اهل بیت من بر می انگیزد که جهان را پر از عدل و داد می کند چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد. از ویژگیهای او این است که اهل زمین و ساکنان آسمانها او را دوست می دارند و آسمان بارانهای خودش را می بارد و زمین بر کاتش را در اختیار مردم قرار می دهد. سیجی ء فی آخر الزمان اقوام تکون وجوههم وجوه الادمیین و قلوبهم قلوب الشیاطین امثال الذناب الضواری لیس فی قلوبهم شیء من الرحمۃ سفاکین للدماء و لا یرعون عن قبیح ان تابعتم و ارواک و ان تواریت عنهم اغتابوک و ان حدثوک کذبوک و ان ائمتهم خانوک صیهم عارم و شابهم شاطر و شیخهم لایامر بمعروف و لا ینهی عن منکر الاعتزاز بهم ذل و طلب ما فی ایدیهم فقر الحلیم فیهم غاو و الامر فیهم بالمعروف متهم المؤمن فیهم مستضعف و الفاسق فیهم مشرف السنۃ فیهم بدعۃ و البدعۃ فیهم سنۃ فعند ذلک یسلط الله علیهم شرارهم و یدعو خیارهم فلا یتستجاب لهم. [۹۷]. در آخرالزمان مردمانی بیابند که از نظر ظاهر، سیمای آدمیان را دارند، اما دلهایشان مانند قلبهای شیطانها است (پراز خودخواهی و تکبر و غرور و امثال اینها است). مانند گرگهای درنده دلشان خالی از رحمت و عطوفت انسانی باشد، قتل و

خونریزی برای آنها یک امر بسیار ساده و بی اهمیت خواهد بود و از کارهای زشت دوری نمی کنند. اگر از آنها متابعت کنی تو را از خود می رانند و اگر از آنان فاصله بگیری تو را مورد غیبت و عیبجویی قرار می دهند؛ اگر با تو سخن گویند دروغ می گویند و اگر آن مردم را امین خویش قرار دادی به تو خیانت می کنند. بچه های آنها با ناز و نخوت زندگی می کنند و جوانانشان بی باک و از خود راضی اند چندان که مردم را از بی تربیتی خویش عاجز می کنند. پیروان آنها امر به خوبیها و نهی از بدیها نمی کنند. عزت جستن به وسیله آنها ذلت و خواری است، مطالبه موجودی آنها فقر و ناتوانی است. شخص عاقل در میان آنها گمراه به شمار می آید و امر به معروف کننده مورد تهمت و افترا قرار می گیرد. افراد با ایمان و صاحبان تقوا در میان ایشان ضعیف خواهند بود، اما افراد فاسق در میان آنها با شخصیت حساب می شوند. کارهای خوب و سنتهای الهی در میان این جمعیت بدعت محسوب می شود و از طرفی بدعت در میان آنها سنت به حساب می آید. در چنین زمانی که مردمش دارای چنین خصوصیات اخلاقی شده اند، خداوند اشرار و مردم بد را بر آنها مسلط می کند و دیگر دعاوی خوبان اجابت نخواهد شد.

شب معراج و نشانه های ظهور

در حدیث مبارکی که ابن عباس از زبان پرنور آورنده اسلام حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله نقل کرده به نشانه هایی در رابطه با قیام جهانی حضرت صاحب الامر علیه السلام تصریح شده است که به نظر خوانندگان عزیز می رسد: عن ابن عباس عن رسول الله صلی الله علیه و آله: فی حدیث ان الله اوحی الیه لیلۃ اسری به ان یوصی الی علی و اخبره بالائمه من ولده الی ان قال و آخر رجل منهم یصلی عیسی ابن مریم خلفه یملا الارض عدلا کما ملئت جورا و ظلما انجی به من الهلکة و اهدی به من الضلالة و ابری به الاعمی و اشفی به المریض فقلت الهی و سیدی متی یکون ذاک فاوحی الله عزوجل الی یکون ذلک اذا رفع العلم و ظهر الجهل و کثر القراءة و قل العمل و کثر القتل و قل الفقهاء و الهادون و کثر فقهاء الضلالة و الخونة و کثر الشعراء و اتخذ امتک قبورهم مساجد و حلیت المصاحف و زخرفت المساجد و کثر الجور و الفساد و ظهر المنکر و اءمر امتک به و نهی عن المعروف و اکتفی الرجال بالرجال و النساء بالنساء و صار الامراء کفرة و اولیائهم فجرة و اعوانهم ظلمة ذوو الراء منهنم فسقة و عند ثلاثة خسوف خسف بالمشرق و خسف بالمغرب و خسف بجزیره العرب و خراب بصره علی ید رجل من ذریکتک تتبعه الزنوج و خروج رجل من ولد الحسین بن علی و ظهور الدجال یخرج من المشرق من سجستان و ظهور السفیانی. [۹۸]. ابن عباس می گوید: در شب معراج مطالبی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله وحی شد که باید به وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خبر داده شود و نیز به ائمه بعد از آن حضرت. بعد فرمودند که خداوند برای آخرین آنها نشانه هایی بیان فرمودند: ۱. عیسی بن مریم پشت سر آن بزرگوار نماز می خواند. ۲. زمین را پر از عدل و داد می کند چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد. ۳. بندگانش را به وسیله او (امام عصر) از هلاکت نجات می دهد. ۴. گمراهان را به وسیله او هدایت می کنم. ۵. نابینایان و بیماران را به وسیله او شفا می دهد. عرض کردم خداوند! آن کی خواهد شد؟ خطاب رسید: ۶. هر گاه علم از میان برداشته شود و جهل و نادانی به جای آن نشیند. قرائت قرآن زیاد اما عمل به آن کم شود. ۷. قتل و کشتار زیاد شود. ۸. فقها و هدایت کنندگان واقعی کم شوند (اشاره است به وجود علمای ربانی). ۹. علمای فاسق (بی عمل) و خیانتکار زیاد شوند (آنان که دین را به فکر خود معنی می کنند). ۱۰. شعرا زیاد شوند. ۱۱. امت شما قبرستانها را مساجد قرار دهند. ۱۲. قرآنرا را زینت کنند. ۱۳. مساجد را مجلل بسازند. ۱۴. جور و فساد زیاد شود. ۱۵. منکرات ظاهر شود. ۱۶. امت شما امر به منکر کنند. ۱۷. پیروان شما نهی از معروف کنند. ۱۸. مردها به مردها اکتفا کنند (لواط). ۱۹. زنان به زنان قناعت کنند (مساحقه). ۲۰. زمامداران کافر شوند. ۲۱. دوستان حکمرانان گنهکاران باشند. ۲۲. یاوران آنها ستمگران باشند. ۲۳. صاحبان راء و نظر از آنان فاسقان باشند. ۲۴. سه خسف [۹۹] در دنیا واقع شود: یکی خسف در مشرق، خسف دیگر در مغرب و خسف سوم در جزیره العرب. ۲۵. خراب شدن بصره به دست یکی از ذراری تو (سید) که زنگیها دنبالش را بگیرند. ۲۶. قیام مردی

از اولاد امام حسین علیه السلام ۲۷. ظهور دجال و قیامش از سجستان. ۲۸. خروج سفیانی.

امام امیرالمؤمنین و نشانه های پیش از قیام

امام صادق علیه السلام از وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین سلام الله علیها روایت می کنند که آن سرور فرمودند: قال امیرالمؤمنین علیه السلام لیاءتین علی الناس زمان یظرف فیہ الفاجر و یقرب فیہ الماجن و یضعف فیہ المنصف قال فقیل له متی ذاک یا امیرالمؤمنین فقال (اذ اتخذت الامانه مغنما والزکاء مغرما و العبادۃ استطاله و الصلۃ منا قال فقیل له متی ذلک یا امیرالمؤمنین فقال (علیه السلام)) اذا تسلطن النساء و سلطن الاماء و امر الصبیان. [۱۰۰]. مسلما زمانی بر مردم خواهد آمد که افراد فاجر و گناهکار را مورد احترام خاص قرار می دهند، سخن چین و بد زبان را مقرب خود می سازند و افراد با انصاف را ضعیف و ناتوان می شمارند. عرض کردند: یا امیرالمؤمنین! کی خواهد شد؟ فرمودند: (هر وقت دیدید امانت را غنیمت می شمارند (خیانت به امانت می کنند)، دادن زکات را برای خود زیان و غرامت می پندارند، عبادت را بار و سنگینی بر دوش خود می دانند و صلّه کردن را با منت انجام می دهند. عرض کردند: یا امیرالمؤمنین! کی خواهد شد؟ فرمودند: هرگاه دیدید زنان تسلط پیدا کردند (بر امور اجتماعی و سیاسی و غیره) و نیز هر وقت دیدید که اماء و کنیزان استیلا یافتند و نوجوانان به زمامداری رسیدند. خواننده عزیز! اگر دقت کنید تمام این علامتها در اجتماع ما در ابعاد مختلف دیده می شود.

حضرت امام محمد باقر و نشانه های ظهور

فضل بن شاذان از ابی حمزه ثمالی چنین نقل می کند: قلت لابی جعفر علیه السلام خروج السفیانی من المحتوم؟ قال نعم و النداء من المحتوم و طلوع الشمس من مغربها من المحتوم و اختلاف بنی العباس فی الدوله من المحتوم و قتل النفس الزکیه محتوم و خروج القائم من آل محمد صلی الله علیه و آله محتوم، قلت: و کیف یکون النداء؟ قال ینادی من السماء اول النهار الا ان الحق مع علی و شیعتہ ثم ینادی ابلیس فی آخر النهار من الارض الا ان الحق مع عثمان و شیعتہ فعند ذلک یرتاب المبتلون. [۱۰۱]. به امام باقر علیه السلام عرض کردم: خروج سفیانی حتمی است؟ فرمودند: آری، صیحه آسمانی نیز از علائم حتمی است، طلوع خورشید از مغرب حتمی است، اختلاف بین بنی عباس در رابطه با حکومت حتمی است، کشته شدن نفس زکیه حتمی است، قیام قائم آل محمد حتمی است. عرض کردم: ندای آسمانی چگونه است؟ فرمودند: اول صبح منادی از آسمان ندا می کند که حق با علی (علیه السلام) و شیعیان اوست. آخر وقت همان روز منادی فریاد می زند که حق با عثمان و پیروان اوست. از شنیدن صدای دوم اهل باطل در شک می افتد (آری، آزمایش است). ابوالجارود، یکی از اصحاب حضرت باقر علیه السلام، می گوید آن حضرت با آگاهی کامل از آینده قیام حضرت مهدی علیه السلام فرمودند: اذا قام القائم علیه السلام سار الی الکوفه فیخرج منها بضعة عشر الف نفس یدعون البتريه علیهم السلاح فیقولون له ارجع من حیث جئت فلا حاجه لنا فی بنی فاطمه فیضع فیهم السیف حتی یاءتی علی آخرهم ثم یدخل الکوفه فیقتل بها کل منافق مرتاب و یهدم قصورها و یقتل مقاتلیها حتی یرضی الله عزوجل. [۱۰۲]. زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند، به کوفه تشریف فرما می شوند و بیش از ده هزار نفر از آنجا بیرون می آیند که آنها را «بتریه» می گویند. پس، به آن حضرت عرض می کنند: برگرد به همان مکانی که بوده ای، ما نیازی به فرزندان فاطمه (سلام الله علیها) نداریم. پس، شمشیر را می کشد و همه آنها را می کشد. سپس وارد کوفه می شود و تمام افراد منافق و جنگجو را می کشد تا خداوند متعال راضی گردد. جابر از امام باقر علیه السلام در ارتباط با برنامه های دولت کریمه حضرت مهدی علیه السلام چنین می فرماید: اذا قام القائم علیه السلام ضرب فساطیط و یعلم الناس القرآن علی ما انزل الله عزوجل فاصعب ما یکون علی من حفظة الیوم لانه ینخالف فیہ التالیف. [۱۰۳]. هنگامی که قائم آل محمد قیام می کند، خیمه های خودش را برپا می سازد (گویا در کوفه باشد) و قرآن را به

مردم یاد می دهد، چنانکه خداوند بر رسول گرامی نازل فرمود (از نظر ترتیب فرود آمدن در روزهای اول) و مردم را با قرآن این طور آشنا می کند. آن روز برای آنهایی که قرآن را قبلاً حفظ کرده اند بسیار مشکل است (از نظر ترتیب سوره ها و نازل شدن در گذشته). به امام باقر علیه السلام عرض شد: ان اصحابنا بالكوفة جماعة كثيرة فلو امرتهم لاطاعوك و اتبعوك فقال يجي احدهم الي كيس اخيه فياخذ منه حاجته؟ فقال لا فقال فهم بدمائهم ابخل... ثم قال ان الناس في هدنة ناكحهم و نوارثهم و نقيم عليهم الحدود و تؤدى اماناتهم حتى اذا قام القائم جاءت المزايله و ياءت الرجل الي كيس اخيه فياءخذ حاجته لا يمنعه. [۱۰۴]. اصحاب و شیعیان ما در کوفه زیاد هستند؛ اگر دستوری صادر بفرمایید از شما اطاعت می کنند. امام در جوابش فرمودند: آیا شیعیان ما دست در جیب یکدیگر می کنند و نیازمندیهای خودشان را برطرف می سازند؟ عرض شد: خیر. فرمودند: کسی که از انفاق مادیات در راه خداوند مضایقه می کند چگونه جاننش را به فرمان ما در راه حق بذل می نماید؟ مردم در معرض امتحان هستند. ما با آنها ازدواج می کنیم، از آنها ارث می بریم، حدود الهی را بر آنها اقامه می کنیم و امانات آنها را به ایشان بر می گردانیم تا اینکه حضرت قائم علیه السلام قیام کند. برادری آنچنان گسترش می یابد که مردم بدون اجازه دست در جیب یکدیگر می کنند و هرچه لازم داشته باشند برمی دارند (این است برنامه عملی حکومت حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء). محمد بن مسلم ثقفی می گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمودند: القائم منصور بالعرب مؤید بالنصر تطوی له الارض و تظهر له الكنوز و يبلغ سلطانه المشرق و المغرب و يظهر الله تعالى به دینه و لو کره المشركون فلا- بيقى فى الارض خراب الا- عمر و ينزل روح الله عيسى بن مريم فيصلى خلفه فقلت له يا ابن رسول الله متى يخرج قائمكم قال اذا تشبه الرجال بالنساء و النساء بالرجال و اکتفى الرجال بالرجال و النساء بالنساء و ركب ذوات الفروج السروج و قبلت شهادة الزور و ردت شهادة العدل و استخف الناس بالدماء و ارتكاب الزنا و الكل الربا و اتقى الاسرار مخافة الستهم و خرج السفیانی من الشام و الیمانی من الیمن و خسف بالبيداء و قتل غلام من آل محمد صلى الله عليه و آله بين الركن و المقام اسمه محمد بن الحسن النفس الزكية و جاءت صيحة من السماء بان الحق فيه و فى شيعته فعند ذلك خروج قائمنا فاذا خرج اسند ظهره الى الكعبة و اجتمع اليه ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلا و اول ما ينطق به هذه الاية: «بقية الله خير لكم ان كنتم مؤمنين». [۱۰۵]

ثم يقول انا بقية الله و حجته و خليفته عليكم فلا يسلم عليه مسلم الا قال السلام عليك يا بقية الله فى ارضه فاذا اجتمع له العقد و هو عشرة آلاف رجل خرج فلا- بيقى فى الارض معبود دون الله عزوجل من صنم او غيره الا وقعت فيه نارفا حترق و ذلك بعد غيبة طويلة ليعلم الله من يطيعه بالغيب و يؤمن به. [۱۰۶]. قائم ما به وسیله نیروهای مختلفی یاری می شود: ۱. ترس و رعبی که در دلهای مردم جایگزین می شود. ۲. نصرت و یاری خداوند بزرگ. ۳. زمین در اختیار و زیر پای مبارکش و یاران عزیزش در نور دیده و جمع می شود. ۴. گنجهای زمین خودشان را در اختیار آن حضرت قرار می دهند. ۵. سلطنتش مشرق و مغرب زمین را فرا می گیرد. ۶. دین مقدس اسلام بر تمام ادیان غلبه می یابد و لو اینکه دشمنان خدا راضی نباشند، و در زمین جایی غیر آباد دیده نخواهد شد. ۷. حضرت عیسی بن مریم از آسمان نازل می شود و پشت سر آن حضرت نماز می خواند. می گوید عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! این قیام کی خواهد بود و چه زمانی قائم شما قیام می کند؟ فرمودند: ۱. هرگاه مردان شبیه به زنان و زنان مانند مردان شوند. ۲. مردها به مردها اکتفا کنند و زنان به زنان (اشاره به لواط و مساحقه). ۳. زنان سوار بر زینها شوند (سوار شدن بر اسب، اتومبیل و وسایط نقلیه دیگر). ۴. شهادت دروغ و برخلاف واقع را بپذیرند. ۵. گواهی مردان عادل و صاحبان تقوا را رد کنند. ۶. قتل و خونریزی در میان مردم کوچک شمرده شود. ۷. مردم مرتکب زنا شوند. ۸. رباخواری در میان مردم رواج یابد. ۹. مردم از زبان اشرار بترسند. ۱۰. سفیانی از شام بیرون آید. ۱۱. یمانی از یمن حرکت کند. ۱۲. خسف و فرورفتگی در بیداء پدید آید. ۱۳. جوانی از آل محمد صلی الله علیه و آله در میان رکن مقام کشته شود که نام عزیزش محمد بن حسن معروف به نفس زکیه است. ۱۴. صیحه ای از آسمان بلند شود که حق با او و پیروان اوست. در این هنگام قائم ما قیام می کند. پس، آنگاه که بیرون آمد به کعبه تکیه می دهد و سیصد و سیزده تن از یاران مخصوص آن حضرت اطرافش را می گیرند و اول سخنی که می فرمایند این آیه شریفه است: «باقیمانده خدا بهتر

است برای شما اگر به خدا ایمان دارید». سپس می فرماید من بقیه الله و حجت و جانشین خداوند در روی زمین هستم. پس، همه مسلمانان آن حضرت را با این عبارت سلام می کنند: «سلام بر تو ای بقیه الله در روی زمین». پس، وقتی که آن عدد معین که ده هزار نفر باشد در خدمت آن حضرت اجتماع کردند از مکه بیرون می آیند و در کره زمین معبودی جز خداوند یکتا عبادت نخواهد شد، اساس بت پرستی و غیره از بین خواهد رفت و همه آنها در آتش غضب آن سرور خواهند سوخت. ای محمد بن مسلم! البته این قیام با این محتوی بعد از غیبت طولانی خواهد بود. برای اینکه خداوند عالم، بندگان مطیع و فرمانبردار خودش را به جهانیان معرفی کند و بشناساند. علی بن مهزیار از حضرت ابوجعفر علیه السلام حدیث می کند که آن جناب فرمودند: کانی بالقائم یوم عاشورا یوم السبت قائما بین الرکن و المقام بین یدیه جبرئیل ینادی البیعه لله فیما لها عدلا کما ملئت ظلما وجورا. [۱۰۷]. گویا می بینم قائم (آل محمد) را در روز عاشورا، روز شنبه بین رکن و مقام ایستاده در حالی که جبرئیل (ع) در کنار ایشان است و فریاد می زند بیعت برای خداست (مردم دنیا! بیعت با حضرت مهدی روحی له الفداء، در حقیقت، بیعت با خداوند است). آنگاه دنیا را پر از عدل و داد می کند چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد. یعقوب سراج از جابر روایت می کند که آن حضرت فرمودند: یا جابر لایظهر القائم حتی یشمل (الناس ب) الشام فتنه یتطلبون المخرج منها فلا یجدونه و یکون قتل بین الکوفه و الحیره قتلهم علی سواء و ینادی مناد من السماء. [۱۰۸]. ای جابر! قائم ظاهر نمی شود مگر اینکه فتنه ای (مردم را) در شام فرا گیرد. مردم راه فرار از این فتنه را پیدا نمی کنند. بین کوفه و حیره کشتاری می شود که هر دو طرف از نظر دادن کشته مساوی هستند (یا از لحاظ کمیت یا کیفیت) و منادی از آسمان ندا می دهد. محمد بن مسلم از حضرت باقر العلوم علیه السلام حدیث می کند که آن حضرت فرمودند: توقعوا الصوت یاءتیکم بغته من قبل دمشق فیه لکم فرج عظیم. [۱۰۹]. منتظر صدا که ناگهان از ناحیه دمشق می رسد، باشید. البته در این (صوت) برای شما فرجی عظیمی است. خواننده عزیز! آیا منظور از کلمه «صوت» صیحه آسمانی است؟ به ظاهر یا همین است یا قیام سفیانی. امید است صدای حیاتبخش جبرئیل علیه السلام باشد. از حضرت باقر علیه السلام در باب نشانه های ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء حدیث مفصلی نقل شده است که ما به بیان مختصری از آن بسنده می کنیم. امام باقر علیه السلام می فرمایند: فینزل امیر جیش السفیانی الیئداء فینادی مناد من السماء «یا بیداء ابیدی القوم» فیخسف بهم فلا یفلت منهم الا ثلاثه نفر یحول الله وجوههم الی اففیتهم و هم من کلب و فیهم نزلت هذه الایة «یا ایها الذین اوتوا الکتاب آمنوا بما نزلنا مصدقا لما معکم من قبل ان نطمس وجوها فنردها علی ادبارها». قال و القائم یومئذ بمکه قد اسند ظهره الی البیت الحرام مستجیرا به فینادی یا ایها الناس انا نستنصر الله فمن اجابنا من الناس فانا اهل بیت نبیکم محمد و نحن اولی الناس بالله و بمحمد صلی الله علیه و آله فمن حاجنی فی آدم فانا اولی الناس بآدم و من حاجنی فی نوح فانا اولی الناس بنوح و من حاجنی فی ابراهیم فانا اولی الناس بابهیم و من حاجنی فی محمد صلی الله علیه و آله فانا اولی الناس بمحمد صلی الله علیه و آله و من حاجنی فی النبیین فانا اولی الناس بالنبیین الیس الله یقول فی محکم کتابه «ان الله اصطفی آدم و نوحا و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین ذریه بعضها من بعض والله سمیع علیم». فانا بقیه من آدم و ذخیره من نوح و مصطفی من ابراهیم و صفوه من محمد صلی الله علیهم اجمعین الا- فمن حاجنی فی کتاب الله فانا اولی الناس بکتاب الله الا فمن حاجنی فی سنه رسول الله صلی الله علیه و آله فانا اولی بسنه رسول الله صلی الله علیه و آله فاءنشد الله من سمع کلامی الیوم لما بلغ الشاهد منکم الغائب و اساء لکم بحق الله و حق رسوله صلی الله علیه و آله و بحقی فان لی علیکم حق القربی من رسول الله الا- اعتمونا و منعمونا ممن یظلمنا فقد اعفنا و ظلمنا و طردنا من دیارنا و ابنائنا و بغی علینا و دفعنا عن حقنا و افتری اهل الباطل علینا فا الله فینا لاتخذلونا و انصرونا ینصرکم الله تعالی. قال فیجمع الله علیه اصحابه ثلاثمائه و ثلاثه عشر رجلا و یجمعهم الله له علی غیر میعاد قرعا کقرع الخریف و هی یا جابر الایة التي ذکرها الله فی کتابه: «اینما تكونوا یاءت بکم الله جمیعا ان الله علی کل شیء قدیر». فیبايعونه بین الرکن و المقام و معه عهد من رسول الله صلی الله علیه و آله و آله قد توارثه الابناء عن الاباء. و القائم یا جابر رجل من ولد الحسین یصلح الله له امره فی لیلته، فما اشکل علی الناس من ذلك یا جابر فلا یشکلن علیهم ولادته من رسول الله

صلی الله علیه و آله و وراثته العلماء عالما بعد عالم فان اشکل هذا کله علیهم فان الصوت من السماء لایشکل علیهم اذا نودی باسمه و اسم ابیه و امه. [۱۱۰]. فرمانده لشکر سفیانی در زمین بیداء فرود می آید. ناگهان منادی از آسمان ندا می دهد: ای زمین بیداء! دشمنان خداوند را نابود کن. پس، زمین شکافته می شود و همه آن جمیعت را فرو می برد مگر سه نفر را که صورتهای آنها به عقب برمی گردد و اینها از طایفه کلب هستند و این آیه درباره آنها نازل شده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید! به قرآنی که فرستادیم ایمان آورید که تصدیق کننده تورات و انجیل شماست پیش از آنکه به رویتان از اثر ضلالت خط بطلان کشیم یا گونه ها را واژگون کنیم.» [۱۱۱]. امام باقر علیه السّلام می فرماید: قائم علیه السّلام آن روز در مکه است و پشت به خانه کعبه داده در حالی که پناه به کعبه برده است. پس ندا می دهد: ای مردم! ما از خداوند طلب یاری می کنیم. پس، هر کسی از مردم که دعوت ما را اجابت کرد باید بداند که ما از اهل بیت پیامبر شماها هستیم و من از همه مردم سزاوارتر هستم نسبت به خداوند بزرگ و پیامبر او. ای مردم! هر کسی که با من محاجه کند در مورد آدم علیه السّلام، باید بداند که من نسبت به آدم از همه برترم و هر کسی که در ارتباط با نوح با من محاجه کند، باید بداند که من نسبت به نوح از همه مقدم ترم و هر کسی که با من محاجه کند نسبت به ابراهیم، باید بداند که من اولی از همه هستم و آن کسی که نسبت به حضرت محمد صلی الله علیه و آله از همه برترم و هر کسی که در ارتباط با انبیاء با من محاجه کند، من اولی هستم از همه نسبت به انبیاء. آیا نمی بینی که خداوند در قرآن محکمش می فرماید: «خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و دودمان عمران را بر عالمیان برگزیده است»؟ [۱۱۲]. پس، من باقیمانده از آدم و ذخیره از نوح و برگزیده ابراهیم و خلاصه ای هستم از وجود مقدس محمد صلی الله علیه و آله. آگاه باشید، هر کسی که با کتاب خدا با من به مجادله پردازد، من اولی از همه هستم نسبت به قرآن خداوند، و هر کسی در ارتباط با سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله با من محاجه نماید، من از همه سزاوارترم نسبت به آن بزرگوار. شما را به خدا سوگند می دهم آن افرادی که امروز سخنان مرا شنیدند آن را به غایبان برسانند. از شما سؤال می کنم به حق خداوند و حق رسول خدا صلی الله علیه و آله، به حق من بر شما که به جهت نزدیک بودن با رسول خدا بر شما دارم (فرزند او هستم) ما را یاری کنید نسبت به آن افرادی که به ما ظلم کردند. به درستی که ستمگران ما را از وطنمان دور ساختند و حق ما را غصب کردند و ما و فرزندانمان را آواره نمودند و درباره ما ستم روا داشتند و نگذاشتند که ما از حق خودمان استفاده کنیم و اهل باطل بر ما افترا بستند. بترسید از خدا، بترسید از خدا و ما را رها نسازید بلکه یاریمان کنید تا اینکه خداوند شما را یاری فرماید. امام باقر علیه السّلام فرمودند: در این موقع خداوند سیصد و سیزده تن اصحاب خاص آن حضرت را مانند ابرهای پراکنده در فصل سوم از فصول چهارگانه که آن را «خریف» (پاییز) می نامند در خدمت آن حضرت حاضر می کند و این جریان (حضور اصحاب) - ای جابر! مصداق این آیه شریفه است: «هر کجا باشید خداوند همه شما را به میعادگاه خواهد آورد، به درستی که خداوند بر هر چیز تواناست.» [۱۱۳] پس آن سیصد و سیزده تن بین رکن و مقام با آن حضرت بیعت می کنند (با مهدی آل محمد سلام الله علیه) و با او عهدی است از رسول الله صلی الله علیه و آله که توسط پدران بزرگوارش به دست او رسیده است. ای جابر! قائم مردی است از فرزندان امام حسین (علیه السّلام) که خداوند امر قیامش را در یک شب اصلاح می کند. ای جابر! چگونه برای این مردم مشکل است باور کنند که او (قائم) فرزند رسول اکرم صلی الله علیه و آله است و مقام وراثت از آباء و اجدادش به او رسیده و او وراثت علم همه آنهاست؟ ای جابر! اگر پذیرفتن اینها بر مردم مشکل باشد اما صیحه آسمانی را نمی توانند نپذیرند که او (قائم آل محمد روحی له الفداء) را به اسم خودش و نام پدرش و اسم مادرش معرفی می کند (محمد فرزند حسن مادرش نرجس، دیگر نمی توانند او را رد و انکار کنند). جابر بن یزید از حضرت از حضرت باقر علیه السّلام حدیث می کند درباره اصحاب حضرت مهدی علیه السّلام که امام باقر علیه السّلام فرمودند: کانی باصحاب القائم علیه السلام و قد احاطوا بما بین الخافقین فلیس من شیء الا و هو مطیع لهم حتی سباع الارض و سباع الطیر یطلب رضاهم فی کل شیء حتی تفجر الارض علی الارض و تقول مربی الیوم رجل من اصحاب القائم علیه السّلام. [۱۱۴]. گویی می بینم که یاران امام

عصر علیه السلام جهان را محاصره کرده اند و همه موجودات مطیع و فرمانبردار آنها هستند حتی درندگان صحرا و درندگان پرنده. موجودات مختلف عالم فقط خشنودی آنها را می خواهند. حتی بعضی از نقاط زمین مباحات می کند بر بعضی دیگر و می گوید امروز یکی از یاران قائم علیه السلام بر روی من عبور کرد. درباره قیام جناب سید حسنی از خراسان و تشرف ایشان به خدمت حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء، امام باقر علیه السلام بر روی من عبور کرد. درباره قیام جناب سید حسنی است. وقتی حضرت مهدی علیه السلام چنین فرموده است: تنزل الرايات السود التي تخرج من خراسان الى الكوفة فاذا ظهر المهدي بمكة بعثت اليه بالبيعة. [۱۱۵]. پرچمهایی که از خراسان حرکت کرده اند در سرزمین کوفه به اهتزاز در می آیند (پرچمدار و رهبر این قیام جناب سید حسنی است). وقتی حضرت مهدی علیه السلام در مکه ظاهر شدند افرادی را خدمت آن حضرت می فرستد و آمادگی خودش را برای بیعت با آن حضرت اعلام می دارد. راوی می گوید از حضرت ابوجعفر علیه السلام در مورد حضرت قائم علیه السلام پرسیدم فرمودند: انه لا يكون حتى ينادى مناد من السماء يسمع اهل المشرق والمغرب حتى تسمع الفتاة في خدرها. [۱۱۶]. امر قیام آن حضرت محقق نخواهد شد مگر اینکه منادی از آسمان صدا بلند کند که تمام مردم مشرق و مغرب حتی دختران پرده نشین نیز بشنوند. ناجیه قطان از حضرت باقر علیه السلام نقل می کند که شنیدم که آن حضرت می فرمودند: ان المنادى ينادى ان المهدي من آل محمد فلائبن ابن فلائبن باسمه و اسم ابيه (یعنی محمد بن الحسن العسکری علیهما السلام) فینادی الشیطان ان فلانا و شیعتہ علی الحق یعنی رجلا من بنی امیه. [۱۱۷]. منادی از آسمان ندا سر می دهد که مهدی آل محمد (فلان پسر فلان است) که نام مبارک اصلی حضرت باشد و نیز شیطان فریاد می زند و نام یکی از بنی امیه را می برد که فلانی و پیروان او بر حق هستند. خواننده عزیز! امتحانی است برای مردم. خوشا به حال آن کسانی که صدای اول را می شنوند و متابعت می کنند و صدای دوم را رد می کنند. امام باقر علیه السلام در رابطه با فتنه ها (پیش از قیام حضرت بقیه الله روحی له الفداء) چنین می فرمایند: تکون قبل المهدي فتنه تحصر الناس حصرا فلا تسبوا اهل الشام بل ظلمتهم فان الابدال منهم و سیر سل الله سببا من السماء فيفرقهم حتى لوقاتلهم الثعالب غلبتهم ثم يبعث الله المهدي في اثني عشر الفا ان قلوبا و خمسة عشر الفا ان كثروا و علامتهم انهم اذا هجموا صرخوا امت امت ثم يظهر فيرد الى المسلمين اءلفتهم و نعمتهم. [۱۱۸]. مردم پیش از قیام مهدی ما به فتنه ای بسیار مهم و کوبنده مبتلا می شوند. به همه مردم شام ناسزا نگویید بلکه ستمگران آنها را نفرین کنید؛ زیرا از میان آنها ابدال و صلحائی بر می خیزند. خداوند از آسمان چیزی بر آنها فرو می فرستد که آنچنان وحدت آنها را درهم می کوبد که اگر با ضعیف ترین حیوانات مانند روباه جنگ کنند شکست می خورند. آنگاه خداوند مهدی ما را با لشکری بین دوازده تا پانزده هزار نفر می فرستد که در وقت حمله رمزشان «امت، امت» (بمیران، بمیران) است. سپس پیروز می شوند و الفت و یگانگی و نعمتهای مسلمین را به آنها برمی گرداند (چه فتنه ای بالاتر از هجوم اسرائیل به سرزمینهای اسلام و کشتار بیرحمانه مردم؟). امام باقر علیه السلام درباره عصای حضرت موسی علیه السلام که سرانجام فرعون و لشکریانش را در رود نیل غرق کرد و از بین برد چنین می فرماید: کانت عصاء موسی لادم فصارت الى شعيب ثم صارت الى موسى بن عمران عليه السلام و انها لعندنا و ان عهدي بها انفا و هي خضراء كهيتتها حين انتزعت من شجرتها و انها لتنطق اذا استنطقت اعدت لقائنا يصنع بهما كان يصنع موسی و انها لتروع و تلقف ما يافكون و تصنع ما تؤمر به، انها حيث اقبلت تلقف ما يافكون، يفتح لها شعبتان احدهما في الارض و الاخرى في السقف و بينهما اربعون ذراعا، تلقف ما يافكون بلسانها. [۱۱۹]. این عصا (عصای موسی) روز اول به دست حضرت آدم بود، سپس به شعيب داده شد، بعد از شعيب به حضرت موسی بن عمران علیه السلام اعطا شد و اکنون نزد ماست و اخيرا که آن را دیدم، درست مانند روزی که از درخت جدا شده باشد رنگش سبز و خرم بود. اگر فرمان سخن گفتن به او بدھیم حرف می زند. و این عصا برای قائم ما ذخیره شده است تا مثل موسی بن عمران در راه نشان دادن عظمت حق و نابودی دشمنان خدا از آن استفاده کند. از خصوصیات این عصا این است که دشمنان را می لرزاند و هرچه را جلوی آن بیندازند یا ببیند می بلعد و آنچه فرمانروای عالم هستی (به اذن خدا) بگوید اطاعت می کند و چون لب بگشاید فاصله بین آن از زمین تا سقف را که چهل ذراع است، می بلعد (هرچه بیندازند همه را می

بعدها. امام باقر علیه السلام درباره تجهیزات لشکریان امام عصر روحی له الفداء و ساعت حرکت از مکه معظمه به طرف کوفه چنین فرموده اند: اذا خرج القائم عليه السلام من مكة ينادى مناديه الا لا يحملن احد طعاما ولا شرابا و يحمل مه حجر موسى بن عمران عليه السلام و هو وقر بعير فلا ينزل الا انفجرت منه عيون فمن كان جائعا شبع و من كان ظامئا روى و رويت دوابهم فهو زادهم حتى ينزلوا النجف من ظهر الكوفة. [۱۲۰]. ساعت اول حرکت، منادی از طرف آن سرور فریاد می زند که هیچ کس حق بار کردن مواد غذایی و آب آشامیدنی را ندارد و سنگ معروفی که حضرت موسی بن عمران علیه السلام داشتند آن حضرت همراه خویش بر می دارند که حجم و قطر آن سنگ به اندازه بار یک شتر است. به هر منزلی که می رسند و سربازان و مرکبهای سواری آنها تشنه یا گرسنه می شوند چشمه هایی از آن سنگ خارج می شود. آنهایی که گرسنه اند از آن چشمه ها می خورند و سیر می شوند و افرادی که تشنه اند از آنها سیراب می شوند تا اینکه وارد نجف اشرف که در پشت کوفه واقع است، می شوند. این است معنای ولایت تکوینی و تشریحی و این است آن حکومتی که تمام رژیمها را در هم می کوبد. حضرت باقر علیه السلام در ارتباط با نشانه های قیام حضرت بقیه الله روحی له الفداء می فرمایند: آیتان بین یدی هذا الامر خسوف القمر لخمس و کسوف الشمس لخمس عشرة و لم یکن ذلك منذ هبط آدم عليه السلام الى الارض و عند ذلك يسقط حساب المنجمين. [۱۲۱]. در پیشاپیش ظهور مهدی ما دو نشانه بزرگ دیده می شود: ۱. خسوف ماه در پنجم آن. ۲. کسوف خورشید در پانزدهم ماه. از وقتی که خداوند حضرت آدم را به این دنیا فرستاده چنین واقعه ای رخ نداده است. بنابراین، دیگر اعتباری برای منجمان باقی نخواهد ماند. محمد بن مسلم از حضرت باقر علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند: السفیانی و القائم فی سنة واحدة. [۱۲۲]. سفیانی و قائم ما (علیه السلام) در یک سال قیام می کنند. مسلما سفیانی در همان سال پیش از حضرت ولی عصر علیه السلام خروج می کند. امام پنجم علیه السلام بعد از اشاره به ندای آسمانی و فرورفتن لشکر سفیانی در سرزمین بیداء (نزدیک مکه معظمه) چنین امر می فرمایند: فاسعوا اليه ولو حبا والله كاني انظر اليه بين الركن و المقام بباب الناس. [۱۲۳]. به سوی حضرت بقیه الله بشتابید ولو از طریق خزیدن بر روی سینه باشد. به خدا سوگند، گویی می بینم بین رکن و مقام ایستاده و با مردم بیعت می کنند. از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل می کنند که فرمودند: اذا راء يتم ناراً من المشرق شبه الهردی العظیم تطلع ثلاثة ايام او سبعة فتوقعوا فرج آل محمد صلی الله علیه و آله ان شاء الله عزوجل ان الله عزيز حكيم. ثم قال عليه السلام الصيحة لا يكون الا في شهر رمضان لان شهر رمضان شهر الله و هي صيحة جبرئيل الى هذا الخلق. ثم قال ينادى مناد من السماء باسم القائم عليه السلام فيسمع من المشرق و من المغرب لا يبقى راقدا الا استيقظ ولا قائم الا قعد و لا قاعد الا قام على رجله فزعا من ذلك الصوت فرحم الله من اعتبر بذلك الصوت فاجاب فان الصوت صوت جبرئيل الروح الامين. و قال عليه السلام الصوت في شهر رمضان في ليلة جمعة ليلة ثلاث و عشرين فلا تشكوا في ذلك و اسمعوا و اطيعوا و في آخر النهار صوت ابليس اللعين ينادى الا ان فلانا قتل مظلوما ليشكك الناس و يفتنهم فكم ذلك اليوم من شاك متحير قد هوى في النار فاذا سمعتم الصوت في شهر رمضان فلا تشكوا فيه انه صوت جبرئيل عليه السلام و علامة ذلك انه ينادى باسم القائم و اسم ابيه عليهما السلام حتى تسمعه العذراء في خدرها فتحرض اباها و اخاها على الخروج. قال عليه السلام لا بد من هذين الصوتين قبل خروج القائم صوت من السماء و هو صوت جبرئيل باسم صاحب هذا الامر و اسم ابيه و الصوت الثاني الذي من الارض و هو صوت ابليس اللعين ينادى باسم فلان انه قتل مظلوما يريد بذلك الفتنة فاتبعوا الصوت الاول و اياكم والاخير ان تفتنوا به. [۱۲۴]. هرگاه دیدید که آتشی عظیم از جانب مشرق روشن شد و عمر آن سه روز یا هفت روز ادامه پیدا کرد، منتظر فرج آل محمد باشید (ظهور امام عصر روحی له الفداء)، البته اگر خداوند حکیم و مقتدر بخواهد. صیحه آسمانی حتما در ماه رمضان است، زیرا ماه رمضان ماه خداوند است و این صیحه هم صدای جبرئیل علیه السلام است که از طرف خداوند برای این مردم فرستاده می شود. منادی از آسمان حضرت قائم علیه السلام را به اسم صدا می کند (محمد بن الحسن العسکری). پس هر کسی که در مشرق و مغرب زمین است این صدا را می شنود و به جهت ترسناک بودن این صدا، آن که در خواب است بیدار می شود و هر

که ایستاده است می نشیند و آن کسی که نشسته است برمی خیزد و سرپا می ایستد. خداوند رحمت کند کسی که آن صدا را بشنود و عبرت بگیرد و عملاً این صدا را جواب بگوید (اطاعت کند از حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء). برای اینکه این صدا، صدای جبرئیل روح الامین است (پیام او از سوی خداوند برای جهانیان است). امام علیه السلام می فرماید: صدای آسمانی در شب بیست و سوم ماه رمضان خواهد بود. برای شما تردیدی پیدا نشود، بشنوید و اطاعت کنید و در آخر روز ابلیس ملعون فریاد می زند: ای مردم! آگاه باشید که فلانی مظلوم کشته شده است. برای اینکه مردم در شک بیفتند و گرفتار امتحان بشوند. چه بسا اشخاصی که در آن روز به خاطر شنیدن این صدا سرگردان و در آتش غضب خداوند سرنگون خواهند شد. پس، وقتی که در ماه رمضان صدا را شنیدید (اینکه قائم آل محمد آمد) در آن شک نکنید و بدانید آن، صدای جبرئیل علیه السلام است و علامت حقانیت آن صدا این است که حضرت قائم علیه السلام را به نام پدرش ذکر می کند (یعنی ان شاء الله می گوید محمد بن الحسن العسکری علیهما السلام آمد). این صدا چنان فراگیر است که حتی دختران پرده نشین نیز آن را می شنوند و پدر و برادر خود را ترغیب می کنند که از منزل بیرون بروید (و امام عصر را یاری کنید). امام پنجم علیه السلام می فرماید: دو صدا باید قبل از ظهور شنیده شود: یک صدا از آسمان که صدای جبرئیل است و صاحب این امر را به نام او و نام پدرش معرفی می کند (محمد بن الحسن العسکری علیهما السلام)؛ صدای دوم صدای شیطان است که به نام فلانی است و می گوید او را مظلوم کشتند و می خواهد مردم را گمراه کند. پس، از صدای اول متابعت کنید؛ اما بترسید از اینکه صدای دوم (صدای شیطان) شما را به گمراهی کشاند. زراره می گوید از حضرت باقر علیه السلام پرسیدم: آیا ندای آسمانی حق است؟ فرمودند: ای والله حتی یسمعه کل قوم بلسانهم. [۱۲۵]. آری، به خدا قسم، حق است و به صورتی است که تمام مردم به زبان خودشان این ندا را می شنوند. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمودند: فذكر آيتين قبل القائم لم يكونا منذ هبط آدم عليه السلام ابدا وذلك ان الشمس تنكسف في النصف من شهر رمضان القمر في آخره فقال رجل يا ابن رسول الله لابل الشمس في آخر الشهر والقمر في النصف فقال له ابو جعفر عليه السلام اني لاعلم بما تقول ولكنهما آيتان لم تكونا منذ هبط آدم. [۱۲۶]. در محضر امام باقر علیه السلام بودیم. آن سرور دو علامت پیش از قیام حضرت قائم را ذکر کرده، فرمودند: از وقتی که حضرت آدم علیه السلام به این دنیا آمد این دو آیت بزرگ هرگز دیده نشده است: اول خسوف خورشید است در نیمه ماه رمضان؛ دوم خسوف ماه است در آخر همان ماه رمضان. مردی در مجلس نشسته بود، عرض کرد: ای پسر پیامبر! اینطور نیست بلکه درست برعکس است؛ یعنی خسوف در آخر ماه و خسوف در وسط ماه پدید می آید. امام باقر علیه السلام فرمودند: می دانم شما چه می گویید (از لحاظ برنامه های جاری همین است)، اما من می خواهم بگویم از اول تا قبل از قیام مهدی ما این کار نشده است و اختصاص به پیش از ظهور دارد. ابی الجارود از حضرت باقر علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند: لا ترون الذی تنتظرون حتی تکونوا کالمعزی المواء التي لا یبالی الخابس این یضع یده منها لیس لکم شرف ترقونه ولا سناد تسندون الیه امرکم. [۱۲۷]. آن چیزی را که منتظرش هستید (ظهور حضرت مهدی روحی له الفداء) نمی بینید مگر وضع شما به جایی برسد که مانند گوسفندانی شوید که گرفتار گرگهای درنده شده باشند، در حالی که چوپانی هم نداشته باشید و گرگها از هر جای بدن شما که بخواهند شروع به خوردن می کنند. از سوی دیگر، شرف و موقعیتی هم نداشته باشید که به آن تکیه کنید و نیز اسناد و مدارکی هم در اختیار شما نباشد که استناد به آنها کنید و سرانجام از خودتان دفاع نمایید. جابر از حضرت باقر علیه السلام روایت نموده است که آن حضرت فرمودند: تنزل الرايات السود التي تخرج من خراسان الى الكوفة فاذا ظهر المهدي بعث اليه بالبيعة. [۱۲۸]. پرچمهای سیاه از خراسان به جانب کوفه می آید (کنایه است از قیام جناب حسنی). پس، وقتی که مهدی ما (علیه السلام) ظهور کرد امر به بیعت می کند. بعضی از علائم مانند سفیانی و خروج او از حتمیات است؛ یعنی حتماً باید پیش از ظهور تحقق پیدا کند. لذا در روایت زیر از زراة بن اعین آمده است: کنت عند ابی جعفر علیه السلام فجری ذکر القائم علیه السلام فقلت ارجوا ان یكون عاجلا و لا یكون سفیانی فقا لا والله انه لمن لمحتوم الذی لا بد منه. [۱۲۹]. در خدمت حضرت باقر علیه السلام

بودیم، سخن از حضرت قائم علیه السّلام به میان آمد. عرض کردم: امیدوارم ظهور قائم بسیار نزدیک باشد بدون اینکه نیازی به سفیانی داشته باشد. فرمودند: به خدا نه اینچنین است؛ خروج سفیانی حتما باید پیش از ظهور باشد.

حضرت امام صادق و نشانه های ظهور

ابی بصیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند: لا یخرج القائم علیه السّلام الا فی وتر من السنین سنه احدی او ثلاث او خمس او سبع او تسع. [۱۳۰]. قائم ما قیام نمی کند مگر در سالهای طاق: یک یا سه یا هفت یا نه. محمد بن مسلم می گوید: سمعت ابا عبد الله علیه السّلام یقول ان قدام القائم علیه السّلام بلوی من الله قلت و ما هو جعلت فداک فقراء «ولنبلونکم بشیی من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفوس و الثمرات و بشر الصابین». [۱۳۱]. شنیدم از امام صادق علیه السّلام که فرمودند: پیش از قیام قائم مردم دست به گریبان یک امتحان بزرگ خواهند بود. عرض کردم آن امتحان چیست؟ حضرت آیه بالا را تلاوت فرمودند: «هر آئینه امتحان می کنیم شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کم شدن مال و ثروت و از بین رفتن جانها و میوه ها، و مزده بده به صبر کنندگان (به اینکه مهدی ما قیام می کند)». [۱۳۲]. ابی بصیر نقل می کند که امام صادق علیه السّلام فرمودند: ینادی باسم القائم علیه السّلام فی لیلۃ ثلاث و عشرين و یقوم فی یوم عاشوراء و هو الیوم الذی قتل فیہ الحسین بن علی علیهما السلام لکانی فی یوم السبت العاشر من المحرم قائما بین الرکن و المقام جبرئیل علیه السّلام عن یمینہ ینادی «البیعة لله» فتصیر الیه شیعتہ من اطراف الارض تطوی لهم طیاً حتی یبایعوه فیملأ الله به الارض عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً. [۱۳۳]. در شب بیست و سوم منادی به اسم قائم علیه السّلام ندا می کند. و قیام آن حضرت در روز عاشورا است که حضرت امام حسین علیه السّلام و یارانش را کشتند. گویا می بینم (قائم را) که در روز شنبه دهم محرم (عاشورا) بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل علیه السّلام در طرف راست اوست و ندا می کند که «بیعت برای خدا». شیعیان امام عصر روح له الفداء (شیعیان خاص) از اطراف و اکناف عالم می آیند و زمین زیر پای آنها به سرعت درنوردیده می شود. آنگاه امام زمان دنیا را پر از عدل و داد می کند چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد. در ارتباط با نشانه های ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء ابی بصیر از امام صادق علیه السّلام به چند علامت اشاره می فرماید: ۱. ندای آسمانی در شب بیست و سوم است (ظاهراً بیست و سوم ماه مبارک رمضان). ۲. قیام در روز عاشورا است. ۳. جبرئیل در طرف راست آن حضرت می ایستد و فریاد می زند: «بیعت برای خدا»؛ یعنی بیعت با امام عصر بیعت کردن با خداست. ۴. شیعیان (افراد خاص) با طی الارض خدمتشان می رسند. ۵. زمین پر از عدل و داد می شود. ابی بصیر، یکی از یاران برجسته امام صادق علیه السّلام از آن حضرت نقل می کند که فرمودند: اذا قام القائم علیه السّلام هدم المسجد الحرام حتی یرده الی اساسه و حول المقام الی الموضع الذی کان فیہ و قطع ایدی بنی شیبۀ و علفها علی باب الکعبۀ و کتب علیها «هؤ لاء سراق الکعبۀ». [۱۳۴]. یکی از برنامه های روزهای اول امام عصر علیه السّلام عبارت است از: ۱. مسجد الحرام را ویران می کنند و آن را به صورت اولیه بر می گردانند. ۲. مقام حضرت ابراهیم علیه السّلام را نیز به جای اولش برمی گردانند (جنب خانه کعبه). ۳. دست طایفه بنی شیبۀ را قطع می کنند و آن را بر درب کعبه می آویزند و این عبارت بر دیوار کعبه نوشته می شود: «صاحبان این دستها که از بنی شیبۀ هستند به کعبه معظمه خیانت نمودند» (دزدهای کعبه هستند). ارشاد مفید می گوید: اذا قام القائم علیه السّلام حکم بالعدل و ارتفع فی ایامه الجور و امتت به السبل و اخرجت الارض برکاتها ورد کل حق الی اهله ولم یبق اهل دین حتی یظهروا الاسلام و یعترفوا بالایمان اما سمعت الله سبحانه یقول: «وله اسلم من فی السموات و الارض طوعاً و کرها و الیه یرجعون». وقتی قائم آل محمد علیه السّلام قیام می کند برنامه هایش در چند اصل خلاصه می شود: ۱. حکومت آن حضرت بر اساس عدل واقعی و همه جانبه است. ۲. ظلم و ستم از سرتاسر گیتی برداشته می شود. ۳. امنیت سرتاسر راهها و جاده ها را فرا می گیرد. ۴. زمین برکات خودش را در اختیار مردم می گذارد. ۵. حقوق همه مردم به آنها پس داده می شود (از غاصبان گرفته می شود). ۶. اسلام دین همه جهانیان می

شود و همه مردم به ایمان اعتراف می کنند. آیا شنیده ای که خداوند می فرماید: «آنچه در آسمانها و کرات بی شمار و در زمین است (از وجود مقدس امام عصر علیه السّلام) چه بخواهند و چه نخواهند باید اطاعت کنند»؟ [۱۳۵]. ابوخدیجه از امام صادق علیه السّلام روایت می کند که فرمودند: اذا قام علیه السّلام جاء بامر جدید کما دعی رسول الله صلی الله علیه و آله فی بدوا الاسلام الی امر جدید. [۱۳۶]. هر زمان که قائم ما علیه السّلام قیام کند امر تازه ای (قانون جدیدی) می آورند، چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله در ابتدای اسلام چنین بودند (قرآن را آوردند). خواننده عزیز! معلوم می شود پیش از ظهور، احکام خداوند تغییر می کند؛ یعنی حلال، حرام و حرام، حلال می شود کما اینکه الان در دنیای اسلام شده است. مفضل بن عمر از امام صادق علیه السّلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند: یخرج مع القائم علیه السّلام من ظهر الکوفه سبعة و عشرون رجلا خمسة عشر من قوم موسی علیه السّلام الذین کانوا یتهدون بالحق و به یعدلون و سبعة من اهل الکهف و یوشع بن نون، و سلمان، و ابودجانه الانصاری، و المقداد و مالک الاشر فیکونون بین یدیه انصارا و حکاما. [۱۳۷] در پشت کوفه (سهله) قائم ما بیرون می آید در حالی که بیست و هفت نفر مرد در خدمت او هستند: پانزده نفر از اقوام موسی که به حق گرویدند و بحق عدالت ورزیدند و هفت نفر از اصحاب کهف و یوشع بن نون و سلمان و ابودجانه انصاری و مقداد و مالک اشتر. پس این بیست و هفت تن در خدمت امام زمان علیه السّلام هستند و از یاران و فرمانروایان دولت آن بزرگوارند. عبدالله بن عجلان از امام صادق علیه السّلام روایت می کند که فرمودند: اذا قام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم حکم بین الناس بحکم داود علیه السّلام لایحتاج الی بینة یلهمه الله تعالی فیحکم بعلمه و یخبر کل قوم بما استبطونه و یعرف ولیه من عدوه بالتوسم. قال الله سبحانه و تعالی: «ان فی ذلک لآیات للمتوسمین و انها لبسیل مقیم». [۱۳۸]. قائم ما وقتی قیام می کند، بین مردم همانند حضرت داوود علیه السّلام حکم کند. احتیاج به شاهد و دلیل ندارد، خداوند احکام واقعی را به او الهام می کند. پس، به علم واقعی حکم می کند و از هرچه که مردم در دلهای خود پنهان کرده اند، آن حضرت خبر می دهد، دوستانش را از دشمنانش جدا می کند و می شناسد با فراست و هوشمندی که خداوند در دیدگان مقدسش قرار داده است. خداوند می فرماید: «به راستی در این، نشانه هایی است برای هوشمندان، آنان که در راه راست پایدارند». [۱۳۹]. از امام صادق علیه السّلام ده صفت و نشانه برای امام بیان شده است: العصمة و النصوص و ان یکون اعلم الناس و اتقاهم لله و اعلمهم بکتاب الله و ان یکون صاحب الوصیة الظاهرة و یکون له المعجزة و الدلیل و تنام عینه و لاینام قلبه و لایکون له فیء و یری من خلفه کما یری من بین یدیه. [۱۴۰]. ۱. عصمت از گناه و خلاف اخلاق و دور از حق. ۲. نص بر امامت او از طرف خداوند و پیامبر و امام قبل از او. ۳. باید از همه مردم داناتر باشد. ۴. از نظر تقوا و پرهیزکاری باید بر همه برتری داشته باشد. ۵. به قرآن خداوند و احکام او از همه اعلم باشد (علوم و معارف بیکران قرآن در نزد او باشد). ۶. از طرف امام قبل از او به عنوان وصی از لحاظ ظاهر هم معرفی شده باشد. ۷. دارای معجزه باشد (کارهای خارج از عادت انجام دهد و در مقابل دشمن متکی به دلیل باشد). ۸. چشمش به خواب برود اما قلبش بیدار باشد. ۹. بدن مقدسش هیچگاه سایه ندارد. ۱۰. همان گونه که از پیش رو همه چیز را می بیند از پشت سر نیز ببیند (هیچ عاملی نمی تواند بین او و عالم هستی و موجوداتش مانع گردد). زراره از امام صادق علیه السّلام روایت می کند که: ینادی مناد باسم القائم علیه السّلام قلت خاص او عالم قال عام یسمع کل قوم بلسانهم قلت فمن یخالف القائم علیه السّلام و قد نودی باسمه قال لایدعهم ابلیس حتی ینادی فی آخر اللیل فیشکک الناس. [۱۴۱]. منادی آن حضرت را به نام اصلی از آسمان صدا می کند. زراره می گوید عرض کردم: آیا همه مردم این صدا را می شنوند یا یک دسته خاص؟ فرمودند: همه مردم به زبان خودشان می شنوند. عرض کردم: پس چه کسی با توجه به اینکه به اسم حضرتش ندا داده شده است با ایشان مخالفت می کند؟ فرمود: شیطان هم ندایی سر می دهد که مردم پس از شنیدن آن تردید و تزلزل پیدا می کنند و از شر شیطان در امان نیستند و این موجب شک و تردید مردم می شود. (آری، مکتب آزمایش است. خداوند همه ما را در این آزمایش پیروز فرماید، آمین). ابن مغیره از امام صادق علیه السّلام روایت می کند که فرمودند: الصیحة التي فی شهر رمضان تكون لیلة الجمعة لثلاث و عشرين مضین من

شهر رمضان. [۱۴۲]. صبحه آسمانی که در ماه رمضان واقع می شود حتما در شب جمعه، بیست و سوم آن ماه خواهد بود. از میمون بان نقل شده است که در خیمه اختصاصی حضرت صادق علیه السلام در خدمت آن سرور بودیم. دامن خیمه را بالا زد و فرمود: ان امرنا لو قد كان لكان ابين من هذه الشمس ثم قال ينادى مناد من السماء ان فلان بن فلان هو الامام باسمه و ينادى ابليس من الارض كما نادى برسول الله ليلة العقبه. [۱۴۳] عامر ما (ولایت و امامت) از این آفتاب روشن تر است و منادی از آسمان قائم ما را به نام خودش و پدرش معرفی می کند و شیطان در همان روز فریاد خود را بلند می کند، مانند شب عقبه که صدا بلند کرد (در آن شبی که رسول الله از جنگ تبوک مراجعت می فرمودند و از گردنه گذشتند، شیطان فریادش بلند شد). در روز قیام جهانی حضرت صاحب الامر علیه السلام شیطان برای گمراه کردن مردم فریادش بلند می شود. خواننده عزیز! از خداوند بخواهیم که همه ما را در آن روز پرخطر از پیروان صدای اول قرار بدهد (پیروان حضرت مهدی نه ارتباع شیطان). از امام صادق روایت شده است که فرمود: ليس بين قيام القائم عليه السلام و بين قتل النفس الزكية الا خمس عشرة ليلة. [۱۴۴]. بین قیام حضرت قائم علیه السلام و شهادت نفس زکیه [۱۴۵] بیش از پانزده شب نخواهد بود. امام صادق علیه السلام می فرماید: لا تمضی الايام و الليالي حتى ينادى من السماء يا اهل الحق اعتزلوا يا اهل الباطل اعتزلوا فيعزل هؤلاء من هؤلاء قال قلت اصلحك الله يخالط هؤلاء و هؤلاء بعد ذلك النداء قال كلا انه يقول في الكتاب «ما كان الله ليذر المؤمن علي ما اتمت عليه حتى يميز الخبيث من الطيب». [۱۴۶]. روزها و شبها تمام نمی شود تا اینکه ندا کننده ای از آسمان فریاد بزند: ای اهل حق! (صاحبان تقوا) کنار بروید، ای پیروان باطل! شما نیز از اهل حق جدا شوید. پس، این دو دسته از یکدیگر جدا می شوند. راوی می گوید عرض کردم: خداوند امر شما را اصلاح فرماید، بعد از این ندا آیا این دو دسته (حق و باطل) با یکدیگر مخلوط خواهند شد؟ فرمودند: هرگز مخلوط نشوند. مگر نه اینکه خداوند در قرآنش می فرماید: «خداوند اهل ایمان را با مشرکان و بندگان دنیا مخلوط نخواهد گذاشت. آری، پاکان حتما باید از ناپاکها جدا بشوند» [۱۴۷].؟ حمران که یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام است از آن حضرت نقل می کند که فرمودند: و ذکر هؤلاء عنده و سوء حال الشيعة عندهم فقال اني سرت مع ابي جعفر (المنصور) و هو في موكبه و هو على فرس و بين يديه خيل و من خلفه خيل و انا على حمار الى جانبه فقال لي يا با عبدالله قد كان ينبغي لك ان تفرح بما اعطانا الله من القوة و فتح لنا من العزة و لاتخبر الناس انك احق بهذا الامر منا و اهل بيتك فتغرينا بك و بهم قال فقلت و من رفع هذا اليك عنى فقد كذب فقال اتحلف على ما تقول قال فقلت ان الناس سحره يعنى يجبون ان يفسدوا قلبك على فلا تمكنهم من سمعك فانا اليك احوج منك الينا فقال لي تذكر يوم ساء لتك «هل لنا ملك» فقلت «نعم طويل عريض شديد فلا تزالون في مهلة من امركم و فسحة من دنياكم حتى تصيبوا منا دما حراما في شهر حرام في بلد حرام؟» فعرفت انه حفظ الحديث فقلت لعل الله عزوجل ان يكفيك فاني لم اخصك بهذا انما هو حديث روئيه ثم لعل غيرك من اهل بيتك ان يتولى ذلك فسكت عنى فلما رجعت الى منزلي اتاني بعض موالينا فقال جعلت فداك و الله لقد راءيتك في موكب ابي جعفر و انت على حمار و هو على فرس و قد اشرف عليك يكلمك كانك تحته فقلت بيني و بين نفسي هذا حجة الله على الخلق و صاحب هذا الامر الذي يقتدى به و هذا الاخر يعمل بالجور و يقتل اولاد الانبياء و يسفك الدماء في الارض بما لا يجب الله و هو في موكبه و انت على حمار فدخلني من ذلك شك حتى خفت على ديني و نفسي قال فقلت لوراءيت من كان حولي و بين يدي و من خلفي و عن يميني و عن شمالي من الملائكة لاحترته و احتقرت ما هو فيه فقال الان سكن قلبي ثم قال الى متى هؤلاء يملكون؟ او متى الراحة منهم؟ فقلت اليس تعلم ان لكل شيء مدة قال بلى فقلت هل ينفعك علمك ان هذا الامر اذا جاء كان اسرع من طرفه العين انك لو تعلم ما لهم عندالله عزوجل و كيف هي كنت لهم اشد بعضا ولو جهدت و جهد اهل الارض ان يدخلهم في اشد ما هم فيه من الاثم لم يقدرروا فلا يستفزرك الشيطان فان العزة لله و لرسوله و للمؤمنين ولكن المنافقين لا يعلمون الا تعلم ان من انتظر اءمرنا و صبر على ما يرى من الاذى و الخوف هو غدا في زميرنا فاذا راءيت الحق قد مات و ذهب اهله و راءيت الجور قد شمل البلاد و راءيت القرآن قد خلق و احدث فيه ما ليس فيه و وجه على الاهواء و راءيت الدين قد انكفاء كما ينكفي

الاناء و راءيت اهل الباطل قد استعلوا على اهل الحق و راءيت الشر ظاهرا لا ينهاى عنه و يعذر اصحابه و راءيت الفسق قد ظهر و اكتفى الرجال بالرجال و النساء بالنساء و راءيت المؤمن صامتا لا يقبل قوله و راءيت الفاسق يكذب و لا يرد عليه كذبه و فريته و راءيت الصغير يستحق بالكبير و راءيت الارحام قد و راءيت من يمتدح بالفسق يضحك منه و لا يرد عليه قوله و راءيت الغلام يعطى ما تعطى المرءة و راءيت النساء يتزوجن النساء و راءيت الثناء قد كثر و راءيت الرجل ينفق المال فى غير طاعة الله فلا ينهاى و لا يؤخذ على يديه و راءيت الناظر يتعوذ بالله مما يرى المؤمن من فيه من الاجتهاد و راءيت الجار يؤذى جاره و ليس له مانع و راءيت الكافر فرحا لما يرى فى المؤمن من مرحا لما يرى فى الارض من الفساد و راءيت الخمر تشرب علانية و يجتمع عليها من لا يخاف الله عزوجل و راءيت الامر با المعروف ذليلا و راءيت الفاسق فيما لا يحب الله قويا محمودا و راءيت اصحاب الايات يحقرون و يحتقر من يجهم و راءيت سبيل الخير منقطعاً و سبيل الشر مسلوكا و راءيت بيت الله قد عطل و يؤمر بتركه و راءيت الرجل يقول ما لا يفعله و راءيت الرجال يتسمنون للرجال و النساء للنساء و راءيت الرجل معيشته من دبره و معيشة المرأة من فرجها و راءيت النساء يتخذون المجالس كما يتخذها الرجال و راءيت التاءنيث فى ولد العباس قد ظهر و اظهروا الخضاب و امتشطوا كما تمتشط المرأة لزوجها و اعطوا الرجال الاموال على فروجهم و تنوفس فى الرجل و تغاير عليه الرجال و كان صاحب المال اعز من المؤمن و كان الربا ظاهرا لا يعير و كان الزنا تمتدح به النساء و راءيت المرأة تصانع زوجها على نكاح الرجال و راءيت اكثر الناس و خير بيت من يساعد النساء على فسقهن و راءيت المؤمن من محزون ذليلا محتقرا و راءيت البدع و الزنا قد ظهر و راءيت الناس يعتقدون بشاهد الزور و راءيت الحرام يحلل و راءيت الحلال يحرم و راءيت الدين بالراءى و عطل الكتاب و احكامه و راءيت الليل لا يستخفى به من الجراءة على الله و راءيت المؤمن من لا يتطبع ان ينكر الا بقلبه و راءيت العظيم من المال ينفق فى سخط الله عزوجل و راءيت الولاة يقربون اهل الكفر و يباعدون اهل الخير و راءيت الولاة يرتشون فى الحكم و راءيت الولاة قبالة لمن زاد و راءيت ذوات الارحام ينكحن و يكتفى بهن و راءيت الرجل يقتل على (التهمة و على) الظنة و يتغاير على الرجل الذكر فيبذل له نفسه و ماله و راءيت الرجل يعير على اتيان النساء و راءيت المرأة تقهر زوجها و تعمل ما لا يشتهى و تنفق على زوجها و راءيت الرجل يكرى امراته و جاريتها و يرضى بالذنى من الطعام و الشرب و راءيت الايمان بالله عزوجل كثيرة على الزور و راءيت القمار قد ظهر و راءيت الشرب تباع ظاهرا ليس عليه مانع و راءيت النساء يبذلن انفسهن لاهل الكفر و راءيت الملاهى قد ظهرت يمر بها لا يمنعها احد و لا يجترى احد على منعها و راءيت الشريف يستذله الذى يخاف سلطانه و راءيت اقرب الناس من الولاة من يمتدح بشتما اهل البيت و راءيت من يحبنا يزور و لا يقبل شهادته و راءيت الزور من القول ينافس فيه راءيت القرآن قد ثقل على الناس استماعه و خف على الناس استماع الباطل و راءيت الجار يكرم الجار خوفا من لسانه و راءيت الحدود قد عطلت و عمل فيها بالاهواء و راءيت المساجد قد زخرفت و راءيت اصدق الناس عند الناس المفتري الكذب و راءيت الشر قد ظهر والسى بالنميمة و راءيت البغى قد فشا و راءيت الغيبة تستملح و يبشربها الناس بعضهم بعضا و راءيت طلب الحج و الجهاد لغير الله و راءيت السلطان يذل للكافر المؤمن و راءيت الخراب قد اديل من العمران و راءيت الرجل معيشته من بخس المكيال و الميزان و راءيت سفك الدماء يستخف بها و راءيت الرجل يطلب الرئاسة لعرض الدنيا و يشهر نفسه بخبث اللسان ليتقى و تسند اليه الامور و راءيت الصلوة قد استخف بها و راءيت الرجل عنده المال الكثير لم يركه منذ ملكه و راءيت الميت ينشر من قبره و يؤذى و تباع اكفانه و راءيت الهرج قد كثر و راءيت الرجل يمسى نشوان و يصبح سكران لا يهتم بما يقول الناس فيه و راءيت البهائم تنكح و راءيت البهائم تفرس بعضها بعضا و راءيت الرجل يخرج الى مصلاة و يرجع و ليس عليه شىء من ثيابه و راءيت قلوب الناس قد قست و جمدت اعينهم و ثقل الذكر عليهم و راءيت السحت قد ظهر ينافس فيه و راءيت المصلى انما يصلى ليراه الناس و راءيت الفقيه يتفقه لغير الدين يطلب الدنيا و الرئاسة و راءيت الناس مع من غلب و راءيت طالب الحلال يذم و يعير و طالب الحرام يمدح و يعظم و راءيت الحرميين من يعمل فيهما بما لا يحب الله لا يمنعهم مانع و لا يحول بينهم و بين العمل القبيح احد و راءيت المعازف ظاهرة فى الحرميين و راءيت الرجل يتكلم بشىء من الحق و يامر بالمعروف و ينهى عن المنكر فيقوم اليه من

ینصحه فی نفسه فیقول هذا عنك موضوع و رأیت الناس ینظر بعضهم الی بعض و یقتدون باهل الشرور و رأیت مسلک الخیر و طریقہ خالیاً لایسلکة احد و رأیت المیت یهزه فلا- یقزع له احد و رأیت کل عام یحدث فیہ من البدعة و الشر اکثر مما کان و رأیت الخلق و المجالس لایتابعون الا- الاغنیاء و رأیت المحتاج یعطی علی الضحک به و یرحم لغير وجه الله و رأیت الایات فی السماء لایقزع لها احد و رأیت الناس یتسافدون کم تسافد البهائم لاینکر احد منکرا تخوفا من الناس رأیت الرجل ینفق الكثير فی غیر طاعة الله و ینمع الیسیر فی طاعة الله و رأیت العقوق قد ظهر و استخف بالوالدین و کانا من اسوء الناس حالاً عند الولد و یفرح بان یفتی علیهما و رأیت النساء قد غلبن علی الملک و غلبن کل امر لایؤ تی الا ما لهن فیہ هوی و رأیت ابن الرجل یفتی علی ابیه و یدعو علی والديه و یفرح بموتهما و رأیت الرجل اذا مر به یوم ولم یکسب فیہ الذنب العظیم من فجور او بخس مکیال او میزان او غشیان حرام او شرب مسکر کثیراً حزیناً یحسب ان ذلك الیوم علیه و ضیعة من عمره و رأیت السلطان یحتکر الطعام و رأیت اموال ذوی القربی تقسم فی الزور و یتقامر بها و یشرب بها الخمر و رأیت الخمر یتدوای بها و توصف للمریض و یتشفی بها و رأیت الناس قد استووا فی ترک الامر با المعروف و النهی عن المنکر و ترک التدين به و رأیت ریاح المنافقین و اهل النفاق دائمة و ریاح اهل الحق لا تحرك و رأیت الاذان بالاجر و الصلاة بالاجر و رأیت المساجد محتشیه ممن لایخاف الله مجتمعون فیها للغریبة و اکل لحوم اهل الحق و یتواصفون فیها شراب المسکر و رأیت السکران یصلی بالناس فهو لایعقل و لایشان بالسكر و اذا سکر اکرم و اتقی و خیف و ترک لایعاقب و یعذر بسکره و رأیت من اکل اموال الیتامی یحدث بصلاحة و رأیت القضاء یقضون بخلاف ما امر الله و رأیت الولاء یأتمنون الخونة للطمع و رأیت المیراث قد وضعتہ الولاء لاهل الفسوق و الجراءة علی الله یأخذون منهم و یخلونهم و ما یشتهون و رأیت المنابر یؤ مر علیها بالتقوی و لایعمل القائل بما یامر و رأیت الصلاة قد استخف باوقاتها و رأیت الصدقة بالشفاعة لایرداها وجه الله و تعطی لطلب الناس و رأیت الناس همهم بطونهم و فروجهم لایبالون بما اكلوا و بما نکحوا و رأیت الدنیا مقبلة علیهم و رأیت اعلام الحق قد درست فکن علی حذر و اطلبت من الله عزوجل النجاة و اعلم الناس فی سخط الله عزوجل (و انما یمهلهم لامر یردایهم فکن مترقبا و اجتهد لیراک الله عزوجل) فی خلاف ما هم علیه فان نزل بهم العذاب و کنت فیهم عجلت الی رحمة الله و ان اخرت ابتلوا و کنت قد خرجت مما هم فیہ عجلت الی رحمة الله و ان اخرت ابتلوا و کنت قد خرجت مما هم فیہ من الجراءة علی الله عزوجل و اعلم ان الله لا یضیع اجر المحسنین و ان رحمة الله قریب ما المحسنین. [۱۴۸]. در خدمت آن بزرگوار سخن از موقیت بنی عباس (در امر دنیا) و گرفتاری شیعیان به میان آمد، آن حضرت فرمودند: روزی همراه منصور (خلیفه عباسی) بودم در حالی که او سوار بر اسب بود و از طرفین راست و چپ او لشکریان فراوانی در حرکت بودند و من کنار وی سوار بر الاغی حرکت می کردم. منصور در عین حالی که به شوکت خود مغرور بود به من گفت: یا ابا عبدالله! سزاوار است که شما از قدرت و عزتی که خداوند به ما داده است خوشحال باشید و به مردم نگویید که شما اهل بیت احق و اولی هستید از ما در مورد خلافت، تا مانسبت به شما و دوستانتان بدین بشویم. من به منصور گفتم: آن کسی که این سخن از زبان من به شما گفته است دروغ می گوید. منصور به من گفت: آیا سوگند می خوری که این حرف را نزده ای؟ به او گفتم: مردم دوست می دارند که فساد کنند و قلب شما را از ما پر از کینه سازند؛ به آنها گوش مسپارید. نیاز ما به شما بیش از احتیاج شما به ما است. [۱۴۹] پس منصور به من گفت: به خاطر دارید یک روز از شما سؤال کردم که آیا ما (بنی عباس) به حکومت می رسیم؟ شما گفتید آری، حکومتی بس طولانی و پیوسته؛ شما همواره در وسعت از نظر دنیا و حکومت بر آن هستید تا اینکه دست شما به ریختن خون ما آن هم در ماه حرام آلوده بشود؛ در آن هنگام خداوند خشم می گیرد و سلطنت شما را نابود می کند. متوجه شدم حدیثی را که قبلاً به او گفته بودم حفظ کرده است؛ لذا به او گفتم: شاید خداوند تو را از این بلا حفظ کند و من نگفتم که تو خون ما را می ریزی؛ شاید کسی از خویشانت این کار را بکند. پس ساکت شد. وقتی به منزل برگشتم یکی از دوستان ما به دیدن من آمد و گفت: قربانت گردم، دیدم همراه منصور سوار بر الاغی هستید و او سوار بر اسب است و طوری با شما صحبت می کرد که گویی برتر از شماست. پیش

خودم گفتم این آقا حجت خداوند است و صاحب این امر و این دستگاه و حال آنکه منصور دشمن خداوند است و فرزندان انبیاء را می کشد و خون آنها را می ریزد و برخلاف رضای خداوند عمل می کند و سوار بر مرکب قدرت است و حال آنکه شما سوار بر الاغی هستید. شکی در دلم پیدا شد که چرا باید این طور باشد و ترسیدم که دینم از دستم برود. به آن دوست گفتم: اگر تو می دیدی که در طرف راست و چپ و جلوی رو و پشت سر من افواجی از ملائکه در حرکت هستند هر آینه سطوت و شوکت منصور در نظرت ناچیز می آمد. آن مردی شیعی به من (امام صادق علیه السلام) گفت: اکنون دلم آرام گرفت. آنگاه گفت: یا ابن رسول الله! این حکومت باطل تا کی در دنیا خواهد بود و کی ما از دست این جباران راحت می شویم؟ به او گفتم: آیا نمی دانی که برای هر دولتی مدتی خواهد بود؟ گفت: چرا، می دانم. گفتم: آیا می دانی که این امر (حکومت ما) وقتی بخواهد بیاید زودتر از یک چشم به هم زدن خواهد آمد؟ به آن دوست گفتم: تو اگر آنچه را که خداوند بزرگ برای آنان مهیا کرده است می دانستی (کنایه از عذابهایی که خداوند برای آنها مقرر فرموده است) تعجب نمی کردی. تو و همه مردم اگر بکوشید و تمام قدرتها را روی هم انباشته کنید نمی توانید مانند آن عذابی که خداوند برای آنها خلق فرموده است آماده کنید. مراقب باش شیطان تو را فریب ندهد، زیرا عزت مخصوص خداوند و پیامبران و ایمان آورندگان است (مقصود از مؤمنان در این عبارت، ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین هستند) که البته منافقان این حقیقت را درک نمی کنند. آیا نمی دانی کسی که منتظر امر ما باشد (حکومت ما) و در مقابل اذیتها و ترسها صبر کند، فردا در عالم آخرت با ما نخواهد بود؟ (در اینجا امام علیه السلام نشانه های ظهور را بیان می فرماید: هرگاه دیدی که حق و طرفداران آن از بین رفتند و دیدی که جهان پر از جور و ستم شد و دیدی که چیزهایی که در قرآن نیست به آن نسبت می دهند و چیزهایی به نام قرآن بیان می کنند که در آن نیست و بر طبق هوی و هوس خود توجیه می کنند و دیدی که دین موقعیت خود را از دست داده و دچار انقلاب شده است و دیدی که طرفداران باطل بر پیروان حق برتری یافته اند و دیدی که شر ظاهر شده است و کسی را از آن نهی نمی کنند و مجریان شر را معذور می دارند و دیدی که فسق (فساد اخلاقی) در اجتماعات رواج یافته است و دیدی که مردها به مردها اکتفا می کنند (اشاره به عمل شنیع لواط) و زنها به زنها (اشاره به مساحقه) و دیدی که افراد با ایمان خاموش نشسته اند و اگر حرف بزنند سخن آنها را رد می کنند و دیدی که دروغگو با شناختی که از او دارند در عین حال دروغش را رد نمی کنند و دیدی که افراد کوچک به بزرگترها احترام نمی گذارند و دیدی که مردم قطع رحم می کنند و با افرادی که به گناهان مباهات می ورزند با خنده برخورد می شود و حرف بد آنان را به ایشان بر نمی گردانند و دیدی که پسر بچه ها مانند زنان خود فروشی می کنند و دیدی که عده ای از زنها با زنان ازدواج می کنند و دیدی که تعریف بیجا زیاد می شود و دیدی که مرد اموال خودش را در راه غیر مشروع به مصرف می رساند (قمار، شراب، ربا و...) و کسی او را نهی نمی کند و دیدی که مردم از مشاهده کارهای اهل ایمان به خدا پناه می برند و دیدی همسایه، همسایه خود را اذیت می کند و احدی او را باز نمی دارد (نگارنده سالهای این ابتلاء را داشتم) و دیدی که کفار از رنجی که اهل ایمان به خاطر شیوع فساد در زمین می برند خوشحال هستند و دیدی که علنا شرب خمر می شود و افرادی که از خداوند نمی ترسند مجلس شراب را گرم می کنند و دیدی کسی که امر به معروف می کند (امر به کارهای خوب و مفید) در بین مردم ذلیل و طرفداران فساد اخلاق در جامعه برومند و محترم هستند و دیدی که صاحب آیات (یعنی طرفداران و خوانندگان آیات قرآن و هر کسی که آنها را دوست بدارد) کوچک شمرده می شوند و دیدی که راه خیر منقطع و مسدود و راه بدیها و شرها باز و محل رفت و آمد مردم است و دیدی که زیارت خانه کعبه معطل و متروک مانده است (به خاطر مشکلاتی که در این راه به وجود آمده است) و دیدی که افراد به آنچه می گویند عمل نمی کنند و دیدی که مردها و زنها و دواها و اغذیه ای استعمال می کنند تا برای اعمال قبیحه فربه شوند و دیدی که مردها از راه خود فروشی (لواط) و زنها از راه زنا زندگی خود را تأمین می کنند [۱۵۰] و دیدی که زنان برای خود مجلس و کنفرانس تشکیل می دهند - چنانکه مردها دارای مجالس و محافل سیاسی هستند - و در سیاست اجتماعی دخالت می کنند و دیدی که از فرزندان عباس افرادی

خود را مانند زنان می آرایند و اموال خود را در این راه صرف می کنند برای پیاده کردن برنامه های جنسی اعم از مرد یا زن، در این دوره از زمان صاحب مال در میان مردم از صاحب ایمان عزیزتر است و آشکارا رباخواری می شود و کسی سرزنش نمی کند و دیدی که زنان به عمل بد زنا ستوده می شوند و دیدی که زنان به شوهران خود رشوه می دهند تا بتوانند با مردان دیگر رابطه داشته باشند و دیدی که اکثر مردم و بهترین خانه ها آن خانه ای است که زنان را در فسق و گناهانشان کمک کنند و دیدی که مؤمن در اجتماع خوار و ذلیل زندگی می کند و دیدی که بدعت و زنا شیوع یافته است و دیدی که مردم به وسیله شهادت ناحق به یکدیگر تعدی می کنند و دیدی که مردم فعل حرام را حلال و حلال را حرام می شمارند (تغییر احکام) و دیدی که مردم دین را با راء خودشان تطبیق می دهند و قرآن و احکام آن معطل مانده است و دیدی که برای انجام کارهای بد مردم انتظار شب را نمی کشند بلکه در روز انجام می دهند و دیدی که اهل ایمان در مقابل منکرات جز با قلبشان، توان انکار ندارند و دیدی که بخش عظیمی از مال صرف در غضب خدا می شود (مانند پولهای کلانی که خرج خرید اسلحه می شود و افراد مسلمان و غیر مسلمان را آتش می زنند و نابود می کنند) و دیدی که فرمانروایان به دشمنان خدا و کفار تقرب می یابند (مانند فرستادن هیئت‌های به اصطلاح حسن نیت، بستن قراردادهای مختلف، دیدارهای سیاسی از کشورهای غیر مسلمان) و دیدی که زمامداران از اهل خیر دوری می جویند و دیدی که فرمانروایان در حکم دادن رشوه می گیرند و دیدی که به دست آوردن حکومت با پول انجام می شود و دیدی که با محارم خود ازدواج می کنند و به آنها اکتفا می کنند و دیدی که به مجرد تهمت و سوءظن افراد را می کشند (بدون تحقیق و بررسی) و ناگهان هجوم می آورند و مال و جان او را تصاحب می کنند (ممکن است در راه طغیان شهوت باشد که زنان هر جایی همه چیز مردها را می برند یا به وسیله حکام جور اموال مردم مصادره می شود و جانشان هم به مخاطره می افتد) یا اینکه در راه رسیدن به پسر بچه ها برای کار زشت از مال و جان می گذرند و دیدی که مردها را به خاطر تماس و آمیزش با زنان سرزنش می کنند و دیدی که بعضی از مردها از درآمد زنان خود در ارتباط با بی بند و باری و فجور امرار معاش می کنند در حالی که می دانند زن آنها فاسد است و به این وضع تن می دهند. و دیدی که زنان بر مردان غالب می شوند و برخلاف رضای شوهر عمل می کنند و مردشان را از نظر زندگی اداره می کنند و دیدی که بعضی از مردها زنان و کنیزان خود را در اختیار اشخاص قرار می دهند و در مقابل به مختصری از خوراکیها و آشامیدنیها قناعت می ورزند و دیدی که ایمان به خداوند بزرگ (اظهار ایمان) با زور و جبر انجام می شود (یا از طرف اولیاء یا زمامداران) و دیدی که مردم علنا قمار می کنند و دیدی که علنا شراب خرید و فروش می شود و هیچ مانعی هم بر سر راه آن نیست و دیدی که زنان مسلمان خودشان را در اختیار کفار قرار می دهند و دیدی که گناهان در اجتماع آشکار می شود و مردم آنها را می بینند و کسی هم منع نمی کند و جرات بر منع آنها در مردم نیست و دیدی که افراد با شخصیت ذلیل صاحبان قدرت می شوند و دیدی که نزدیکترین افراد به زمامداران آنها بی هستند که نسبت به ما اهل بیت بدگویی می کنند (یا به زبان و یا در عمل) و دیدی افرادی که نسبت به ما اظهار محبت می کنند مورد احترام نیستند و حرف آنها را نمی پذیرند و دیدی که مردم در گفتار خلاف حق با هم رقابت می کنند و دیدی که شنیدن آیات کریمه قرآن برای مردم سنگین اما شنیدن ساز و آواز آسان و شیرین است و دیدی که به خاطر زبان بد همسایه، همسایه دیگر او را اکرام می کند و دیدی که حدود الهی معطل مانده است و مردم آنها را طبق هوای نفسشان پیاده می کنند و دیدی که مساجد زینت داده می شود (از نظر ساختمان و رنگ آمیزی) و دیدی که راستگوترین مردم دروغگوترین افراد است (از نظر واقع) و دیدی که شر و سخن چینی در میان مردم ظاهر گشته است و دیدی که ستمگری در میان مردم شیوع یافته است و دیدی که غیبت کردن را سخنی خوشمزه و دلچسب می دانند و یکدیگر را به غیبت کردن بشارت می دهند و دیدی حج خانه خدا و جهاد را برای غیر رضای خدا انجام می دهند و دیدی که پادشاهان به خاطر دلجویی از کفار اهل ایمان را ذلیل می کنند و دیدی که خرابی بر عمران و آبادانی فزونی یافته است (اثر شوم جنگها) و دیدی که مردم روزی خود را با کم فروشی به دست می آورند و دیدی که خونریزی در جامعه سبک شمرده می شود و

دیدید که مرد به خاطر رسیدن به ریاست دنیا بدزبانی می‌کند و خود را به بد زبانی مشهور می‌سازد تا مردم از او بترسند و دیدید که مردم نماز را سبک می‌شمارند (هر وقت که شد یا آخر وقت می‌خوانند) و دیدید کسی که دارای اموال فراوان است از اول زکات آن را نداده است و دیدید که نبش قبر می‌کنند و کفن مردگان را می‌فروشنند و دیدید که هرج و مرج زیاد می‌شود (امنیت از مردم گرفته می‌شود) و دیدید که مردم شبانه سر سفره شراب می‌نشینند و صبح مست بر می‌خیزند و به فکر مردم نیستند و دیدید که با حیوانات معامله جنسی انجام می‌دهند (با آنها آمیزش می‌کنند) و دیدید که حیوانات بعضی، بعضی دیگر را می‌درند و دیدید که مردی برای نماز می‌رود و در برگشتن لباس ندارد (لباس او را می‌برند) و دیدید که قلبهای مردم سخت شده است و اشکشان جاری نمی‌شود (و یاد خدا بر آنها گران می‌آید) و دیدید که مردم در خوردن مال حرام با یکدیگر رقابت می‌کنند و دیدید که نمازگزار برای خوش آیند و خودنمایی به مردم نماز می‌خواند و دیدید که فقیه احکام دین را برای رسیدن به دنیا می‌آموزد (نه خدا) و دیدید که مردم طرفدار آن کسی هستند که قدرت در دست اوست و دیدید که طالب مال حلال را سرزنش و دوستدار حرام را تمجید و تکریم می‌کنند و دیدید در حرمین (مکه و مدینه) کارهای خلاف انجام می‌دهند و کسی جلوی آنها را نمی‌گیرد و دیدن آلات لهو و لعب را در حرمین به طور آشکار (مانند ساز و آواز، قمار و انواع گناهان دیگر) و دیدید به کسانی که حق را می‌گویند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، به عنوان نصیحت گفته می‌شود این موضوع به شما مربوط نیست و بهتر است دست بردارید و دیدید که مردم با هماهنگی یکدیگر به مردم بد اقتدا می‌کنند (یا پیروی) و دیدید که راه خیر و سعادت خالی مانده است و کسی بدان راه نمی‌رود و دیدید که مردگان را به مسخره می‌گیرند و زندگی ابدی ندارند (از خدا) و دیدید که هر سال بدعتها و فتنه های تازه به وجود می‌آید که بدتر از سال قبل است و دیدید که در میان مردم و در محافل عمومی تنها نسبت به اغنیا احترام می‌شود و دیدید که در مقابل فقیر و کمک به او مردم می‌خندند و برای غیر خدا به او رحم می‌کنند و دیدید که مردم از آیات و نشانه های آسمانی وحشت و ترسی ندارند (مانند سرخی در آسمان و ستاره دنباله دار در همین سال اخیر) و دیدید که مردم مانند بهائم سوار یکدیگر می‌شوند و کسی آنها را سرزنش نمی‌کند و دیدید که مردم در راه غیر رضای خداوند انفاق زیاد و در راه خدا انفاق کم می‌کنند و دیدید که فرزندان احترام پدر و مادر به جای نمی‌آورند و آنها را حقیر می‌شمارند و بدترین حالات را پدر و مادر دارند (نزد فرزندان) و از افترا زدن به پدر و مادر خوشحال می‌شوند (پسران و دختران) و دیدید که زنها بر کشورها و بر تمام امور غلبه می‌یابند (نخست وزیر می‌شوند، پادشاه می‌شوند، وکیل مجلس می‌شوند) و کارها بدون رضا و هوس زنان انجام نمی‌گیرد و دیدید که پسر به پدرش افترا می‌زند و به پدر و مادر نفرین می‌کند و انتظار مرگ آنها را می‌کشد و از این بابت خوشحال است (برای تقسیم ارث و غیره) و دیدید در هر روزی که بر مرد بگذرد و در آن روز مرتکب معصیتی مانند خوردن حرام و شرب مسکرات یا کم فروشی یا غش در معامله نشود، آن روز برای او روز سختی خواهد بود و دیدید که پادشاهان مواد غذایی را در اختیار خود قرار می‌دهند و دیدید که خمس آل محمد (سهم امام و سهم سادات) در راه باطل تقسیم می‌شود و با آن می‌خوارگی می‌کنند و دیدید که شراب را وسیله درمان امراض قرار می‌دهند (بعضی از پزشکان گاه به بیماران خود توصیه می‌کنند که برای شفای پاره ای امراض از شراب استفاده کنند) و دیدید که همه مردم در ترک امر به معروف و نهی از منکر هماهنگی پیدا کرده اند و دیدید که پرچم نفاق و منافقان به اهتزاز در آمده است اما از حق خبری نیست و دیدید که مؤذن برای اذان و نمازگزار (نماز استیجاری) برای نماز خواندن مطالبه پول می‌کنند (یا نماز میت و امثال آن) و دیدید که مساجد محل اجتماع، اما بیشتر برنامه های غیبت و خوردن گوشت مردم است و در مساجد وصف شراب و شرابخوار را می‌کنند و دیدید که آدم مست برای مردم نماز می‌خواند (پیش نماز می‌شود) و هرگاه مشروب خورد مردم او را احترام می‌کنند و دیدید که اموال یتیم را می‌خورند ولی به صلاح و نیکی هم معروف هستند و دیدید که قضات بر خلاف آنچه خداوند فرموده است قضاوت می‌کنند و دیدید که زمامداران به جهت طمع، خیانتکاران را امین خویش قرار می‌دهند و دیدید که حکام اجتماع، میراث را به دست اهل فسق و

فجور می دهند و آنها بر خدا جرات پیدا می کنند و از این اموال می خورند و به هر نحو که بخواهند با آن عمل می کنند و دیدی که بر سر منبرها امر به تقوا می کنند اما گوینده خود به آن عمل نمی کند و دیدی که مردم نماز را در وقت خودش نمی خوانند و آن را سبک می شمارند و دیدی که زکات و صدقات دیگر را به وساطت افراد می دهند اما برای خدا نیست و قصد تقرب به خداوند را ندارند و دیدی که هم و هدف مردم پر کردن شکم و ارضای غرایز جنسی است و از هر راهی باشد مانعی ندارد و دیدی که دنیا رو به آنها آورده و دیدی که نشانه های حق و درستی کهنه شده است، - ای حمران! - پس بر حذر باش و از پیشگاه خداوند بزرگ تقاضای رهایی کن و بدان که مردم گرفتار خشم خداوند هستند و به آنها مهلت داده شده در مقابل اوامری که به آنها شده است. پس، مواظب خویشتن باش و کوشش کن تا خداوند تو را برخلاف آنها ببیند و اگر در میان آنها باشی و عذاب خداوند نازل شود همانا به سوی رحمت و اسعه الهی شتافته ای و اگر از آنها جدا شدی آنها گرفتار هستند و تو از جرات بر خداوند در امان مانده ای. و بدان که خداوند پاداش نیکوکاران را می دهد و همانا رحمت خداوند نزدیک به نیکوکاران است. مفضل بن عمر از اصحاب حضرت صادق علیه السلام، از محل و کیفیت ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء و نشانه های آن سؤال کرد، می گوید: یا سیدی فمن این یظهر و کیف یظهر قال یا مفضل یظهر وحده و یاءتی البیت وحده و یلج الکعبه وحده و یجن علیه اللیل وحده فاذا نامت العیون و غسق اللیل نزل الیه جبرئیل و میکائیل علیهما السلام و الملكة صفوفا فیقول له جبرئیل یا سیدی قولک مقبول و امرک جائز فیمسح علیه السلام یده علی وجهه و یقول «الحمد لله الذی صدقنا وعده و اورثنا الارض نتبوا من الجنة حیث نشاء فنعم اجر العاملین». و یقف بین الرکن و المقام فیصرخ صرخة فیقول یا معشر نقبائی و اهل خاصتی و من ذخرهم الله لنصرتی قبل ظهوری علی وجه الارض اثتونی طائعین فترد صیحته علیه السلام علیهم و هم علی محاریبهم و علی فرشهم فی شرق الارض و غربها فیسמעونه فی صیحة واحدة فی اذن کل رجل فیجیئون نحوها و لایمضی لهم الا کلمحة بصر حتی یکون کلهم بین یدیه علیه السلام بین الرکن و المقام فیاءمر الله عزوجل النور فیصیر عمودا من الارض الی السماء فیستضی به کل مؤ من علی وجه الارض و یدخل علیه نور من جوف بینه فتفرح نفوس المؤمنین بذالك النور و هم لایعلمون بظهور قائمنا اهل البیت علیه و علیهم السلام ثم یصبحون وقوفا بین یدیه و هم ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلا بعدة اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله یوم بدر. [۱۵۱]. ای مولای عزیزم! محل ظهور مهدی شما کجاست و چگونه ظاهر می شود؟ فرمودند: به تنهایی ظاهر می شود، به تنهایی وارد مسجد الحرام می شود، به تنهایی دست به دامن کعبه می زند، شب را به تنهایی در کنار بیت بسر می برد. چون مردم به خواب روند و شب فرا رسد جبرئیل و میکائیل و صفوف فرشتگان بر او وارد شوند. جبرئیل به آن حضرت عرض می کند که ای آقای من! گفتارت مقبول و فرمانت مطاع است. پس، آن حضرت دست بر چهره اش کشیده، می فرماید: «ستایش خداوندی را که وعده لطف و رحمتش را بر ما محقق فرمود و ما را وارث همه سرزمین بهشت گردانید تا هر جای آن که بخواهیم، منزل کنیم، زیرا آن روز پاداش نیکوکاران بسیار نیکو خواهد بود». [۱۵۲] آنگاه امام بین رکن و مقام می ایستد و فریاد می زند: ای یاران مخصوص من و ای کسانی که خداوند شما را برای نصرت و یاری من بر روی زمین ذخیره کرده است! با حالت اطاعت نزد من حاضر شوید. صیحه و فریاد امام در شرق و غرب به گوش آنها می رسد و آن صدای ملکوتی را می شنوند و به طرف امام حرکت می کنند و در چشم به هم زدنی بین رکن و مقام نزد امام حاضر می گردند. در این حال، خداوند متعال به نور امر می کند که به صورت عمودی از زمین تا آسمان بر آید و تمام ساکنان روی زمین را از پرتو خود روشن سازد. مؤ منان را این نور به شادی و سرور و امید می دارد، زیرا از قیام قائم ما اهل بیت خبر ندارند، اما چون صبح شود آنها در محضر مقدس و در فرمان امام علیه السلام قرار می گیرند و تعداد آنها سیصد و سیزده نفر - به عدد اصحاب پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در روز جنگ بدر - است. عمر بن حنظله از امام ششم علیه السلام روایت می کند که فرمودند: خمس قبل قیام القائم من العلامات الصیحة و السفیانی و الخسف بالیداء و خروج الیمانی و قتل النفس الزکیة. [۱۵۳]. پیش از ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) پنج نشانه تحقق پیدا می کند: ۱. صیحه آسمانی. ۲. خروج سفیانی. ۳. فرورفتگی در

بیداء (زمینی است نزدیک مکه منوره) ۴. خروج یمانی ۵. کشته شدن نفس زکیه فضل بن شاذان از ابی بصیر نموده است که او گفت: قال ابو عبدالله عليه السلام ان القائم صلوات الله عليه ينادي اسمه ليلة ثلاث و عشرين و يقوم يوم عاشورا يوم قتل فيه الحسين بن علي عليه السلام. [۱۵۴]. حضرت صادق عليه السلام فرمودند که قائم آل محمد صلوات الله عليه در شب بیست و سوم ماه رمضان با ندای آسمانی معرفی می شود و روز عاشورا قیام می کند و آن روزی است که امام حسین علیه السلام را شهید کردند. یعقوب سراج به امام صادق علیه السلام عرض می کند: متی فرج شیعتکم؟ فقال: اذا اختلف ولد العباس و وهی سلطانهم و طمع فيهم من لم يكن يطعم و خلعت العرب اعنتها و رفع كل ذی صیصیه صیصيته و ظهر السفیانی و اقبل الیمانی و تحرك الحسنى خرج صاحب هذا الامر من المدينة الى مكة بتراث رسول الله صلى الله عليه و آله قلت و ما تراث رسول الله صلى الله عليه و آله؟ فقال سيفه و درعه و عمامته و برده و رايته و قضيبه و فرسه و لامته و سرجه. [۱۵۵]. عرض کردم: یا ابن رسول الله! فرج شیعیان شما کی خواهد بود؟ فرمودند: وقتی که اولاد عباس در حکومت با هم اختلاف پیدا نمایند و افرادی طمع ریاست را پیدا کنند که نباید بکنند (شایستگی اجتماعی نداشتن) و عرب کیان خود را از دست بدهد، سفیانی خروج می کند و یمانی قیام می نماید و حسنی (منظور جناب سید حسنی است از خراسان) حرکت می کند. در این هنگام، صاحب این امر (امر ولایت) از مدینه به سمت مکه معظمه حرکت می کند در حالی که «تراث» رسول خدا صلی الله علیه و آله را همراه دارد. می گوید عرض کردم: «تراث» چیست؟ فرمودند: شمشیر، زره و عمامه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و برد آن حضرت و پرچم او و عصای آن سرور و اسب سواری با آلات جنگی و همه وسایل نبرد که جدش خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله داشتند، امام عصر ارواحنا له الفداء همه این موارد را همراه دارد. ابی بصیر از حضرت صادق علیه السلام خبر می دهد که آن حضرت فرمودند: علامه خروج المهدي كسوف الشمس في شهر رمضان في ثلاث عشرة و اربع عشرة منه. [۱۵۶]. نشانه ظهور مهدی (علیه السلام) کسوف خورشید در ماه مبارک رمضان است و وقت کسوف سیزدهم یا چهاردهم ماه رمضان خواهد بود. زراره از امام صادق علیه السلام درباره حق بودن صیحه آسمانی می پرسد، آن حضرت می فرماید: ای والله حتی یسمعه كل قوم بلسانهم. [۱۵۷]. آری، به خدا سوگند حق است و تمام مردم به زبان مخصوص خودشان این صدا را می شنوند. هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام حدیث می کند که فرمودند: ما يكون هذا الامر حتى لا یقی صنف من الناس الا وقد لولا علی الناس حتى لا یقول قائل «انا لو ولینا لعدلنا» ثم یقوم القائم بالحق و العدل. [۱۵۸]. امر قیام مهدی ما محقق نخواهد شد مگر اینکه تمام اصناف مردم به حکومت برسند تا نتوانند بگویند اگر حکومت به دست ما داده می شد عدالت و حق را اجرا می کردیم. بعد از رسیدن همه طبقات به حکومت آنگاه مهدی ما ظاهر می شود و حق و عدالت را اجرا می کند. موضوع امتحان و آزمایش شدن همه طبقات یکی از مقدمات و نشانه های قیام جهانی حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء است. لذا امام صادق علیه السلام در این روایت به منصور می فرماید: قال ابو عبدالله عليه السلام یا منصور ان هذا الامر لایاء تیکم الا بعد (۱) یاءس لا والله لا- یاء تیکم حتی تمیزوا لا والله لایاء تیکم حتی تمحصوا ولا والله لایاء تیکم حتی یشقی من شقی و یسعد من سعد. [۱۵۹]. امر ولایت و حکومت ما آل محمد محقق نخواهد شد مگر بعد از اینکه آزمایشهایی به عمل آید: ۱. به خدا سوگند، مهدی ما قیام نمی کند مگر بعد از مایوس شدن همه از وجود مقدسش (آری، می گویند اگر بود، می آمد؛ پس چرا اینقدر طول کشیده است؟) ۲. نه به خدا سوگند نمی آید مگر اینکه افراد از یکدیگر امتیاز پیدا کنند (خوبان از بدان مشخص شوند). ۳. نه به خدا سوگند، قائم ما ظاهر نمی شود تا اینکه همه شناخته بشوند (از نظر دینی و ولایت). ۴. نه به خدا سوگند، آنگاه موعود اسلام ظهور می کند که افرادی که باید سعادت مند بشوند، به اختیار خودشان راه سعادت را برگزینند و آنهایی که دارای خبث باطن و سوء سریره هستند به اختیار خودشان راه شقاوت را در پیش گیرند. آری، همه مردم باید قبل از حکومت جهانی سرور عالم حضرت مهدی ارواحنا له الفداء امتحان بشوند. سعادت مند آن افرادی هستند که در این آزمایش با معدلی خوب قبول می شوند. از حضرت صادق علیه السلام حدیث کرده اند که آن امام عزیز فرمودند: ان الله مائدة بقریسا یطلع مطلع من السماء فینادی یا طیر السماء یا سباع الارض هلموا الی

الشیع من لحوم الجباین. [۱۶۰]. از سوی خداوند متعال سفره ای گسترده می شود، گوینده ای از آسمان فریاد می زند: ای پرندگان آسمان و ای درندگان روی زمین! بیاید و شکم را از گوشت ستمگران و جباران عالم سیر کنید. خواننده عزیز! این بیان کنایه است از اینکه دیگر عمر ستمگران خاتمه یافته و امنیت و رفاه در زندگی برای همه موجودات آماده است. امام صادق علیه السلام درباره آینده عرب چنین اعلام خطر فرموده اند: ویل لطفاء العرب من شر قد اقترب قلت کم مع القائم من العرب قال شیء یسیر و عن غیبه النعمانی انه لایخرج مع القائم من العرب احد. [۱۶۱]. وای بر سرکشان عرب از شری که نزدیک شده است. راوی می گوید عرض کردم: از اصحاب حضرت قائم چند نفر عرب هستند؟ فرمودند: ناچیز (بسیار کم). اما «غیبت نعمانی» می گوید از عرب در خدمت حضرت قائم کسی نیست. (منظور اصحاب خاص هستند). بنابراین نقل «الزام الناصب»، امام صادق علیه السلام در باب علائم قبل از ظهور امام عصر روحی له الفداء چنین فرمودند: لایخرج القائم عجل الله تعالی فرجه من مکة حتی یکون مثل الحلقة قلت و کم الحلقة قال عشرة آلاف جبرئیل عن یمینه و میکائیل عن یساره ثم یهز الراية المغلبة و یسیر بها فلا یبقی احد فی المشرق و لا فی المغرب الا بلغها و هی رایة رسول الله صلی الله علیه و آله نزل بها جبرئیل یوم بدر ثم لفها و دفعها الی علی علیه السلام حتی اذا کان یوم البصرة فنشرها امیر المؤمنین علیه السلام ففتح الله علیه ثم لفها ففی عندنا لاینشرها احد حتی یقوم القائم فاذا هو قام فنشرها لم یبق بین المشرق و المغرب الا بلغها و یسیر الرعب قدامها شهرا و عن یمینها شهرا و عن یسارها شهرا ثم قال یا محمد (صلی الله علیه و آله) انه یرجى موتورا غضبان اسفا لغضب الله علی هذا الخلق علیه قمیص رسول الله الذی کان علیه یوم احد و عمامة السحاب و درع رسول الله السابعة و سیف رسول الله ذوالفقار یجرد السیف علی عاتقه ثمانیة اشهر هر جا فبیدا بنی شیبۀ فیقطع ایدیهم و یعلقها فی الکعبه و ینادی منادیه هؤ لاء سراق الله ثم یتناول المفقودین عن فرشهم و هو قول الله عزوجل «اینما تكونوا یاءت بکم الله جمیعا». [۱۶۲]. مهدی ما عجل الله تعالی فرجه از مکه خارج نمی شود تا اینکه دارای حلقه باشد. راوی می گوید عرض کردم: میزان حلقه چیست؟ فرمودند: یک سپاه ده هزار نفری در حالی که جبرئیل علیه السلام در طرف راست و میکائیل در طرف چپ آن حضرت در حرکت اند و پرچم رسول اکرم صلی الله علیه و آله را به اهتزاز در می آورند و تمام مردم مشرق و مغرب از خبر قیام و به اهتزاز در آمدن آن آگاه می شوند و این پرچم مخصوص رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که در روز بدر جبرئیل آن را از آسمان آورد. آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله آن پرچم را پیچید و به علی علیه السلام داد تا اینکه جنگ بصره پیش آمد و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پرچم را به اهتزاز در آورد و خداوند آن پیروزی درخشان را نصیبش فرمود و بعد از فتح بصره حضرت امام امیر المؤمنین علیه السلام آن پرچم را پیچیدند و الان در نزد ماست. و هیچ کس آن پرچم را نمی گشاید و به دست نمی گیرد مگر اینکه قائم ما قیام کند و آن را به اهتزاز در آورد و این پرچم و خبر برافراشته شدنش به شرق و غرب عالم می رسد و جهان را در سیطره خود قرار می دهد و از آن طرف در پیشاپیش آن به اندازه یک ماه مسافت و نیز از طرف راست و چپ آن موجی از خوف و ترس راه می افتد (البته دل‌های مردم را پر می کند) و قلبها را مسخر می نماید. او ناراحت و غضبناک ظاهر می شود و برای این مردم که گرفتار غضب خداوند شده اند متأسف است، در حالی که پیراهن رسول اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ احد و نیز عمامه مخصوص و زره آن حضرت را پوشیده و شمشیر جدش (ذوالفقار) را به دست گرفته است و این شمشیر را از غلاف بیرون می کشد و هشت ماه آن را به زمین نمی گذارد. ابتدا بنی شیبۀ را از بین می برد و دستهای آنها را قطع می کند و به دیوار کعبه می آویزد و از طرف حضرت بقیۀ الله روحی له الفداء منادی ندا می کند که اینها دزدان دین خدا و حرم خدا هستند. سپس سیصد و سیزده تن یاران مخصوص شرفیاب می شوند که خداوند درباره شان فرموده است: «همه شما را خداوند خواهد آورد». [۱۶۳]. امام صادق علیه السلام درباره جهانگیری حضرت ولی عصر و یاران عزیزش برنامه جالبی در این حدیث فرموده اند که شرح آن را به نظر خوانندگان عزیز می رسانیم تا مشکل بی اساس به نظر بعضیها در ارتباط با اینکه چگونه حکومت واحد جهانی به وجود می آید، حل بشود. امام صادق علیه السلام در این حدیث می فرماید: اذا قام القائم عجل الله تعالی فرجه بعث فی اقالیم الارض فی کل اقلیم

رجلا- يقول عهدك في كفك فاذا ورد عليك ما لانفهمه و لانعرف القضاء فيه فانظر الي كفك و اعمل بما فيها قال و بيعت جندا الى القسطنطينية فاذا بلغوا الى الخليج كتبوا على اقدامهم شيئا و مشوا على الماء فاذا نظر اليهم الروم يمشون على الماء قالوا هؤلاء اصحابه يمشون على الماء فكيف هو فعند ذلك يفتحون لهم ابواب المدينة فيدخلونها فيحكمون فيها ما يريدون. [۱۶۴]. وقتی قائم ما عجل الله تعالى فرجه قيام کند و جهان را مسخر اراده و حکومت خود قرار دهد، در هر قسمتی و قاره ای از دنیا کسی را به عنوان نمایندگی از طرف خودش معین می فرماید و فرمان کارش را به این مضمون صادر می کند: برنامه قضایی تو در کف دست تو است. پس، هرگاه مشکلی پیش آید که حکم خداوند را در آن امر نمی دانی به کف دستت نظر کن و آنچه را در کف دستت دیدی همان تکلیف تو است و به آن عمل کن. امام صادق علیه السّلام می فرماید: آنگاه حضرت قائم لشکری به قسطنطنیه می فرستد و وقتی که به دریا رسیدند عبارتی به کف پاهای خود می نویسند و روی آب راه می روند. مردم می گویند: اینها که اصحاب حضرت قائم هستند و روی آب راه می روند پس خود آن حضرت چه خواهد کرد. در این موقع چون شکست خود را قطعی می بینند دروازه های شهر را به روی آنها می گشایند. پس، آنها فرمانروایی را به دست می گیرند و هر فرمانی بخواهند صادر می کنند (این است معنی ولایت تکوینی و تشریحی). از امام صادق علیه السّلام در رابطه به صیحه آسمانی حدیث می کنند که فرمودند: انه قال العام الذي فيه الصيحة قبله الاية في رجب قلت و ما هي قال وجه يطلع في القمر و يد بارزة. [۱۶۵]. پیش از آن سالی که ندای آسمانی بلند می شود در ماه مبارک رجب نشانه دیگری باید دیده شود. عرض کردم: آن چیست؟ فرمودند: صورتی در ماه پیدا می شود و دستی ظاهر می گردد که همه آن را می بینند. امام صادق علیه السّلام در مقام بیان موارث انبیاء این طور فرموده اند: الواح موسى عندنا و عصا موسى عندنا و نحن ورثة النبيين. [۱۶۶]. الواحی که خداوند به حضرت موسی علیه السّلام نازل فرموده نزد ماست (وظایف و تکالیف آسمانی از طرف خداوند) و نیز عصای حضرت موسی علیه السّلام که به وسیله دشمنان خداوند را به خاک مذلت می انداخت در نزد ما آل محمد است. بنابراین، ما خاندان رسالت وارث همه پیامبران هستیم. خواننده عزیز! اکنون آن الواح و عصای حضرت موسی علیه السّلام به دست وجود مقدسش حضرت بقیه الله روحی له الفداء است - اللهم عجل فرجه - امام صادق علیه السّلام درباره ساعت اول تشریف حضرت بقیه الله روحی له الفداء به مسجد الحرام می فرماید: و الله لكاءني انظر اليه دخل مكة و عليه بردة رسول الله و على رءسه عمامة صفراء و في رجله نعل رسول الله المخصوفة و في يده هراوته يسوق بين يديه اعززا عجافا حتى يصل بها نحو البيت ليس ثم احد يعرفه. و يصبح الناس في مكة فيقولون من هذا الرجل الذي بجانب الكعبة و ما هذا الخلق الذي معه هذه الاية التي رآيناها الليلة ولم نر مثلها؟ فيقول بعضهم لبعض هذا صاحب العيزات. [۱۶۷]. به خدا سوگند، گویی با این چشم او را می بینم که داخل مکه شده است، در حالی که برد رسول اکرم صلی الله علیه و آله را به تن کرده و عمامه زرد بر سر دارد و نعلین مخصوص رسول الله صلی الله علیه و آله را به پا کرده و نیزه آن حضرت را در دست دارد. در جلوی او تعدادی بزهای لاغر در حرکت اند و آنها را به سوی کعبه سوق می دهد در حالی که کسی آن حضرت را نمی شناسد. مردم مکه صبحگاهان که برمی خیزند به یکدیگر می گویند: این مردی که در اطراف کعبه است، کیست؟ این افرادی که اطراف او را گرفته اند چه کسانی هستند؟ نشانه هایی ملاحظه کردیم که نظیرش را ندیده بودیم. اینها چیست و از کجاست؟ بعضی مردم به بعضی دیگر می گویند: این آقا صاحب بزهاست که دیروز وارد مکه معظمه شد. امام صادق علیه السّلام می فرماید: بخ بخ للطالقان. [۱۶۸]. آفرین بر طالقان. امام صادق علیه السّلام می فرماید: اذا قام القائم عجل الله تعالى فرجه نزلت سيوف القتال على كل سيف اسم الرجل و اسم ابيه. [۱۶۹]. زمانی که قائم ما عجل الله تعالى فرجه قيام می کند شمشیرهایی از آسمان فرود می آیند که خصوصیاتشان این است که نام جنگجو و نام پدرش با قلم قدرت روی لبه آنها نوشته شده است. امام صادق علیه السّلام در کیفیت آمدن سیصد و سیزده تن یاران مخصوص حضرت مهدی روحی لتراب مقدمة الفداء چنین می فرماید: سياءني الله بثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلا في مسجدكم هذا يعلم اهل مكة انهم لم يولدوا من آبائهم ولا اجدادهم عليهم سيوف مكتوب على كل سيف اسم الرجل و اسم ابيه و نسبه. [۱۷۰]

خداوند سیصد و سیزده تن یاران مخصوص حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه را در همین مسجد شما (مسجد الحرام) جمع می کند و مردم مکه با دیدنشان می دانند که ایشان از اهل مکه و از آباء و اجداد آنها نیستند. شمشیرهایی به دست دارند که روی لبه آنها اسامی صاحبانشان و نام پدرشان و نسب آنها نوشته شده است. در این فرمان کوتاه امام صادق علیه السلام شیعیان را برای شرکت در قیام جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام مکلف فرموده اند که در خود آمادگی رزمی ایجاد کنند اگر چه تهیه یک تیر باشد و می فرمایند: وقتی که خداوند این آمادگی را در شما ببیند امیدوارم به شما مهلتی مرحمت کند و ظهور آن سرور را درک نمایید: لیعد احدکم لخروج القائم علیه السلام ولو سهما فان علم الله ذلک من نیته رجوت لان ینساء فی عمره حتی یدرکه و یکون من اعوانه و انصاره. [۱۷۱]. درباره قدرت سپاهیان حضرت بقیه الله روحی له الفداء امام ششم علیه السلام می فرماید: یخرج بجیش لو استقبل به الجبال لهدمها و اتخذ فیها طریقا. [۱۷۲]. لشکریان آن حضرت اگر با کوه روبرو شوند کوهها را درهم می کوبند و دل آنها را شکافته، مسیر خود قرار می دهند. آری، با نیروی مادی و معنوی، ایجاد تونلها می کنند و بدون گذشت زمان و صرف وقت زیاد به هدفهای خود می رسند. امام صادق علیه السلام درباره آثار شکوهمند قیام حضرت بقیه الله روحی له الفداء چنین می فرماید: یعز الله به الاسلام بعد ذله و یحییه بعد موته و ینزع الجزیه و یدعو الی الله بالسیف فمن ابی قتل و من نازعه خذل ینظر من الدین ما هو علیه الدین فی نفسه ما لو کان رسول الله صلی الله علیه و آله یحکم به یرفع المذاهب من الارض فلا یبقی الا الدین الخالص. [۱۷۳]. ۱. عزت واقعی اسلام را بعد از ذلتش به آن برمی گرداند. ۲. احکام و قوانین مرده اسلام را (از نظر ظاهر) حیات می بخشد. ۳. جزیه از کفار برداشته می شود. ۴. با شمشیر قیام می کند و مردم را به سوی خداوند می خواند و هر کس اجابت نکرد کشته می شود و هر کس با آن حضرت نبرد کند منکوب می شود. ۵. در قیام جهانی حضرت صاحب الامر علیه السلام قیافه واقعی اسلام که بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در زیر پرده ها پنهان مانده است، بطوریکه در زمان حیات آن حضرت بود، آشکار می گردد. ۶. تمام مذاهب از سرتاسر جهان برچیده می شود. ۷. تنها دین جهانی همه مردم دین مقدس اسلام، آن هم بر اساس رهبری اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم اجمعین، خواهد بود. امام صادق علیه السلام در مورد چگونگی برخورد امام عصر روحی له الفداء با مردم - اعم از عرب و عجم و ... - چنین می فرماید: اذا خرج القائم لم یکن بینة و بین العرب و الفرس الا - السیف لا یناخذها الا بالسیف و لا یعطیها الا السیف. [۱۷۴]. قیام قائم ما بر اساس قدرت است و چون بنابر اصلاح جهان است دیگر مدارا کردن در این دولت وجود ندارد: با عرب و فارس و غیره با شمشیر برخورد می کند، با شمشیر می گیرد و آنچه بخواهد عطا کند نیز با شمشیر است (کنایه از اینکه تمام برنامه و برخوردها بر پایه قدرت است). حضرت امام ششم علیه السلام در این روایت تفاوت میان برخورد مردم زمان جاهلیت با رسول اکرم صلی الله علیه و آله و برخورد مردم زمان ظهور را با حضرت بقیه الله روحی له الفداء بیان فرموده اند و شایسته است خوانندگان عزیز خوب دقت کنند تا ویژگیهای حکومت حضرت مهدی علیه السلام را بیشتر درک کنند. امام صادق علیه السلام فرمودند: ان قائمنا اذا قام استقبل من جهلة الناس اشد مما استقبله رسول الله صلی الله علیه و آله من الجاهلیة فقیل له کیف ذلک فقال ان رسول الله اتی الناس و هم یعبدون الحجارة و الصخور و العیدان و الخشب المنحوتة و ان قائمنا اذا قام اتی الناس و کلهم یتاءولون علیه کتاب الله و یحتج علیه به و یقاتله علیه اما و الله لیدخلن علیهم عدله جوف بیوتهم کما یدخل الحر و القر. [۱۷۵]. هنگامی که قائم ما قیام کند آنچه از مردم نادان می بیند به مراتب بیش از آن چیزی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از مردم دوران جاهلیت دیدند. گفته شد: چگونه است آن؟ پس فرمودند: وقتی که جدم خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله به رسالت مبعوث شد مردم انواع بتهای سنگی و چوبی را پرستش می کردند (اینها کمتر نیاز به دلیل بر اثبات بطلان بت پرستی داشتند)؛ اما حضرت صاحب الامر آنگاه که قیام می کند همه مردم با تمسک به قرآن و تاءویل کتاب خداوند (به نفع خودشان) با آن حضرت به مقابله می پردازند. قسم به خداوند که عدالت مهدی ما در تمام خانه های آنها وارد می شود چنانچه سرما و گرما داخل می شود (قدرت نفوذ معنوی ولایت را بیان می کند). امام صادق علیه السلام درباره آزمایشی که روزهای اول ظهور برای یاران مخصوص

امام عصر علیه السلام (سیصد و سیزده تن) پیش می آید چنین فرموده اند: کانی انظر الى القائم عليه السلام على منبر الكوفة و حوله اصحابه ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلا عدة اهل بدر و هم اصحاب الالوية و هم حکام الله في ارضه على خلقه حتى يستخرج من قبائه كتابا مختوما بخاتم من ذهب عهد معهود من رسول الله صلى الله عليه و آله فيجفلون عنه اجفال الغنم البكم فلا يبقى منهم الا الوزير و احد عشر نقيبا كما بقوامع موسى بن عمران فيجولون في الارض و لا يجدون عنه مذهبا فيرجعون اليه و الله انى لاعرف الكلام الذى يقوله لهم فيكفرون به. [۱۷۶]. گویی می بینم قائم ما علیه السلام در کوفه بالای منبر نشسته و اصحاب مخصوص که سیصد و سیزده تن هستند، به عدد اصحاب بدر، در خدمت حضور دارند. ناگهان امام زمان علیه السلام نامه ای با مهر طلایی از جیب قبای خود بیرون می آورد که البته عهدنامه ای است از رسول خدا صلی الله علیه و آله برای آن حضرت. چون مفاد عهدنامه را برای آنها می خوانند مانند گله گوسفند گرگ زده همه، بجز و زیر و یازده تن از نقبا به عدد نقبای بنی اسرائیل، بقیه همه آن سرور را رها کرده، در سرتاسر کره زمین سیر می کنند و چون مرجع و پناهی غیر از او نمی بینند دوباره برمی گردند. امام صادق علیه السلام می فرماید: ای مفضل! به خدا سوگند، من می دانم که حضرت قائم علیه السلام چه می فرماید که سبب فرار کردن آنها می شود. مفضل بن عمر از حضرت صادق علیه السلام درباره پیراهن یوسف علیه السلام اینچنین می فرماید: سمعته يقول اءتدري ما كان قميص يوسف عليه السلام؟ قلت: لا. قال ان ابراهيم عليه السلام لما اوقدت له النار اتاه جبرئيل بثوب من ثياب الجنة فالبسه اياه فلم يضره معها حر و لا برد فلما حضر ابراهيم الموت جعله في تميمة و علقه على اسحق و علقه اسحق على يعقوب فلما ولد يوسف عليه السلام علقه عليه و كان في عضده حتى كان من امره ما كان فلما اخرجه يوسف عليه السلام بمصر من التميمية وجد يعقوب عليه السلام ريحه و هو قوله تعالى حكاية عنه «انى لاجد ريح يوسف لولا ان تفندون» فهو ذلك القميص الذى انزل من الجنة قلت جعلت فداك فالى من صار هذا القميص؟ قال الى اهله و هو مع قائمنا اذا خرج ثم قال كل نبى ورث علما او غيره فقد انتهى الى محمد صلى الله عليه و آله. [۱۷۷]. از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید: می دانی پیراهن یوسف علیه السلام چه بود؟ عرض کردم: نه. فرمودند: چون برای سوزاندن ابراهیم علیه السلام آتش افروختند و خواستند آن حضرت را در آتش بیندازند، جبرئیل علیه السلام برای او پیراهنی آورد و به تن او کرد که جلوی حرارت آتش و همچنین سردی هوا را می گرفت؛ لذا آتش حضرت ابراهیم علیه السلام را نسوزانید. چون زمان وفاتش رسید آن را در یک جلد قرار داد و به بازو (یا گردن) اسحاق آویزان کرد و جناب اسحاق آن را به یعقوب داد و یعقوب این بازوبند را یا در هنگام ولادت یوسف علیه السلام و یا وقت رفتن همراه برادرانش به صحرا به بازوی او بست. یوسف علیه السلام بعد از آن سرگذشت بزرگ آن را از جلدش در مصر بیرون آورد. آنوقت یعقوب پیامبر در کنعان به فرزندانش گفت بوی یوسف را می شنوم اگر مرا متهم قرار ندهید (خرافات پیری یا غیر آن). و این است معنی آیه «اگر مرا تخطئه نکنید من بوی یوسف را می شنوم» [۱۷۸] و این همان پیراهن است که جبرئیل از بهشت آورد. مفضل می گوید عرض کردم: آن پیراهن کجاست؟ فرمودند: در نزد اهلش و آن با مهدی ما است، وقتی که قیام کند. و بدان هر پیامبری که علم یا چیز دیگری داشته است همه آنها به جدم حضرت محمد صلی الله علیه و آله داده شده است. امام صادق علیه السلام درباره چگونگی قدرت حکومت حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء توضیح می فرمایند که باید کوردلان توجه کنند تا بدانند چگونه حکومت واحد جهانی را بر اساس عدل و داد اجتماعی تشکیل می دهد و همه حکومتها و رژیمهای خون آشام را از بین می برد و پرچم مقدس قرآن و مکتب اهل بیت را در سرتاسر جهان به اهتزاز در می آورد. و اینک روایت و ترجمه اش: انه اذا تناهت الامور الى صاحب هذا الامر رفع الله تبارك و تعالى كل منخفض من الارض و خفض له كل مرتفع منها حتى يكون الدنيا عنده بمنزلة راحة فايكم لو كانت في راحة شعرة لم يبصرها. [۱۷۹]. هرگاه قائم ما قیام کند خداوند بزرگ تمام پستیها و بلندیهای زمین را برای او یکسان می کند تا همه چیز را ببیند و دنیا برای او درست مانند کف دستی می شود. آیا اگر یکی از شما مویی در کف دستش باشد می شود که آن را ببیند؟ این است معنای قدرت بی نهایت و این است جلوه گاه حکومت واحد جهانی آن سرور بر اساس عدالت. امام صادق علیه

السَّلام درباره برخورد بعضی از علما و پیروان آنها با امام عصر روحی له الفداء چنین می فرماید: اعدوا له مقلداه الفقهاء اهل الاجتهاد لما یرونه یحکم بخلاف ما ذهب الیه ائمتهم ولولا ان السیف بیده لافتی الفقهاء بقلته ولكن الله یظهره بالسیف والکرم فیطیعونه و یخافون فیتقبلون حکمه من غیر ایمان بل یضمرون خلافه اذا خرج فلیس له عدومین الا الفقهاء خاصه هو والسیف اخوان. [۱۸۰]

دشمنان روزهای اول قیام حضرت مهدی علیه السلام مقلدان و پیروان فقها هستند؛ چون می بینند احکامی که از طرف آن حضرت صادر می شود برخلاف فتوای پیشوایان آنهاست. نه تنها مقلدان فقها دشمن امام عصر هستند بلکه خود فقها هم اگر آن حضرت قیام به شمشیر نکرده بودند و قدرت در دستشان نبود هر آینه فتوای کشتن آن سرور را صادر می کردند، اما چون آن حضرت با شمشیر برنده و دست بخشنده ظهور می کند، از روی ترس و به طمع مقام اظهار ایمان و پیروی از او می کنند و خلاف آن را در دل پنهان می دارند. هنگامی که خروج کند دشمن آشکاری بجز فقها ندارد. امام و شمشیر برادر هستند (کنایه از اینکه در همه جا و با همه کس از موضع قدرت سخن می گوید). امام ششم علیه السلام در هنگام ظهور حضرت بقیه الله روحی له الفداء به مردم هشدار می دهند: یرج علی فتره من الدین و من ابی قتل و من نازعه خذل یظهر من الدین ما هو الدین علیه فی نفسه ما لو کان رسول الله یحکم به. اعداؤه الفقهاء المقلدون یدخلون تحت حکمه خوفا من سیفه و سطوته و رغبه فیما لیدیه بیایعه العارفون بالله تعالی من اهل الحقائق عن شهود و کشف بتعریف الهی. [۱۸۱]. مهدی ما در زمان فترت دین قیام می کند (زمان فترت دین به از اول غیبت صغری تا ساعت آخر غیبت کبری آن حضرت گفته می شود؛ یعنی در این مدت دست مردم به رهبر واقعی آسمانی نمی رسیده است). هر کس دعوت و امر آن حضرت را نپذیرد حتما کشته می شود و کسی که سر ستیز و مبارزه داشته باشد مخذول و منکوب خواهد شد. او چهره واقعی دین را ظاهر می کند که اگر رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود همان سیما را به عنوان دین به مردم نشان می داد. دشمنان او در آن زمان فقهایی هستند که مقلدانی دارند که از ترس شمشیر و برای رسیدن به مقام و جاه به آن حضرت اظهار ایمان می کنند. مردان حق و تربیت شدگان آغوش مقدس توحید که تا اندازه ای پرده از جلوی چشمشان بالا رفته است با حضرت بقیه الله روحی له الفداء بیعت می کنند. خواننده عزیز! ممکن است این تظاهر به ایمان به حضرت مهدی روحی له الفداء مربوط به روزهای اول باشد، چون امام دوازدهم باطن افراد را می بیند و بر حسب واقع با مردم برخورد می کند. امام صادق علیه السلام درباره برنامه های ابتدایی قیام حضرت قائم روحی له الفداء می فرماید: انه اول قائم منا اهل البیت یحدثکم بحدیث لا تحتملونه فتخرجون علیه برمیله الدسکر فتقاتلونه فیقتلکم و هی آخر خارجه تکون. [۱۸۲]. امام مهدی علیه السلام اولین قائم ما خاندان رسالت است که قیام می کند و به شما سخنی می گوید که تاب تحمل شنیدن آن را ندارد. از این جهت، در مقابل او در تپه های دسکره خروج می کنید و با او می جنگید و او شما را طعمه شمشیر خود می سازد. و این آخرین جمعیتی است که در مقابل حضرت می جنگد. دسکره در لغت به معنای قریه بزرگ و دهکده آمده، شاید این حدیث اسم مکانی در عراق باشد). امام ششم علیه السلام در تاءویل آیه «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون» [۱۸۳] (خدا آن کسی است که پیامبرش را با دین حق فرستاد تا اینکه بر همه ادیان و مذاهب غلبه پیدا می کند ولو اینکه مشرکان و کافران ناراحت باشند) می فرماید: والله ما نزل تاءویلها بعد ولا ینزل تاءویلها حتی یخرج القائم علیه السَّلام فاذا خرج القائم علیه السَّلام لم یبق کافر بالله العظیم و لا مشرک بالامام الا کره خروجه حتی ان لو کان کافرا و مشرکا فی بطن صخره لقاتل یا مؤ من فی بطنی کافر فاکسرنی واقتله. [۱۸۴]. به خدا سوگند هنوز تاءویل این آیه نیامده است تا اینکه قائم ما ظهور کند. وقتی که قائم علیه السَّلام ظهور کرد هیچ کافری به خداوند بزرگ و هیچ مشرکی نسب به امام نمی ماند مگر اینکه خروج حضرت مهدی علیه السَّلام را دوست ندارند؛ اما آنچنان عرصه بر دشمنان خداوند تنگ می شود که اگر کافری یا مشرکی در شکاف کوهی پنهان شده باشد آن کوه فریاد می زند: ای سپاهیان حضرت مهدی! بیاید یک دشمن اینجاست؛ او را بیرون کنید و بکشید. آری حکومت امام عصر روحی له الفداء حکومت خداوند است و درباره این حکومت فرموده اند: «ولا یمکن الفرار من حکومتک» (هیچ کس نمی تواند از حکومت خداوند

بگریزد). ابان بن تغلب از امام صادق علیه السّلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند: اول من بیایع القائم علیه السّلام جبرائیل علیه السّلام فینزل فی صورۃ طیر ابیض فیبایعه ثم یضع رجلا علی البیت الحرام و رجلا علی المسجد الاقصى و ینادی بصوت طلق ذلق تسمعه الخلاق اتی امرالله فلا تستعجلوه. [۱۸۵]. اول کسی که با قائم ما بیعت می کند جبرئیل علیه السّلام است که به صورت پرنده سفیدی از آسمان به زیر می آید و با حضرت بقیه الله روحی له الفداء بیعت می کند. سپس یک پای خود را بر روی بام کعبه می گذارد و پای دیگر را بر روی بام بیت المقدس. آنگاه فریاد می زند که همه مردم صدایش را می شنوند و می گوید: «امر خدا آمد، در آن شتاب نکنید». امام ششم علیه السّلام در ارتباط با روزهای اول ظهور، از امام عصر علیه السّلام بیانی نقل فرمودند که خلاصه و جان این خطبه به فرمایش علامه مجلسی چنین است: «من مجموعه ای از کمالات انبیاء و ائمه معصومین هستم و آنچه سبب شد که مردم از آنها متابعت کنند همه در وجود من جمع شده است». به گفته شاعر آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری. اکنون به متن و ترجمه فرمایش امام صادق علیه السّلام توجه فرمایید: و سیدنا القائم مسندا ظهره الی الکعبه و یقول یا معشر الخلاق الا و من اراد ان ینظر الی آدم و شیث فها انادا آدم و شیث الا- و من اراد ینظر الی نوح و ولده سام فها انادا نوح و سام الا و من اراد ان ینظر الی ابراهیم و اسمعیل فها انادا ابراهیم و اسمعیل الا و من اراد ان ینظر الی عیسی و شمعون فها انادا عیسی و شمعون الا و من اراد ان ینظر الی محمد و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما فها انادا محمد و امیرالمؤمنین الا- و من اراد ان ینظر الی الحسن و الحسین فها انادا الحسن و الحسین الا و من اراد ان ینظر الی الائمة من ولد الحسین فها انادا الائمة. [۱۸۶]. آقای ما قائم پشت به خانه کعبه می زند و مردم را مخاطب قرار داده، چنین می فرماید: هر کسی بخواهد آدم و شیث را ببیند بیاید مرا ببیند. ای مردم! هر کس بخواهد نوح و پسر او سام را ببیند من نوح و سام هستم. آگاه باشید هر کس بخواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند بیاید مرا ببیند. ای جهانیان! آن کسی که مایل باشد عیسی و شمعون را زیارت کند بداند که من عیسی و شمعون هستم. ای مردم دنیا! اگر کسی بخواهد محمد و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما را زیارت کند من محمد و امیرالمؤمنین هستم. ای مردم عالم! هر کسی بخواهد حسن و حسین را زیارت کند بیاید مرا ببیند، من حسن و حسینم. ای مردم! هر کسی که بخواهد ائمه معصومین از فرزندان امام حسین (علیه السلام) را ببیند من همان ائمه از فرزندان حسین هستم. خواننده عزیز! تمام صفات و کمالات که در پیامبران و اوصیای آنها جمع شده و همه اوامری که خداوند بزرگ درباره آنها صادر فرموده که وجوب اطاعت از آنها و ترک نافرمانی این ذوات مقدسه زیربنای آن را تشکیل می دهد، همه اینها در وجود مقدس حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء جمع است و می توان گفت به عنوان مثال وجود عزیزش آینه ای است که تمام فرستادگان خداوند در آن نمایان اند - اللهم عجل فرجه - عیسی بن اعین از حضرت صادق علیه السّلام نقل می کند که آن سرور فرمودند: السفیانی من المحتوم و خروجه فی رجب و من اول خروجه الی آخره خمسۃ عشر شهرا، سته اشهر یقاتل فیها فاذا ملک الکور الخمس ملک تسعة اشهر لایرید علیها یوما. [۱۸۷]. خروج سفیانی از حتمیات است (باید واقع شود) و تمام مدت خروجش بیش از پانزده ماه نخواهد بود که شش ماه آن را می جنگد و چون بر پنج ایالت فرمانروایی پیدا کرد نه ماه بدون یک روز زیاده حکومت می کند. گفته شده است که پنج ایالت عبارتند از: دمشق، فلسطین، اردن، حمص و حلب. عبدالله سنان از حضرت صادق علیه السّلام حدیث می کند که آن حضرت فرمودند: النداء من المحتوم و السفیانی من المحتوم و قتل النفس الزکیة من المحتوم و کف تطلع من السماء من المحتوم و قال فرعه فی شهر رمضان توقظ النائم و تفرع الیقظان و تخرج الفتاة من خدرها. [۱۸۸]. ندای آسمانی حتمی است، خروج سفیانی حتمی است، کشته شدن نفس زکیه حتمی است، پیدا شدن دستی در آسمان حتمی است و ترس و فرعی در ماه مبارک رمضان پیش می آید که افراد خوابیده را بیدار کند، آنهایی که بیدارند به فرغ درآیند و دختران از پس پرده بیرون بیایند (البته از ترس). امام صادق علیه السّلام به معلی بن خنیس که از اصحاب آن حضرت است فرمودند: ان امر السفیانی من الامر المحتوم و خروجه فی رجب. [۱۸۹]. خروج سفیانی از اموری است که حتما باید قبل از ظهور واقع گردد و خروج او در ماه رجب است. امام ششم علیه السّلام می فرماید: للقائم علیه السّلام خمس علامات السفیانی و

الیمانی و الصیحه من السماء و قتل النفس الزکیه و الخسف بالیداء. [۱۹۰]. برای قائم ما پنج نشانه است: ۱. خروج سفیانی ۲. خروج یمانی ۳. صیحه آسمانی ۴. کشته شدن نفس زکیه ۵. فرورفتن لشکر سفیانی در زمین بیداء حمران بن اعین از امام ششم علیه السلام و الصلوة حدیث کرده است که آن بزرگوار فرمودند: من المحتوم الذی لابد ان یکون من قبل قیام القائم علیه السلام خروج السفیانی و خسف بالیداء و قتل النفس الزکیه و المنادی من السماء. [۱۹۱]. از علانی که حتما باید پیش از ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء در خارج محقق شود خروج سفیانی و فرورفتن در زمین بیداء و کشته شدن نفس زکیه و ندای آسمانی است. زراره بن اعین می گوید: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می فرمایند: ینادی مناد من السماء ان فلانا هو الامیر و ینادی مناد «ان علیا و شیعتہ هم الفائزون» قلت فمن یقاتل المهدی علیه السلام بعد هذا فقال علیه السلام ان الشیطان ینادی «ان فلانا و شیعتہ هم الفائزون» یعنی رجلا من بنی امیه قلت فمن یعرف الصادق من الکاذب قال علیه السلام یعرفه الذین کانوا یروون حدیثنا و یقولون انه یکون قبل ان یکون و یعلمون انهم هم المحقون الصادقون. [۱۹۲]. منادی از آسمان فریاد می زد به اینکه فلان (حضرت مهدی روحی له الفداء) امیر بر مردم است و نیز منادی از آسمان می گوید که علی (علیه السلام) و شیعیانش رستگارانند. گفتم: پس از این دو ندای آسمانی دیگر چه کسی با حضرت مهدی علیه السلام جنگ می کند؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: بعد از این دو ندا شیطان فریاد می زند که فلانی و پیروانش رستگارانند. منظور از فلانی یعنی مردی از بنی امیه. عرض کردم: چگونه راستگو از دروغگو تمیز داده می شود؟ (بین این دو برنامه چگونه می توان حق را شناخت؟). فرمودند: آنهایی که احادیث ما خاندان رسالت را خوانده اند، می دانند و می گویند از پیش به ما گفته شده که حق با صیحه اول و برنامه اول است و صدای دیگر صدای شیطان است و نباید از آن پیروی کرد. مرحوم شیخ صدوق رضوان الله علیه از عبدالله بن عجلان نقل می کند که ایشان فرمودند: ذکرنا خروج القائم علیه السلام عند ابی عبدالله فقلت له کیف لنا ان نعلم ذلك فقال یصبح احدکم و تحت راسه صحیفه علیها مکتوب طاعه معروفه. [۱۹۳]. در خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب بودیم، سخن از خروج حضرت قائم علیه السلام به میان آمد. عرض شد: ما چگونه از روز قیام آگاهی پیدا کنیم؟ فرمودند: سر از خواب بر می دارد کسی از شما در حالی که می بیند ورقه ای زیر سر او گذاشته اند و روی آن نوشته شده «طاعه معروفه». عبدالله بن سنان می گوید: کنت عند ابی عبدالله علیه السلام فسمعت رجلا من همدان یقول له ان هولاء العامه یعیروننا و یقولون لنا انکم تزعمون ان منادیا ینادی من السماء باسم صاحب هذا الامر و کان علیه السلام متکاء فغضب و جلس. ثم قال لا ترووه عنی و ارووه عن ابي و لا حرج علیکم فی ذلك اشهد انی قد سمعت ابی علیه السلام یقول و الله ان ذلك فی کتاب الله عزوجل لبین حیث یقول «ان نشاء نزل علیهم من السماء آیه فظلت اعناقهم لها خاضعین» فلا یبقی فی الارض یومئذ احد الا خضع و ذلت رقبته لها فیومن اهل الارض اذا سمعوا الصوت من السماء الا ان الحق فی علی بن ابی طالب علیه السلام و شیعتہ قال فاذا کان من لغد صعد ابلیس فی الهواء حتی یتواری عن الارض ثم ینادی الا ان الحق فی عثمان بن عفان و شیعتہ فانه قتل مظلوما فاطلبوا بدمه قال علیه السلام فیثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت علی الحق و هو النداء الاول و یرتاب یومئذ الذین فی قلوبهم مرض، و المرض و الله عداوتنا فعند ذلك یتبرؤن منا و یتناولونا فیقولون ان المنادی الاول سحر من سحر اهل (هذا) البیت. [۱۹۴]. در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم، شنیدم مردی از اهل همدان به آن حضرت عرض کرد: دشمنان شما ما را سرزنش می کنند و می گویند شما گمان می کنید که منادی از آسمان به نام صاحب این امر (ولایت) صدا می زند؟ امام علیه السلام همان گونه که تکیه داده بودند نشستند در حالی که آثار غضب از چهره مبارکشان نمایان بود. فرمودند: این مطلب را از من روایت نکنید بلکه از پدرم روایت کنید. به خدا قسم، شنیدم پدرم می فرمود این مطلب (صیحه آسمانی) در قرآن خداوند است آنجایی که می فرماید «اگر ما بخواهیم، از آسمان آیت قهر نازل گردانیم که همه به جبر گردن زیر بار ایمان فرود آورند». [۱۹۵] در آن روز در سرتاسر کره زمین نمی ماند کسی مگر اینکه در مقابل این صیحه به زانو در می آید و گردنهای کج می شوند. پس، وقتی که صیحه آسمانی بلند شد و حجت خداوند (حضرت مهدی روحی له الفداء) را معرفی کردند تمام ساکنان کره زمین ایمان می آورند. مضمون صدا این

است که ای مردم دنیا! آگاه باشید که حق با علی بن ابی طالب علیه السّلام و پیروان اوست. فردای آن روز شیطان در میان زمین و آسمان فریاد می زند که حق با عثمان بن عفان و پیروان اوست؛ او مظلوم کشته شده است؛ پس انتقام خون او را بگیرید. آنگاه خداوند دوستان ما را بر ندای اول ثابت قدم می دارد (به دوستی امیرالمؤمنین علیه السّلام و فرزندانش)، اما آنهایی که دارای قلبهای بیمار هستند در وادی هلاکت سقوط خواهند کرد. و به پروردگار سوگند که امراض قلبی آنها غیر از دشمنی ما اهل بیت چیز دیگری نخواهد بود و می گویند صدای اول از سحر و جادوهای این خانواده بود (اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله اجمعین). سدید از امام صادق علیه السّلام حدیث می کند که آن حضرت فرمودند: یا سدید الزم بیتک و کن حلّسا من احلاسه واسکن ماسکن اللیل و النهار فاذا بلغ ان السفیانی قد خرج فارحل الینا ولو علی رجلک قلت جعلت فداک هل قبل ذلک شیء قال نعم و اشار بیده بثلاث اصابعه الی الشام و قال ثلاث رایات رایة حسنیة و رایة امویة و رایة قیسیه فیناهم (علی ذلک) اذ قد خرج السفیانی فیحصدهم حصد الزرع ما راءیت مثله قط. [۱۹۶]. ای سدید! در خانه خودت قرار بگیر و مانند فرش منزل باش و ساکت بمان تا وقتی که سفیانی خروج می کند. به مجرد رسیدن خبر خروج سفیانی فورا به سوی ما (مهدی ما) حرکت کن اگر چه با پای پیاده باشد. عرض کردم: آیا پیش از این جریان نشانه ای هست که دلیل بر تحقق خروج سفیانی باشد؟ فرمودند: آری. و با سه انگشت اشاره به شام فرمودند و توضیح دادند که سه پرچم در اهتزاز می آید: ۱. پرچم حسنیه ۲. پرچم امویه ۳. پرچم قیسیه همین اثنا سفیانی خروج می کند و پیروان هر سه پرچم را مانند محصولات زراعی درو می کند و به کشتاری دست می زند که مانند آن را هیچگاه ندیده ای. امام صادق علیه السّلام فرمودند: خروج الثلاثة الخراسانی والسفیانی والیمانی فی سنه واحده فی شهر واحد فی یوم واحد و لیس فیها رایة باهدی من رایة الیمانی یهدی الی الحق. [۱۹۷]. خروج خراسانی و سفیانی و یمانی هر سه در یک سال و در یک ماه و در یک روز است؛ اما هیچ پرچمی هدایتگرتر از پرچم یمانی نیست. آری، مردم را دعوت به حق می کند. ابان بن تغلب از حضرت صادق علیه السّلام روایت می کند که فرمودند: سیئاتی فی مسجدکم ثلاثمائة و ثلاثه عشر رجلا یعنی مسجد مکه یعلم اهل مکه انه لم یلد (هم) آباؤهم ولا اجدادهم علیهم السیوف مکتوب علی کل سیف. کلمه تفتح الف کلمه فیبعث الله تبارک و تعالی ریحاً فتنادی بکل واد هذا المهدي یقضی بقضاء داود و سلیمان علیهما السلام لایرید علیه البینه. [۱۹۸]. زود باشد که در مسجد شما (مکه معظمه) سیصد و سیزده نفر اجتماع می کنند. مردم مکه می دانند که اینها در مکه متولد نشده اند. شمشیرهایی به دست دارند و روی لبه هر شمشیر جمله ای نوشته شده است که هزار کلمه از آن گرفته می شود (در این جمله از روایت سری از اسرار بزرگ ولایت نهفته است که در ظهور معلوم می شود). خداوند تبارک و تعالی بادی را مأمور می کند که در تمام دنیا فریاد بزند: ای مردم جهان! این است مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله که داور می کند مانند سلیمان و داود علیهما السلام و احتیاج به دلیل و برهان ندارد (قضاوت آن حضرت بر اساس واقع است).

حضرت امام رضا و نشانه های ظهور

حسن بن محبوب از وجود مقدس حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا علیه السّلام حدیثی بیان کرده که ذیلاً به نظر خوانندگان عزیز می رسد: انه قال لا بد من فتنه صماء صلیم یسقط فیها کل بطانه و ولیجه و ذلک عند فقدان الشیعه الثالث من ولدی بیکی علیه اهل السماء و اهل الارض و کم من مؤ من متاءسف حران حزین عند فقد الماء المعین کانی بهم اسرما یکنونون وقد نودوا نداء یسمعه من بعد کما یسمعه من قرب یكون رحمة للمؤمنین و عذاباً للكافرين فقلت و ای نداء هو (قال علیه السّلام) ینادون فی رجب ثلاثه اصوات من السماء صوتا منها الا لعنة الله علی الظالمین و الصوت الثانی ازفت الازفة یا معشر المؤمنین و الصوت الثالث یرون بدننا بارزا نحو عین الشمس هذا امیرالمؤمنین قد کر فی هلاک الظالمین (و فی روایة الحمیری) و الصوت بدن یری فی قرن الشمس یقول ان الله بعث فلانا فاسمعوا له و اطیعوا و قالوا جميعا فعند ذلک یاءتی الناس الفرج و تود الناس لو كانوا احياء و یشفی الله

صدور قوم مؤمنین. [۱۹۹]. امام علیه السلام فرمودند: ناچار باید فتنه ای سخت و بزرگ و بلایی و بنیان کن دامن مردم را بگیرد که تمام سدهای دوستی و رابطه های خویشاوندی و اعتمادهای قومی و دوستی درهم کوبیده شود (پناهگاهی نباشد) و این سختیها و بلاها در وقتی است که شیعه سومین فرزندم را از دست بدهند (یعنی امام حسن عسکری وفات کند و حضرت مهدی علیه السلام غایب باشد). پنهان بودن او چندان سنگین است که ساکنان آسمانها و نیز اهل زمین بر او و از فراق او گریه می کنند و چه بسیار افراد با ایمان که در این زمان در آتش هجران می سوزند و به آب گوارا (ماء معین) دست نمی یابند. گویی می بینم سرور و خوشحالی آنان را که در نتیجه شنیدن یک صدا به آنها دست می دهد. شنیدن این صدا برای آنهایی که نزدیک یا دورند یکسان است (همه می شنوند) و آن ندا رحمت است برای اهل ایمان و عذاب است برای کافران. عرض کردم: آن ندا چیست؟ فرمودند: سه صدا در ماه مبارک رجب شنیده می شود البته از آسمان: اول. آگاه باشید که ستمگران از رحمت خداوند دور و ملعون اند. دوم. «ازفت الازفة یا معشر المؤمنین» (نزدیک شد نزدیک شونده ای گروه مؤمنان!) سوم. بدنی را در خورشید می بینند. گوینده آسمانی فریاد می زند: این است امیرالمؤمنین که به دنیا برگشته است برای هلاک کردن ستمگران (این بدن، وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است). روایت حمیری می گوید: صوت سوم از آسمان گوینده ای می گوید: ای مردم! خداوند فلاخن بن فلان (یعنی حجه بن الحسن العسکری) را مأمور فرموده است بر شما، واجب است او را اطاعت کنید. در این موقع برای همه مردم فرج می شود و آنهایی که از این دنیا رفته اند آرزو می کنند ای کاش زنده بودند. و خداوند دلهای مؤمنان را شفا می دهد.

امام رضا و اجتماع شیعه در ظهور

والله لو ان قائمنا قام یجمع الله الیه شیعتہ من جمیع البلدان. به خدا سوگند اگر مهدی ما قیام کند خداوند تمام شیعیانش را از سرتاسر جهان در اطراف او جمع می کند. اباصلت می گوید: به حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام عرض کردم نشانه قائم چیست؟ فرمودند: ما علامه قائمکم قال علامته ان یكون شیخ السن شاب المنظر حتی ان الناظر لیحسبه ابن اربعین سنه او مادونها و ان علاماته ان لایهرم بمرور اللیالی و الایام حتی یاءتیه اجله. [۲۰۰] عیگی از علائم قائم ما این است که بزرگ سن و جوان منظر است بطوریکه بیننده خیال می کند او چهل سال یا کمتر دارد و تا فرا رسیدن مرگ اثر پیری در او ظاهر نخواهد شد. این است معنی خلیفه الله و فرمانروای عالم هستی که تمام قوانین و سنن طبیعی این جهان محکوم اراده او هستند. بزنتی از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در باب نشانه های ظهور حضرت بقیه الله روحی له الفداء نقل می کند که آن حضرت می فرمایند: قبل هذا الامر السفیانی و الیمانی و المروانی و شعیب بن صالح و کف یقول هذا و هذا. [۲۰۱]. در مقدمه قیام فرزندم حضرت مهدی (علیه السلام) پنج علامت دیده می شود: ۱. خروج سفیانی ۲. قیام یمانی ۳. خروج مروانی ۴. شعیب بن صالح ۵. بیرون آمدن دستی از آسمان بطوریکه افراد آن را به یکدیگر نشان بدهند.

حضرت امام حسن و امام حسین و اصحاب ائمه و نشانه های ظهور

عمیره بنت نفیل از حضرت امام حسن یا از حضرت امام حسین علیهما السلام نقل کرده است که فرمودند: قالت سمعت الحسن (الحسین) بن علی سلام الله علیهما یقول لا یكون الامر الذی تنظرون (امر ظهور) حتی یراء بعضکم من بعض و یتفل بعضکم فی وجوه بعض و یشهد بعضکم علی بعض بالکفر و یلعن بعضکم بعضا فقلت له ما فی ذلک الزمان من خیر فقال الحسن علیه السلام الخیر کله فی ذلک الزمان یقوم قائمنا و یدفع ذلک کله. [۲۰۲]. امری که (به آن) چشم دوختید (ظهور مهدی ما) محقق نخواهد شد مگر بعد از به وجود آمدن نشانه های زیر: ۱. بیزاری جستن مؤمن و مسلمان از برادر خویش ۲. آب دهان به صورت یکدیگر می

اندازند. ۳. بعضی شهادت بر کفر بعضی دیگر می دهند. ۴. بعضی از مسلمانان دیگری را لعن می کنند. می گوید عرض کردم: پس خیری در این زمان نخواهد بود؟ فرمودند: این طور نیست، تمام خیرات و خوبیها در این زمان است؛ چون قائم ماقیام می کند و تمام صفات مذمومه ذکر شده را از بین می برد - اللهم عجل فرجه - فضل بن شاذان از عمار یاسر نقل می کند که فرمودند: دعوة اهل بیت نبیکم فی آخر الزمان فالزموا الارض و کفوا حتی تروا قاداتها فاذا خالف الترك الروم و کثرت الحروب فی الارض ینادی مناد علی سور دمشق ویل لازم من شر قد اقترب و یخرب حائط مسجدها، [۲۰۳]. دعوت اهل بیت پیامبر شما در آخر الزمان است. ملازم خانه های خود باشید و از جای خود حرکت نکنید و صبر پیشه سازید تا اینکه رهبر قیام را ببیند. پس، هر گاه ترکها با رومیها درگیر شوند و جنگ و خونریزی در زمین بالا گیرد منادی بر دروازه دمشق فریاد خواهد زد که وای از شری که نزدیک شده است، و نیز دیوار مسجد دمشق فرو ریزد. شیخ الطائفه (طوسی) در کتاب غیبتش از سعید بن جبیر نقل فرموده است: السنة التي يقوم فيها المهدي تمطر اربعا و عشرين مطرة يری آثرها و برکتها. [۲۰۴]. در آن سالی که حضرت مهدی ارواحنا له الفداء قیام می کنند بیست و چهار ساعت باران می بارد و آثار و برکات آن بارانها دیده می شود. محمد بن بشر از جناب محمد حنیفه نقل می کند که فرمودند: قلت له قد طال هذا الامر حتی متى؟ (قال) فحرک راسه ثم قال انی یکون ذلك ولم یعرض الزمان یکون ذلك ولم یجفوا الاخوان انی یکون ذلك ولم یظلم السلطان انی یکون ذلك ولم یقم الزندیق من قزوین فیهتک ستورها و یکفر صدورها و ینیر سورها و ینذهب بهجتها من فرمنه ادرکه و من حاربه قتله و من اعتزله افتقر و من تابعه کفر حتی یقوم باکیان باک یکی علی دینه و باک یکی علی دنیاه. [۲۰۵]. به آن حضرت عرض کردم که قیام و دولت شما طول کشیده است. این امر کسی خواهد شد؟ پس، سر مبارک را تکان داده، فرمودند: هنوز اوضاع جهان دگرگون نشده و برادر درباره برادر جفا نکرده است. کجاست آن قیام و حال آنکه سلطان درباره رعیت ظلم نکرده است. کجاست آن حکومت و حال آنکه زندیقی از قزوین حرکت نکرده است که پرده های عصمت را بدرد و قلبها را انباشته از کفر کند، دیوارهای آن را تغییر دهد و طراوت و بهجت آن را از بین ببرد؟ کسی که از او فرار کند او را می گیرد و هر کسی با او بجنگد او را می کشد و کسی که خانه نشینی اختیار کند فقر او را فرا می گیرد و آن کسی که از او متابعت نماید کافر می شود. سرانجام کار به جایی می رسد که با یک چشم بر دنیای خود گریه کند و با چشم دیگر بر آخرت (کنایه است از کسی که بر دین و دیگری که بر دنیای خود خواهد گریست و ممکن است اشاره به قیام رضان و جنایات او باشد). محمد بن مسلم خبر می دهد که: ینادی مناد من السماء باسم القائم فیسمع ما بین المشرق الی المغرب فلا یبقی راقدا الا قام و لا قائم الا قعد و لا قاعد الا قام علی رجلیه من ذلك الصوت و هو صوت جبرئیل علیه السلام الروح الامین. [۲۰۶]. منادی، حضرت قائم آل محمد (ارواحنا له الفداء) را به اسم صدا می زند و معرفی می کند و همه مردم روی زمین از مشرق تا مغرب و آنچه بین ایندوست این صدا را می شنوند. آنهایی که خواب هستند بیدار می شوند و می ایستند و آن دسته ای که ایستاده اند می نشینند؛ افرادی که نشسته اند از هیبت این صدا بر می خیزند و می ایستند و این صدای جبرئیل روح الامین علیه السلام است. سید بن طاوس اعلی الله مقامه در کتاب خود به یکی از نشانه های ظهور حضرت بقیه الله روحی له الفداء تحت عنوان ستاره دنباله دار اما پرفروغ چنین اشاره فرموده اند: یطلع نجم من المشرق قبل خروج المهدي له ذنب یضیء لاهل الارض کاءضاء القمر لیلۃ البدر. [۲۰۷]. قبل از خروج حضرت مهدی علیه السلام ستاره دنباله دار طالع می شود که تمام ساکنان کره زمین از نور استفاده می کنند، مانند ماه شب چهارده که جهان را غرق در نور می سازد. این ستاره قبل از ظهور چنین است. [۲۰۸]. سید بن طاوس اعلی الله مقامه از ابن شهر آشوب در ارتباط با ایوان کسری روایتی نقل می کند که مشروح آن به خاطر اهمیت فوق العاده اش در اختیار خوانندگان عزیز قرار می گیرد. امید است برای همه ما در تحکیم عقائدمان مؤثر باشد. البته به گفته سید بن طاوس ابن شهر آشوب این مطلب را در باب امامت حضرت قائم روحی له الفداء نقل فرموده است (در جلد هشتم از «مناقب»). محمد بن علی نوشجانی خبر داده است که: اخبر یزجرد بیوم القادسیه و انجلاتها عن خمسين الف قتیل من الفرس فخرج یزدجرها ربا فی اهل بیته فوقف بباب الایوان فقال

السلام عليك ايها الايوان ها انا ذا منصرف عنك و راجع اليك انا او رجل من ولدي لم يدن زمانه ولا آن اوانه قال سليمان الديلمي فساءلت الصادق عليه السلام عن معنى قوله او رجل من ولدي قال ذلك قائمكم السادس من ولدي وقد ولده يزجرد ابن شهريار من قبل ام علي بن الحسين عليه السلام شهر بانو بنت يزجرد فهو ولده من الحسين عليه السلام و في هذا الحديث آيات منها ان الصادق عليه السلام اخبر ان القائم هو السادس من ولده كما جرت الحال عليه فلا بد ان يكون علم ذلك من جانب الله و عن آباءه الطاهرين والا كيف كان يعلم انه يكون له عقب متصل الى السادس من ولده و منها تصدق النقل لما تجدد للسابع من ولده عليه السلام من اعتقاد انه القائم ولم يعتقد ذلك في احد من آباءه قبله و منها بقاء الايوان الى الان وقد هدم جميع دور كسرى و آثارها و منها معرفة كسرى بطريق النجوم او غيرها تحديد ذلك و تصديق اهل بيت النبوة في اعتقادهم والله الحجة البالغة. [۲۰۹]. يزجرد پادشاه ايران در شكست با مسلمانان و كشته شدن پنجاه هزار سرباز ايراني كه منجر به گريختن يزجرد و خانواده اش شد، مي گويد: پس يزجرد در حالي كه خودش و اهل بيتش فرار مي كردند آمد در ايوان پادشاهي مدائن ايستاد و گفت: سلام بر تو اي ايوان پادشاهي من! اکنون من ناگزيرم كه از تو جدا بشوم و بروم، اما طولی نمی كشد كه به سوی تو باز مي گردم: يا خود من يا یکی از فرزندان من. سليمان ديلمي مي گويد از امام صادق عليه السلام پرسيدم: معنی كلام يزجرد (يا خود من يا یکی از فرزندان من) چیست؟ حضرت فرمودند: اين مردی از فرزندان من است و او قائم شماست كه ششمين فرزند من است كه از طرف مادر فرزند يزجرد است؛ (چون) حضرت علي بن الحسين عليهما السلام نوه يزجرد بوده و شهربانو دختر يزجرد همسر حضرت امام حسين عليه السلام است (بنابراين، حضرت بقیة الله رومی له الفداء از طرف مادر نوه يزجرد می شود). مرحوم سيد بن طاوس می فرمايد: در اين روايت آياتی از قدرت خداوند است: ۱. اينكه حضرت امام صادق عليه السلام خبر داده كه حضرت قائم فرزند ششم آن حضرت است لابد از طرف خداوند يا آباء گرامی اش به او گفته شده كه حضرت قائم فرزند ششم شماست، والا از كجا می دانسته كه از اعقاب او مردی به وجود می آيد كه نامش قائم است؟ ۲. از آيات قدرت خداوند اينكه تمام كاخها و قصرها و خانه های كسرى ويران شده است فقط ايوان مانده است تا الان، آن هم ايوانی با آن ارتفاع كه بين زمين و آسمان مانده است. ۳. خبر داشتن كسرى از طريق علم نجوم يا غيره از اينكه در آينده فرزندی از او به وجود می آيد و برمی گردد به سمت ايوان مدائن (اتفاقا مركز سلطنت حضرت مهدی رومی له الفداء در عراق - مسجد سهله - خواهد بود). ۴. ديگر اينكه ممكن است عالم غيب ناخودآگاه بر زبان يزجرد جاری کرده باشد كه در آينده چنين خواهد شد. به هر حال، حجتهاي خداوند بايد بر بندگانش به صورتهای مختلف تمام بشود تا راه بهانه ای برای کسی نماند.

نشانه های ظهور در كتب معتبر اهل سنت و جماعت

اشاره

در اين فصل روايات رسیده از وجود مقدس رسول اکرم صلی الله عليه و آله و اوصیای عزيزش را كه در كتابها معتبر اهل سنت و جماعت، آن هم در معتبرترین آنها (صحاح سته) و كتابهای معتبر ديگر در باب علائم ظهور آمده است عنوان می كنيم تا خوانندگان عزيز بدانند كه تنها علمای شيعة درباره علائم و نشانه های ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء كتاب نوشته و نقل احاديث نكرده اند، بلكه حتی آنهايي كه بر حسب ظاهر ولايت و امامت را از مسير اصلی خودش تغيير داده و بزرگان آنها آنچه نبايد بكنند، کرده اند (اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر تابع له على ذلك) نیز درباره آن حضرت و نشانه های ظهور او روايات عديده نقل کرده اند. اينك به خواست خداوند و الطاف كريمانه امام مظلوم و عزيز ما، حضرت ولي عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف، به سراغ كتابهای ياد شده می رويم و تا آنجايی كه عنایت بشود در جمع روايات رسیده از پيشوايان معصوم

سلام الله عليهم اجمعين پیگیری خواهیم کرد و امید است برای عموم مسلمانان راهنمای خوبی باشد.

امام عصر در کتابهای اهل سنت

محمد بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی ابی طالب و کنیته ابو عبدالله و ابوالقاسم و هو الخلف الحجة صاحب الزمان القائم المنتظر و التالی و هو آخر الائمة. انباءنا عبدالعزيز بن محمود البزاز عن ابن عمر قال قال رسول الله صلى الله عليه و آله يخرج في آخر الزمان رجل من ولدی اسمه كاسمی و کنیته ككنتی یملاء الارض عدلا كما ملئت جورا فذلک هو المهدي. [۲۱۰]. او محمد فرزند حسن فرزند علی فرزند محمد فرزند علی الرضا فرزند موسی فرزند جعفر فرزند محمد فرزند علی فرزند حسین فرزند علی بن ابی طالب کنیه او ابو عبدالله و ابوالقاسم. او تنها بازمانده از حجتهای خداوند است و صاحب الزمان و قائم منتظر و آخرین امام معصوم. این خبر از زبان عبدالعزیز فرزند محمود پسر بزاز از فرزند عمر نقل شده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: در آخر الزمان مردی از عترت و فرزندان من که اسمش مانند اسم من و کنیه او مانند کنیه من است زمین را پر از عدل و داد می کند همچنانکه پر از جور شده باشد و این است مهدی (آل محمد).

رسول اکرم و تعریف امام

من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة. [۲۱۱]. هر کس بمیرد در حالی که امام زمان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است. در این روایت بنیانگذار اسلام در ارتباط با شخصیت امام علیه السلام به اصولی اشاره فرموده اند: ۱. وجوب شناسایی امام در هر زمان. ۲. امام باید معصوم از خطا باشد تا به جاهلیت گرایش نیابد. ۳. امام باید به تمام احکام اسلام، اعم از واجب و حرام، آگاه باشد. ۴. امام باید حتما از طرف خداوند انتخاب شده و علم او علم خدایی باشد. ۵. بدون شناخت امام بهره برداری از نعمتهای عالم آخرت میسر نیست. ۶. نظام عالم هستی در سایه وجود امام باقی می ماند. ۷. با این اوصاف، حکومت بر جهان حق مسلم امام است. ۸. تنها امام معصوم است که با اتکا به قدرت بی نهایت خداوند، جهان را پس از پرشدن از ظلم و جور مملو از عدل و داد می کند. ۹. نفی امامت امام غیر معصوم و مدعیان مهدویت. ۱۰. برنامه کار و دولت امام آسمانی باید از طرف خداوند عالم تدوین شود و آن حضرت همان را در اجتماع پیاده کند. در پایان، شایان ذکر است که منظور از این بحث (شناخت امام علیه السلام) شناسایی آن حضرت از لحاظ کمالات روحی و جسمی است و نیز نحوه ارتباط آن سرور با خداوند بزرگ و کیفیت استیلای آن وجود مقدس بر عالم هستی و شکل پیاده شدن سلطنت آن امام عزیز و برنامه حکومت آن تنها یادگار رسول اکرم صلی الله علیه و آله، والا نه تنها بنده بی بضاعت، عاجز و از پا درآمده هستم بلکه به طور مسلم بزرگان ما نیز از بیان شناخت واقعی امام عاجزند. لذا رسول اکرم صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین فرمودند: ای علی! غیر از خدا و تو کس دیگری مرا نمی شناسد و نیز غیر از من و خداوند کس دیگری نمی تواند تو را بشناسد. البته شناخت ظاهری از لحاظ پدر و مادر و سایر مشخصات، عملی و ممکن است و همه می توانند و باید این شناخت را داشته باشند.

مهدی کیست

حضرت امیرالمؤمنین و تعریف امام

و انما الائمة قوام الله علی خلقه و عرفاؤه علی عباده لایدخل الجنة الا من عرفهم و عرفوه و لایدخل النار الا من انکرهم و انکره. [۲۱۲]. و پیشوایان برای خلق پیرو (امر و نهی) خداوند هستند و او را به بندگانش می شناسانند. داخل بهشت نمی شود مگر کسی

که آنها را بشناسد و ایشان هم او را بشناسند و داخل آتش نمی شود مگر کسی که منکر آنان باشد و ایشان هم او را از آن خویش ندانند. امام امیرالمؤمنین در این خطبه کوتاه در اوصاف ائمه معصومین و فرستادگان خداوند با اشاره به سه اصل مسلم فرموده اند: اول: این ذوات مقدسه از طرف خداوند متعال ماء مور قیام برای هدایت و ارشاد مخلوقات الهی هستند. نهایت اینکه برای هر کدام برنامه خاصی از طرف آفریننده جهان تدوین شده است که ناگزیر باید بر طبق آن عمل کنند (خانه نشینی، دست به شمشیر بردن، با دشمن صلح کردن، معارف عالیه اسلام را به زبان دعا به مردم رساندن، باب مکتب علوم اهل بیت را به روی افراد گشودن و تربیت هزاران شاگرد برجسته، در زندانها جان دادن و به وسیله مناجات مردم را متوجه مبدء و معاد کردن) تا وقتی که ان شاء الله نوبت به حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء برسد و جهان را آباد و معمور فرماید و ریشه ظلم و بیدادگری را از بیخ و بن برکند و عدل و داد واقعی را در سرتاسر جهان پیاده کند و حکومت جهانی الله را در سرتاسر گیتی فرمانروایی بخشد. دوم: ائمه معصومین مرکز عرفان و شناسایی ذات حق در میان مردم هستند و اگر افراد جامعه بخواهند نسبت به عالم غیب عرفانی پیدا کنند و احکام و مقررات الهی را فرا بگیرند، تنها این ذوات مقدسه هستند که می توانند به آنها آگاهی بدهند، همان گونه که در زیارت مبارک «جامعه کبیره» می خوانیم «السلام علی محال معرفه الله». (سلام بر جایگاههای شناخت خدا). سوم: بهره برداری از بهشت و نعمتهای ابدی آن در گرو عرفان و شناسایی ائمه دوازده گانه سلام الله علیهم اجمعین و دور ماندن از جهنم و عذابهای دردناکش در سایه ایمان و اعتقاد به این ذوات مقدسه است. به هر حال، وصول به سعادت ابدی در سایه پیروی و اطاعت از فرمان این عزیزان خواهد بود. در روایت زیر به مناسبت آیه شریفه «واستمع یوم النخ» [۲۱۳] از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: قال ینادی المنادی باسم القائم واسم ابیه علیهما السلام و الصیحه فی هذه الایة صیحه من السماء و ذلک یوم خروج القائم علیه السلام. [۲۱۴]. منادی از آسمان قائم ما را به اسم و نیز اسم پدرش معرفی می کند و صیحه در این آیه صیحه از آسمان است و آن روز، روز قیام مهدی ما است. معاویه بن عمار از حضرت امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ۴۱ سوره رحمان [۲۱۵] نقل می کند که فرمودند: لو قام قائمنا علیه السلام یرفع اعداؤنا بسیماهم فیأخذهم بنواصیهم و اقدمهم یخبطهم هو و اصحابه بالسیف خطا. [۲۱۶]. در هنگام قیام مهدی قائم ما دشمنان ما به وسیله صورتهایشان شناخته می شوند. آنگاه آن حضرت و یاران عزیزش آنها را دستگیر و منکوب خواهند ساخت. عمر بن خنظله روایت می کند که ضمن خواندن آیه ۴ سوره اشعرا [۲۱۷] از امام صادق علیه السلام پرسیدم: نشانه های قیام قائم شما چیست؟ فرمودند: خمس علامات لقیام القائم علیه السلام الصیحه و خروج السفیانی و الخسف و قتل النفس الزکیة و الیمانی قال فتلوت هذه الایة فقلت له اءهی الصیحه قال نعم. [۲۱۸]. برای قیام قائم ما پنج علامت است: ۱. صیحه آسمانی (که البته تمام مردم کره زمین آن را می شنوند و به زبانهای مختلف ترجمه می شود تا همه مردم بدانند). ۲. خروج سفیانی (که از نوادگان بنی امیه است). ۳. خسف و فرورفتن (در زمین بیداد که ظاهرا فرورفتن لشکر سفیانی باشد). ۴. کشتن نفس زکیه (در بین رکن و مقام که البته از دوستان خوب امام عصر روحی له الفداء است). ۵. خروج یمانی. می گوید: آیه بالا را خواندم و عرض کردم: این است صیحه؟ فرمودند: آری. ابی سعید در حدیث زیر، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که آن حضرت به چند نشانه از مشخصات وجودی حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء چنین اشاره فرموده اند: المهدی منی اجلی الجبهه اثنی الانف یملاء یملا الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا [۲۱۹]. ۱۰. مهدی از من است (بنابراین، حتما باید از فرزندان آن حضرت باشد، و در نتیجه، مدعیان دروغگو رسوا خواهند بود). ۲۰. پیشانی او (مهدی روحی له الفداء) گشاده است. ۳۰. بینی او قلمی و کشیده است. ۴۰. کره زمین را پر از عدل و داد می کند و چنانچه از ظلم و جور پر شده باشد. ابو داود، ابن ماجه، طبرانی و حاکم از ام سلمه نقل کرده اند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: المهدی من عترتی من ولد فاطمة. [۲۲۰]. مهدی از خاندان من است و او از فرزندان دخترم فاطمه علیها السلام خواهد بود. بنابراین حدیث، مدعیان مهدویت که از فرزندان فاطمه علیهما السلام نباشد دروغگو خواهند بود. - لعنة الله علیهم - ابی سعید از رسول اکرم صلی الله علیه و آله حدیث می کند که آن حضرت فرمودند: ابشرکم بالمهدی رجل من قریش (من

عترتی) بیعت فی امتی علی اختلاف من الناس و زلازل فیمللا- الارض قسطا کما ملئت جورا و ظلما و یرضی عنه ساکن السماء و ساکن الارض و یقسم المال صحاحا فقال له رجل ما صحاحا قال بالسویه بین الناس و یملاء قلوب امه محمد غنی و یسعهم عدله حتی انه یاءمر منادیا فینادی من له حاجه الی فما یاءتیه احد الا رجل واحد یاءتیه فیساءله فیقول انت السادن حتی یعطیک. [۲۲۱]

بشارت بدهم به شما به مردی از خاندانم که نام او مهدی است. در میان امت من برانگیخته می شود در حالتی که اختلاف فوق العاده ای در میان مردم به وجود آمده و ارکان اجتماع متزلزل است. او (مهدی من) جهان را پر از عدل و داد می کند بعد از اینکه پر از ظلم و جور شده باشد. در سایه حکومت عدل پرورش اهل آسمانها و ساکنان زمین راضی و خوشحال هستند، اموال بیت المال را بالسویه تقسیم می کنند (آری، در آن دولت تبعیض وجود ندارد)، قلبهای امت من پر از بی نیازی خواهد بود و عدل حکومتش سرتاسر دنیا را خواهد گرفت و چندان عدالت گسترش می یابد که منادی از طرف آن حضرت ندا می دهد که هر کس نیازی دارد به سوی ما بیاید تا احتیاج او تاءمین شود. فقط یک نفر مراجعه می کند. پس، از او درخواست می کند. می فرماید: پیش خادم و پرده دار برو تا به تو بدهد. احمد، نعیم بن حماد، حاکم و ابونعیم از ثوبان نقل می کنند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: اذا رأیتم الرايات السود قد اقبلت من خراسان فاءتوها ولو حبوا علی الثلج فان فیها خلیفه الله المهدی. [۲۲۲]. هنگامی که پرچمهای سیاه را که از خراسان می آیند مشاهده کردید به آن جمعیت ملحق شوید اگر چه روی برفها (با سینه) حرکت کنید؛ زیرا جانشین خداوند حضرت مهدی (روحی له الفداء) در آن لشکر خواهد بود. حدیثی نقل می کند که پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: المهدی رجل من ولدی وجهه کالکوکب الدری. [۲۲۳]. مهدی مردی از فرزندان من است که صورتش مانند ستاره درخشان است. حدیثی می گوید که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: المهدی رجل من ولدی لونه لون عربی و جسمه جسم اسرائیلی علی خده الایمن خال کانه کوکب دری یملاء الارض عدلا کما ملئت جورا یرضی فی خلافته اهل الارض و اهل المساء و الطیر فی الجور. [۲۲۴]. مهدی مردی از فرزندان من است. اما نشانه های وجودی او: ۱. از نظر رنگ و قیافه، عربی است. ۲. از لحاظ جسم و قوای جسمی اسرائیلی است (اشاره به قدرت جسمی فوق العاده آن سرور است). ۳. در سمت راست صورت مبارکش خال سیاهی است که مانند ستاره ای پرفروغ بر روی صفحه صورتش می درخشد. ۴. برنامه کار دولتش: جهان را پر از عدالت می کند چنانچه پر از جور شده باشد. به نحوی که در دوران خلافتش اهل زمین و اهل آسمان و پرندگان در فضا خشنود می شوند. طبرانی در کبیر و ابونعیم از علی بن هلالی نقل می کند که پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه سلام الله علیها فرمودند: والذی بعثنی بالحق ان منهما - یعنی من الحسن و الحسین - مهدی هذه الامه اذا صارت الدنیا هر جا مرجا و تظاهرت الفتن و تقطعت السبل و اغار بعضهم علی بعض فلا کبیر یرحم صغیرا ولا صغیرا یوقر کبیرا بعث الله عند ذلک منهما من یفتح حصون الضلاله و قلوبا علفا یقوم بالذین فی آخر الزمان کما قمت فی اول الزمان و یملاء الارض عدلا کما ملت جورا. [۲۲۵]. دخترم! به آن خدایی که مرا مبعوث به رسالت فرموده مهدی از امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) است. [۲۲۶] دخترم! آنگاه که دنیا از هرج و مرج پر شد و انواع فتنه ها جهان را فرا گرفت و عدم امنیت راه زندگی را بر مردم مسدود نمود، مردم اموال یکدیگر را به غارت بردند، بزرگسالان به کوچکتر از خود رحم نکردند و افراد کم سن و سال احترام بزرگان را رعایت ننمودند، در این موقع، خداوند از فرزندان امام حسن و امام حسین (سلام الله علیهما) مهدی این امت را مأمور به قیام می فرماید و کاخهای ضلالت و گمراهی (شرک و کفر و نفاق) را درهم می کوبند و خلاصه به عمر تمام مکتبهای ضد خدایی و ضد ولایی خاتمه می دهد و قلبهای غافل از حق را مسخر می کند و دین را در آخرالزمان برپا می دارد (احکامش را در سرتاسر گیتی اجرا می کند) - چنانچه من به دوران جاهلیت دین مقدس اسلام را در تاریکترین محیطها (شبه جزیره العرب) برپا داشتم - و جهان را پر از عدل و داد می کند چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد. طبرانی از عوف بن مالک روایت کرده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: تجی فتنه غبراء مظلمه ثم یتبع الفتن بعضها بعضا حتی یخرج رجل من اهل بیتی یقال له المهدی (علیه السلام) فان ادر کته

فاتبعه و کن من المهتدين. [۲۲۷]. فتنه ای بس تاریک جهان را دربر می گیرد، آنگاه فتنه ها یکی پس از دیگری در دنیا پدید می آیند و مردم از آنها متابعت می کنند تا آنکه مردی از فرزندان من که او را مهدی (علیه السلام) می گویند قیام کند. پس، اگر زمان او را درک کردی فرمانش را اطاعت کن تا از هدایت شوندگان حق باشی. در روایت زیر که از رسول معظم صلی الله علیه و آله نقل شده است، آن حضرت ضمن اشاره به قیام سید حسنی که مبداء حرکتشان از خراسان است، چنین امر فرموده اند: فلا یبقی اهل بیته حتی یبعث الله رایئاً من المشرق سواداً من نصرها نصره الله و من خذلها خذله حتی یاءتوا رجلاً اسمه کاسمی فیولیه امرهم فیولیه الله و ی نصره. [۲۲۸]. پس، باقی نماند اهل بیتش تا اینکه خداوند برانگیزد پرچم سیاهی را از مشرق. هر کس او را یاری کند خداوند را نصرت نموده و هر کس او را رها سازد (یاری اش ننماید) خداوند او را خوار می کند. صاحب پرچم سیاه خود را به کسی می رساند که همانم من است (حضرت محمد بن الحسن العسکری روحی له الفداء). آنگاه آن حضرت آنان را زیر پرچم ولایتش جای می دهد و خداوند هم او را تائید می فرماید و نصرت می دهد. سعید بن مسیب از بنیانگذار اسلام صلی الله علیه و آله حدیث می کند که فرمودند: تخرج من المشرق رایات سود لبنی العباس ثم یمکتون ماشاء الله ثم تخرج رایات سود صغار تقاتل رجلاً من ولد ابی سفیان و اصحابه من قبل المشرق یؤ دون الطاعة للمهدی. [۲۲۹] پرچمهای سیاه از مشرق ظاهر می شوند که مربوط به اولاد عباس هستند. آنها حکومت را به دست می گیرند و مدت زمامداری آنها آنچه خداوند بخواهد می شود (اشاره به قیام علیه بنی امیه و به حکومت رسیدن بنی عباس به دست ابومسلم خراسانی و طول دوران زمامداری آنها و نیز اشاره به قیام جناب سید حسنی است). سپس پرچمهای سیاه کوچک دیگری ظاهر می شوند که با سفیانی و لشکریانش مبارزه می کنند و مردم را به فرمانبرداری از حضرت ولی عصر (علیه السلام) فرا می خوانند. (ممکن است اشاره به لشکریان جناب سید حسنی باشد که روزهای اول کم اند). ابی سعید خدری گفته است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: المهدی منی اجلی الجبهه افنی الانف یملاء الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً. [۲۳۰]. مهدی از من است. پیشانی اش گشاد و پرفروغ و بینی اش کشیده و قلمی خواهد بود. صفحه گیتی را پس از انباشته شدن از ظلم و جور، از عدل و داد پر می کند. صالح فرزند ابی خلیل از دوستش نقل می کند که ام سلمه همسر رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمودند: یکون اختلاف عند موت الخلیفه فیخرج رجل من اهل المدینه هاربا الی مکه فناءتیه ناس من اهل مکه فیخر جونه و هو کاره فیبايعونه بین الرکن والمقام و یبعث الیه بعث من الشام فیخسف بهم بالبیداء بین مکه والمدینه فاذا رای الناس ذلک اتاه ابدال الشام و عصائب اهل العراق فیبايعونه ثم ینشاء رجل من قریش اخواله کلب فیبعث الیهم بعثاً فیظهورون علیهم و ذلک بعث کلب والخبیه لمن لم یشهد غنیمه کلب فیقسم المال و یعمل فی الناس بسنه نبیهم صلی الله علیه و آله وسلم. [۲۳۱]. هنگام مرگ خلیفه اختلافی به وجود می آید و مردی از اهل مدینه به سوی مکه می گریزد و جمعی از مردم مکه بین رکن و مقام با او بیعت می کنند. آنگاه جمعیتی از شام به خلاف او قیام می کنند و به طرف مکه به حرکت درمی آیند. پس، در زمین بیداء بین مکه و مدینه به زمین فرو می روند و چون مردم از این جریان آگاه می شوند برجستگان شام و نیز جمعی از مردم عراق به سوی او می آیند و با او بیعت می کنند و مردی از طایفه کلب به سوی کسانش می فرستد. پس جمعیتی به سوی آنها می آیند و درگیری بین آنها پیدا می شود و آنان شکست می خورند و در این پیروزی هر کس که از غنائم طایفه کلب نصیبی نداشته باشد زیان کرده است و اینان به روش رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در میان مردم عمل می کنند و اموال و غنائم را بین مردم تقسیم می نمایند. مسلم از ابی نصره نقل می کند: کنا جالسا عند جابر بن عبدالله فقال یوشک اهل العراق ان لا یجیبی الیهم قفیز ولا. درهم قلنا من این ذاک؟ قال من قبل العجم یمنعون ذلک ثم قال یوشک اهل الشام ان لا یجیبی الیهم دینار ولا مدی قلنا من این ذاک قال من قبل الروم ثم سکت هنیئاً ثم قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم یکون فی آخر امتی خلیفه یحیی المال حثیا و لایعده عدا قیل لابی نصره و ابی العلاء اتریان انه عمر! بن عبدالعزیز قال لا. [۲۳۲]. در خدمت جابر بن عبدالله انصاری نشسته بودم. فرمود: در آینده به اهالی عراق درهم و دیناری نخواهد رسید. عرض شد: چرا؟ فرمود: عجم ممانعت خواهد

کرد. سپس فرمود: از طرف رومیها. آنگاه مکثی فرمود و گفت: رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: در آخر الزمان خلیفه ای بر جهان حکم می راند که اموال را بدون حساب و شمارش می دهند. شنوندگان به ابی نضره و ابی علاء گفتند: آیا احتمال می دهید که این خلیفه با این اوصاف عمر بن عبدالعزیز باشد؟ هر دو گفتند: نه، چنین نیست. ثوبان درباره آینده دنیا از زبان بنیانگذار اسلام صلی الله علیه و آله چنین می گوید: یقتل عند کتر کم ثلاثة کلهم ابن خلیفه ثم لایصیر الی واحد منهم ثم تطلع الرايات السود من قبل المشرق فیقتلونکم قتلا لم یقتله قوم ثم ذکر شیئا لا احفظه فقال فاذا راء یتموه فبایعوه ولو حبوا علی الثلج فانه خلیفه الله المهدی. [۲۳۳]

سه نفر در کنار کعبه می جنگند که تمامشان فرزند یک خلیفه هستند (کتر را کنایه از کعبه گرفته اند). آنگاه حکومت به هیچ کدام از آنها نمی رسد؛ سپس پرچمهای سیاه از جانب شرق به اهتزاز درمی آید و نبرد سختی درمی گیرد (که مانند آن دیده نشده است). چون این پرچمها را مشاهده کردید با صاحب آن (فرمانده) بیعت کنید حتی اگر روی برفها راه بروید ولو با سرزانو یا سینه. زیرا آن فرمانده نماینده و جانشین خدا مهدی منتظر است. عبدالله می گوید: بینا نحن عند رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم اذا اقبل فتیه من بنی هاشم فلما رآهم رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم اغرورقت عیناه و تغیر لونه فقلت ما نزال فی وجهک شیئا نکرهه فقال انا اهل بیت اختار الله لنا الاخرة علی الدنيا و ان اهل بیتی سلیقون بعدی بلاء و تشدیدا و تطریدا حتی یأتی قوم من قبل المشرق معهم ریات سود فیستلون الخیر فلا یعطونه فیقاتلون فیصرون فیعطون ما ساءلوا فلا یقبلونه حتی یدفعوها الی رجل من اهل بیتی فیملؤها قسطا کما ملؤوها جورا فمن ادرک ذلک منکم فلیاتهم ولو حبوا علی الثلج. [۲۳۴]. همینطور که در خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بودیم ناگهان عده ای از بنی هاشم (البته از جوانان) بر آن حضرت وارد شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نگاهی به آنها فرمودند و چشمان مبارکشانپر از اشک شد و رنگ صورت شریفشان تغییر کرد. عرض کردم: یا رسول الله! همیشه در رخسار شما حالتی را می بینم که ما ناراحت می کند (در حقیقت، سؤال از علت تغییر قیافه و ناراحتی بوده است). در جواب فرمودند: ما اهل بیتی هستیم که خداوند عالم آخرت را بر دنیا برای ما اختیار فرموده است. بعد از من خاندانم گرفتار مصائب و بلاها و سختیها خواهند شد (قتل، اسارت، زندان، تبعید و خانه نشینی) تا اینکه مردمی از جانب مشرق بیایند در حالی که پرچمهای سیاه به دست دارند و از مردم می خواهند که از کارها و مردم بد دوری گیرند و به سوی خوبیها روی آورند. آنها را اجابت نمی کنند. سرانجام می جنگند تا پیروز می شوند. آنگاه مردم اعلام آمادگی برای قبول خیرات و خوبیها می کنند، اما آنها نمی پذیرند تا اینکه می آیند و پرچم پیروزی را به یکی از مردان خاندان من می دهند و او جهان را پر از عدل و داد می کند پس اینکه از ظلم و جور انباشته شده باشد. پس، هر کس از شما آن زمان را درک کرد به سراغ آنها برود ولو به نحو سینه خیز روی برف باشد. خواننده عزیز! ممکن است فرمایش رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله اشاره به قیام جناب سید حسنی باشد که از خراسان با یارانش حرکت می کند و جمع کثیری از دشمنان اهل بیت را به هلاکت می رساند و خدمت امام عصر روحی له الفداء می رسد و با یارانش تسلیم آن حضرت می شوند و اسلام واقعی پیاده می شود و جهان از عدالت لبریزی می گردد - اللهم عجل فرجه - عبدالله بن عباس روایت کرده است از رسول اکرم صلی الله علیه و آله که فرمودند: ان خلفائی و اوصیائی و حجج الله علی الخلق بعدی لاء ثناعشر اولهم اخی و آخرهم ولدی قیل یا رسول الله و من اخوک قال علی بن ابی طالب قیل فمن ولدک قال المهدی الذی یملؤها قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما والذی بعثنی بالحق بشیرا (و نذیرا) لولم یبق من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یرج فیهم ولدی المهدی فینزل الله عیسی بن مریم فیصلی خلفه و تشرق الارض بنور ربها و یربع سلطانه المشرق و المغرب. [۲۳۵]

جانشینان من و اوصیای من و حجتهای خداوند بر مردم بعد از من دوازده نفرند که اول آنها برادرم آدم است و آخرین آنان فرزندم خواهد بود. عرض شد: یا رسول الله! برادر شما کیست؟ فرمودند: علی بن ابی طالب. عرض شد: فرزندتان کیست؟ فرمودند: مهدی که جهان را پر از عدل و داد می کند بعد از اینکه از ظلم و جور پر شده باشد. آنگاه اضافه می فرمایند: به حق آن خداوندی که مرا به راستی و حق مبعوث فرموده است برای راهنمایی بشر و بشارت دادن آنها به نعمتهای ابدی خداوند و ترساندنشان از عذابهای

او، که اگر از عمر دنیا جز یک روز نماند پروردگارش آن روز را آنقدر طولانی می‌کند تا اینکه فرزندم مهدی در آن روز قیام کند و عیسی بن مریم روح الله از آسمان به زیر آید و پشت سر او نماز بخواند و جهان به نور پروردگارش روشن گردد و حکومت فرزندم شرق و غرب عالم را فراگیرد. ابو نعیم به سند خودش از ثوبان نقل می‌کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اذا راء یتیم الرايات السود من خراسان فاتوها و لو حبوا علی الثلج فان فیها خلیفه الله المهدی». [۲۳۶]. هرگاه دیدید که از جانب خراسان پرچمهایی به رنگ سیاه به اهتزاز در آمد، از آنها استقبال کنید و لو اینکه پای پیاده بلکه با سر زانو روی برفها راه بروید؛ زیرا حجت و جانشین خداوند در این جمعیت است و آن حضرت مهدی (علیه السلام) است. حضرت جواد الائمه علیه السلام درباره نشانه های ظهور و روز اول آن چنین فرموده است: «قال ینادی مناد من السماء باسم المهدی فیسمع من بالشرق و المغرب حتی لا یبقی راقدا الا استیقظ». [۲۳۷]. منادی از آسمان به نام حضرت مهدی فریاد می‌زند و اهل مشرق و مغرب همه آن صدا را می‌شنوند. حتی افرادی که در خواب هستند از شنیدن آن بیدار می‌شوند. خواننده عزیز! با قدرت بی نهایت خداوند صدا به زبانهای مختلف ترجمه می‌شود و اهل هر زبانی آن را می‌شنود. ام سلمه بانوی حرم رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که آن حضرت فرمودند: «بیایع لرجل من امتی بین الرکن و المقام کعدۀ اهل بدر فتاتیه عصب العراق و ابدال الشام فیاتیهم جیش من الشام حتی اذا کانوا بالبیداء خسف بهم ثم یسیر الیه رجل من قریش اخوا له کلب فیهمهم الله تعالی قال و کان یقال ان الخائب یومئذ من خاب من غنیمۀ کلب». [۲۳۸]. در بین رکن و مقام (کنار کعبه معظمه) با مردی از امت من بیعت می‌شود. بیعت کنندگان به تعداد اهل بدر هستند (یعنی سیصد و سیزده نفرند). پس، جمعیتی نیرومند از عراق و برجستگانی از شام خواهند آمد و در این موقع لشکری از شام می‌آید که چون به سرزمین بیداء می‌رسد (نزدیک مکه مکرمه) در این سرزمین همه جمعیت فرو می‌روند. آنگاه مردی از قریش با اقوامش از قبیله کلب می‌آید. خداوند آنها را از بین می‌برد و در آن روز مغبون کسی است که از غنائم بنی کلب محروم بماند. ابی سعید خدری در ارتباط با سالهای قبل از ظهور حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء از آورنده اسلام صلی الله علیه و آله حدیثی نقل نموده است که آن حضرت می‌فرماید: «ستکون بعدی فتن منها فتن الاطلاس یکون فیها هرب و حرب ثم من بعدها فتن اشد منها کلما قیل انقطعت تمادت حتی لا یبقی بیت من العرب الا دخلته و لا مسلم الا وصلته حتی یخرج رجل من عترتی». [۲۳۹]. زود است که بعد از من فتنه‌هایی بر پا می‌شود (اطلاس). در این فتنه هرج و مرج و نبرد به چشم می‌خورد. بعد از این، فتنه‌هایی سنگین تر و شدیدتر به وجود خواهد آمد که مردم پیوسته انتظار تمام شدن آن را می‌کشند، اما متأسفانه ادامه خواهد داشت تا اینکه خانه‌ای در دنیای عرب نماند مگر اینکه این فتنه داخل آن خانه شود. بعلاوه، شعاع این فتنه چندان وسیع است که هر مسلمانی در هر کجا که باشد دچار آن فتنه خواهد شد تا اینکه مردی از دودمان من قیام کند. ابی هریره از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: «یخرج رجل یقال له السفیانی فی عمق دمشق و عامۀ من تبعه من کلب فیقتل حتی یبقر بطون النساء و یقتل الصبیان فتجمع لهم قیس فیقتلها حتی لا یمنع ذنب تعلقه و یخرج رجل من اهل بیتی فی الحرم فیبلغ السفیانی فیبعث الیه جندا من جنده (او من اجناده) فیهمهم فیسیر الیه السفیانی بمن معه حتی اذا جاز ببیداء من الارض خسف بهم فلا ینجو الا - المخبر عنهم. [۲۴۰]. مردی از شام به نام سفیانی خروج می‌کند و تمام افرادی که از او متابعت می‌کنند از طایفه کلب هستند. پس، کشتار می‌کنند؛ حتی شکم زنها را می‌درند و بچه‌ها را می‌کشند. آنگاه طایفه قیس با او جنگ می‌کنند و همگی کشته می‌شوند و کسی که بتواند مقاومت کند نمی‌ماند. در این هنگام مردی از خاندان من در مکه مکرمه قیام می‌کند و خبر قیامش به سفیانی می‌رسد. پس، از لشکریان خود جمعیتی را به جنگ او می‌فرستد و خود با لشکریانش به طرف مکه معظمه حرکت می‌کند. وقتی که به سرزمین بیداء (در نزدیکی مکه مکرمه) می‌رسند به امر خداوند، زمین آنها را فرو می‌برد و نمی‌ماند از آن لشکر مگر خبردهنده‌ای (که خبر نابودی لشکر را به مکه معظمه یا شام می‌رساند). یکی از مهاجران قبطیه از ام سلمه همسر گرامی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که ایشان فرمودند: «لیخسفن بقوم یغزون هذا البیت ببیداء من الارض فقالت ام سلمه یا رسول الله ارایت ان کان فیهم

الکاره فقال (ص) بیعت کل رجل علی نیته. [۲۴۱]. همانا گروهی که عازم نبرد با خانه کعبه هستند در سرزمین بیداء فرو می روند. امّ سلمه عرض می کند: یا رسول الله! آیا امکان دارد که یک نفر در میان این مردم مجبور باشد؟ فرمودند: هر کسی بر اساس نیتی که دارد (در پیشگاه خداوند) محشور می شود. خواننده محترم! البته منظور از نبرد با خانه کعبه یعنی جنگ با حضرت بقیه الله روحی له الفداء و مراد از این لشکر، لشکر سفیانی است. از حدیثی روایت شده است که حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله فرمودند: «تكون وقعه بالزوراء قالوا یا رسول الله و ما الزوراء قال مدینه بالمشرق بین انهار سکنها شرار خلق الله و جابره من امتی تقدف باربعه اصناف من العذاب بالسيف و الخسف و القذف و المسخ.» [۲۴۲]. فاجعه ای بس بزرگ در زوراء پیاده می شود. عرض کردند: زوراء کجاست؟ فرمودند: شهری است در مشرق و در اطرافش نه‌هایی قرار گرفته است. ساکنان آن از ستمگران امت من و بدترین مخلوقات روی زمین هستند که به وسیله چهار نوع از بلا عذاب می شوند: ۱. کشتار به وسیله شمشیر ۲. فرو رفتن در زمین ۳. پرتاب کردن و درهم کوبیدن ۴. مسخ شدن. پیامبر بزرگ اسلام فرمودند: «اذا خرجت السودان طلبت العرب ینکشفون حتی یلحقوا بطن الارض او قال بطن الاردن فینماهم کذلک اذا خرج السفیانی فی ستین و ثلاثمائه راکب حتی یاتی دمشق فلا یاتی علیهم شهر حتی یبایعه من کلب ثلثون الفا فیبعث جیشا الی العراق فیقتل بالزوراء مائه الف و یخرجون الی الکوفه فینهبونها صالح فیستنفذ ما فی ایدیهم من سبی اهل الکوفه و یقتلهم و یخرج جیش آخر من جیوش السفیانی الی المدینه فینهبونها ثلاثه ایام ثم یسیرون الی مکة حتی اذا کانوا بالبیداء بعث الله تعالی جبرئیل علیه السلام فیقول یا جبرئیل عذبهم فیضربهم برجله ضربه یخسف الله عزوجل بهم فلا یبقی منهم الا رجلا ن فیکدمان علی السفیانی فیکبرانه بخسف الجیش فلا یهوله ثم ان رجلا من قریش یهربون الی قسطنطنیه فیبعث السفیانی الی عظیم الروم ان ابعث بهم فی المجامع فیبعث بهم الیه فیضرب اعناقهم علی باب المدینه بدمشق.» قال حدیثه حتی انه یطاف بالمرءه فی مسجد دمشق بالثوب علی مجلس علی مجلس حتی تآتی فخذ السفیانی فتجلس علیه و هو فی المحراب قاعدا فیقوم رجل من المسلمین فیقول و یحکم اکفرتم بعد ایمانکم ان هذا لا یحل فیقوم فیضرب عنقه فی مسجد دمشق و یقتل کل من شایعه علی ذلك فعند ذلك ینادی مناد من السماء یا ایها الناس ان الله عزوجل قد قطع عنکم مدء الجبارین و المنافقین و اشیاءهم و ولاکم خیر امه محمد صلی الله علیه فالحقوا به بمکه فانه المهدی.» قال حدیثه فقام عمر بن الحصین فقال یا رسول الله کیف لنا حتی نعرفه قال هو رجل من ولدی کانه من رجال بنی اسرائیل علیه عبا تان قطوانیتان کان وجهه الکوکب الدرّی فی اللون فی خده الایمن خال اسود بن اربعین سنه فیخرج الابدال من الشام و اشباههم و تخرج الیه النجباء من مصر و عصاب اهل الشرق و اشباههم حتی یاتوا مکة فیبايع له بین الرکن و المقام ثم یرجع متوجها الی الشام و جبرئیل علی مقدمته و میکائیل علی ساقته فیفرح به اهل السماء و اهل الارض و الطیر و الوحوش و الحیتان فی البحر و تیزد المیاء فی دولته و تمد الانهار و تضعف الارض اکلها و تستخرج الكنوز کلها فیکدم الشام فیدبح السفیانی تحت الشجره التي اغصانها الی بحیره طبریة و یقتل کلبا.» قال حدیثه قال رسول الله صلی الله علیه و سلم فالخائب من خاب یوم کلب و لو بعقال قال حدیثه یا رسول الله یحل قتالهم و هم موحدون فقال رسول الله صلی الله علیه و سلم یا حدیثه هم یومئذ علی رده یزعمون ان الخمر حلال و لا یصلون.» [۲۴۳]. هرگاه سودان برای دست یافتن به عرب حرکت کرد و در زمین اردن، در این موقع، سفیانی قیام می کند و در حالی که سیصد و شصت هزار سوار در اختیار او هست، می آید تا به شهر شام می رسد و در بین راه تمام شهرها با او بیعت می کنند، از جمله سی هزار تن از طایفه کلب با او بیعت می نمایند. پس، سفیانی لشکری به عراق می فرستد و در زوراء (ظاهرا بغداد باشد) صد هزار تن از جمعیت آن شهر را می کشد. آنگاه از آنجا به سمت کوفه می رود و کوفه را خراب می کند. در این موقع، پرچمهایی از مشرق حرکت می کنند و رهبری آنها را مردی به نام شعیب بن صالح به عهده دارد که با سفیانی درگیری پیدا می کند و اسرای کوفه را نجات می دهد. بعد از این جریان، لشکر دیگری از جانب سفیانی به سمت مدینه حرکت می کند و سه روز آنجا را مورد تعدی و تجاوز قرار می دهد. آنگاه به سمت مکة حرکت می کنند تا اینکه به سرزمین بیداء می رسند. جبرئیل علیه السلام از طرف خداوند ماء موریت پیدا می کند و با اشاره به زمین، تمام

این جمعیت را فرو می برد مگر دو نفر که خودشان را به سفیانی می رسانند و او را از هلاکت لشکریانش آگاه می سازند. مقارن این وضع، عده ای از قریش به قسطنطنیه می گریزند و سفیانی از پادشاه روم می خواهد که آنها را تسلیم وی کند. او هم این کار را می کند و پناهندگان را تسلیم سفیانی می نماید و او همه آنها را در ابتدای شهر در دمشق گردن می زند. حذیفه گفت: سرانجام کار به جایی می رسد که زنها در مسجد جامع دمشق حرکت می کنند و محافلی تشکیل می دهند و در حالی که سفیانی در محراب نشسته است بعضی از زنان در دامن او می نشینند. در این موقع، یک نفر بلند می شود و فریاد می زند: ای مردم! این عمل حرام است، مگر کافر شده اید؟ به امر سفیانی گردنش را می زنند و هر کسی که متابعت از این شخص بکند او را می کشند. پس، در این موقع منادی از آسمان فریاد می زند: ای مردم روی زمین! خداوند به زندگی ستمکاران خاتمه داد و منافقان و پیروان آنها از بین رفتند (حکومت باطل و اهل آن واژگون شد). خداوند برای شما فرمانروایی از آل محمد صلی الله علیه و آله معین فرموده که در مکه است. بشتابید و از دستورهایش پیروی کنید و نامش مهدی است. حذیفه گوید: عمر بن حصین برخاست و عرض کرد: یا رسول الله! مشخصات او را برای ما بیان فرماید تا او را بشناسیم. حضرت فرمودند: او مردی از فرزندان من است که از نظر جسم و قوای جسمانی مانند اسرائیلیان است. دو عبای سفید پوشیده است، صورتش مانند ستاره درخشان می درخشد، در طرف راست صورتش خالی سیاه است و از لحاظ سن به مرد چهل ساله ای می ماند. مردانی از شام به نام ابدال و پیروانشان و نیز نجبا و یاران آنها از مصر و جمعیتی از مشرق حرکت می کنند تا اینکه به مکه معظمه می رسند و در بین رکن و مقام با آن حضرت بیعت می کنند. در این موقع، مهدی ما به طرف شام حرکت می کند در حالی که جبرئیل علیه السلام پیشاپیش او و میکائیل به دنبال او در حرکت اند. موجودات آسمان و زمین - اعم از حیوانات دریایی، پرندگان و چرندگان - از حکومت و قیام او خوشحال هستند. در دولت او نهرهای آب زیاد می شود و زمین برکات خود را مضاعف می کند و تمام گنجهای نهفته آشکار می گردد. او با لشکریانش به شام می رسند و سفیانی را در زیر درختی که شاخه های آن به طرف دریاچه طبریه است سر می برند و طایفه بنی کلب را می کشند. حذیفه گوید: حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: چه روز بدی است روز کلب. حذیفه عرض کرد: یا رسول الله! چگونه می شود با آنها جنگید و حال آنکه آنها مسلمان اند؟ پیامبر فرمود: اینها در آن روز مرتد هستند و گمان می کنند مشروبات الکلی حلال است و نماز نمی خوانند. حضرت امام امیرالمؤمنین علیه السلام خبر از قیام سفیانی و آمدنش به کوفه می دهد و نیز می فرماید: «اذا خرجت خیل السفیانی الی الکوفه بعث فی طلب اهل خراسان و یخرج اهل خراسان فی طلب المهدی فیلتقی هو والهاشمی برایات سود علی مقدمته شعیب بن صالح فیلتقی هو والسفیانی بباب اصطخر فیکون بینهم ملحمه عظیمه فتظهر رایات السود و تهرب خیل السفیانی فعند ذلک یتمنی الناس المهدی و یطلبونه.» [۲۴۴]. در این موقع سفیانی از کوفه قصد حمله به خراسان دارد و مردم خراسان در طلب حضرت مهدی (علیه السلام) به حرکت در می آیند و با سید هاشمی ملاقات می کنند در حالی که پرچمهای سیاه در اهتزاز است (رایات جنات سید حسنی). پیشاپیش سپاه، شعیب بن صالح قرار گرفته است و در جایی به نام اصطخر نبرد شدیدی در می گیرد که لشکریان سفیانی از بین می روند و آنگاه مردم تمنای دیدار حضرت مهدی (علیه السلام) را دارند. نعیم بن حماد در کتاب فتن با سند صحیح از علی علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمودند: «والفتن اربع فتنه السراء و فتنه الضراء و فتنه کذا فذکر معدن الذهب ثم یخرج رجل من عتره الرسول علیه الصلوٰه و السلام یصلح علی یدیه امرهم.» [۲۴۵]. فتنه (فتنه های آخر الزمان) بر چهار قسم است: فتنه سراء، فتنه ضراء و فتنه کذا (ممکن است اشاره به فتنه های عقیدتی باشد). آنگاه اشاره به معدن طلا فرمودند. در این هنگام، مردی از آل رسول صلی الله علیه و آله قیام می کند و امور مردم به دست پر قدرتش اصلاح خواهد شد. نعیم بن حماد از علی علیه السلام نقل می کند که فرمودند: «و اذا نادى مناد من السماء ان الحق فی آل محمد (صلی الله علیه و آله) فعند ذلک یتظهر المهدی علی افواه الناس و یشربون حبه و لا- یکون لهم ذکر غیره.» [۲۴۶]. هرگاه منادی از آسمان (جبرئیل علیه السلام) ندا در داد که حق با آل محمد (صلی الله علیه و آله) است، در این هنگام، مهدی این خاندان ظاهر می شود

که همه مردم او را می بینند و محبت نسبت به آن سرور در دل‌های مردم متمرکز می شود بطوریکه یادی از غیر آن حضرت نمی کنند. ابی اسحاق از امام امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می کند که فرمودند: «نظر الی ابنه الحسین فقال ان ابنی هذا سید کما سماه النبی صلی الله علیه و آله سیخرج من صلبه رجل یسمى باسم نبیکم یشبهه فی الخلق و لا یشبهه فی الخلق ثم ذکر قصه یملا الارض عدلا». [۲۴۷]. آن حضرت نگاهی به حضرت امام حسین (علیه السلام) کردند و فرمودند: این فرزند من سید و آقا است چنانکه جدش او را سید خوانده است (شاید اشاره به حدیث «الحسن و الحسین سید اشباب اهل الجنة» باشد). بزودی خداوند از نسل او مردی را بوجود می آورد که همنام (محمد) و از نظر ظاهر و قیافه شبیه پیامبر شماس است اما از نظر اخلاق با او فرق می کند (ممکن است اشاره به اختلاف برنامه کار باشد که وجود مقدس رسول الله صلی الله علیه و آله مأمور به ظاهر بود، اما حضرت مهدی علیه السلام چون باید جهان را اصلاح کند مأمور به واقع است). سپس داستانی را که زمین را پر از عدل می کند، ذکر کرد. هلال بن عمرو از امام امیرالمؤمنین علیه السلام حدیث می کند که آن سرور فرمودند: «قال النبی صلی الله علیه و آله یخرج رجل من وراء النهر یقال له الحارث بن حراث علی مقدمته رجل یقال له المنصور یواطیء او یمكن لآل محمد کما مکنت قریش لرسول الله صلی الله علیه و آله و جب علی کل مؤ من نصره او قال «اجابته». [۲۴۸]. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم مردی از وراء النهر که او را حارث بن حراث می گویند قیام می کند. در پیشاپیش او مردی در حرکت است که نامش منصور است (یکی از نامهای مبارک آقا حضرت مهدی روحی له الفداء منصور است) و زمینه را برای حکومت آل محمد آماده می سازد چنانچه قریش نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم همین معامله را کردند (آماده ساختن زمینه پیشرفت). فرمودند: بر هر مسلمانی واجب است او را یاری کند (یا دعوتش را اجابت نماید). محمد بن صامت می گوید: «قلت لابی عبدالله الحسین بن علی علیهما السلام اما من علامه بین یدی هذا الامر - یعنی ظهور المهدی علیه السلام - فقال بلی قلت و ما هی قال هلاک بنی العباس و خروج السفیانی و الخسف بالیداء قلت جعلت فداک اخاف ان یطول هذا الامر انما هو کنظام الخرز یتبع بعضه بعضا. [۲۴۹]. از حضرت امام حسین علیه السلام پرسیدم: آیا برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام نشانه هایی هست؟ فرمودند: آری. عرض کردم: چیست؟ فرمودند: هلاکت بنی عباس، قیام سفیانی (از شام) و فرو رفتن در سرزمین بیداء (نزدیکی مکه معظمه لشکریان سفیانی به زمین فرو می روند). عرض کردم: فدایت شوم، می ترسم این امر به طول انجامد. فرمودند: این سه نشانه منظم یکی بعد از دیگری خواهد آمد. بخاری در کتاب خودش از عوف بن مالک از حضرت امام حسین علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمودند: اذا هدم حائط مسجد الکوفه مما یلی دار عبدالله بن مسعود (او دار عبدالملک) فعند ذلک زوال ملک القوم و عند زواله خروج المهدی. [۲۵۰]. هرگاه دیوار مسجد کوفه که در جنب خانه عبدالله بن مسعود (یا خانه عبدالملک است) خراب شد، در این هنگام، سلطنت دشمنان ما (کنایه از انقراض بنی العباس یا دیگران) ساقط می شود و در این زمان است که مهدی ما قیام می کند. (اللهم عجل فرجه).

پاورقی

[۱] فصلت / ۵۳.

[۲] بقره / ۱۵۶.

[۳] آل عمران / ۷.

[۴] غیبت نعمانی، ص ۲۵۰.

[۵] انعام / ۳۷.

[۶] در باب «دابة الارض» بعضی گفته اند منظور، حضرت امیرالمؤمنین سلام الله علیه است و بعضی دیگر برآنند که منظور، حضرت بقیة الله روحی له الفداء است.

- [۷] بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۱۸۱.
- [۸] انعام / ۶۵.
- [۹] بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۱۸۲.]
- [۱۰] یونس / ۵۱.
- [۱۱] سبأ / ۵۰.
- [۱۲] بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۱۸۵.
- [۱۳] معارج / ۱.
- [۱۴] بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۱۸۸.
- [۱۵] بصائر الدرجات، ص ۱۴۷.
- [۱۶] اصول کافی، ج ۱ / ص ۱۹۲.
- [۱۷] همان ماءخذ، ج ۱ / ص ۱۹۲.
- [۱۸] همان ماءخذ، ج ۱ / ص ۱۹۳.
- [۱۹] همان ماءخذ، ج ۱ / ص ۲۶۴.
- [۲۰] همان ماءخذ، ج ۲ / ص ۱۷.
- [۲۱] همان ماءخذ، ج ۱ / ص ۲۳۹.
- [۲۲] بحار النوار ج ۵۲ / ص ۱۹۰.
- [۲۳] البته در بعضی روایات دعای یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک به نام دعای غریق ذکر شده.
- [۲۴] بحار الانوار ج ۵۲ / ص ۱۹۰
- [۲۵] این آیین در مقابل اسلام و کشورهای به اصطلاح مسلمان قرار بده مسلما غیر از اسم و رسم از قرآن و اسلام چیز دیگری نمی بینی.
- [۲۶] همان ماخذ ج ۵۲ / ص ۱۹۱.
- [۲۷] همان ماءخذ، ج ۵۲ / ص ۱۹۲.
- [۲۸] الامام المهدي عند اهل السنه، ج ۲، مشارق الانوار، ص ۲۹.
- [۲۹] نوائب الدهور، ج ۱ / ص ۱۵۰.
- [۳۰] اثباه الهداه، ج ۷ / ص ۳۹۰ و ۳۹۱.
- [۳۱] فرورفتگی زمین
- [۳۲] غیبت طوسی، ص ۲۷۵.
- [۳۳] نوائب الدهور، ص ۲۹۱.
- [۳۴] انعام / ۶۵.
- [۳۵] مؤ منون / ۱۱۵.
- [۳۶] بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۲۶۲ - ۲۶۴.
- [۳۷] الملاحم و الفتن، ص ۵۴.
- [۳۸] نوائب الدهور، ص ۱۰۶.

- [۳۹] الملاحم و الفتن، ص ۲۱.
- [۴۰] الملاحم و الفتن، ص ۵۲.
- [۴۱] الملاحم و الفتن، ص ۱۰۰.
- [۴۲] یکی از نامهای حضرت مهدی روحی له الفداء.
- [۴۳] نوائب الدهور، ص ۱۳۱. طبق روایات زیادی مراد از «دابة الارض» حضرت علی علیه السلام است (ناشر).
- [۴۴] نوائب الدهور، ص ۱۴۶.
- [۴۵] نوائب الدهور، ص ۱۶۶.
- [۴۶] نوائب الدهور، ص ۱۷۰.
- [۴۷] نوائب الدهور، ص ۱۶۸.
- [۴۸] هود / ۱۵.
- [۴۹] شوری / ۲۰.
- [۵۰] کهف / ۱۱۰.
- [۵۱] زخرف / ۶۷.
- [۵۲] نساء / ۱۳۵.
- [۵۳] لیل / ۲۰.
- [۵۴] الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۵۰ - ۱۵۲.
- [۵۵] آنگاه آیاتی از قرآن تلاوت فرمودند از سوره «تبارک». طالبان به شرح آیات مراجعه نمایند.
- [۵۶] روزگار رهایی، ص ۴۵۰.
- [۵۷] همان ماءخذ، ص ۴۵۱.
- [۵۸] همان ماءخذ، ص ۴۵۲.
- [۵۹] همان ماءخذ، ص ۴۵۳ و ۴۵۴.
- [۶۰] همان ماءخذ، ص ۴۶۷.
- [۶۱] بحار، ج ۵۳، ص ۱۰.
- [۶۲] روزگار رهایی، ص ۴۲۹.
- [۶۳] همان ماءخذ، ص ۵۵۴.
- [۶۴] الامام المهدی (عج) من المهد الی الظهور، ص ۳۶۵.
- [۶۵] بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۲۶۶.
- [۶۶] اختصاص مفید، ص ۲۰۷.
- [۶۷] با این تفاوت که جناب ایوب تقریباً هفت سال در مصائب و بلاها صبر کرد، اما حضرت مهدی ارواحنا له الفداء بیش از یکهزار و صد و چهل و چند سال در مقابل همه مصائب و سختیها و هجوم دشمنان و تبلیغات مسموم منافقان و معاندان صبر کرده اند تا زمانی که خداوند فرمان ظهورشان را امضاء فرماید.
- [۶۸] بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۱۹۳.
- [۶۹] اثبابة الهداء، ج ۷ / ص ۴۱۴.

[۷۰] اشاره به شخصیت مادر مکرمه حضرت بقیه الله، حضرت نرجس خاتون سلام الله علیها، فرموده اند.

[۷۱] غیبت نعمانی، ص ۲۷۸.

[۷۲] کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۴.

[۷۳] الملاحم و الفتن، ص ۵۹.

[۷۴] همان ماءخذ، ص ۳۵.

[۷۵] قابل توجه اینکه خطبه مزبور با تفاوت‌هایی نقل شده است، از جمله در خود الزم الناصب (ج ۲ / ص ۲۱۳ و سپس در ص ۲۳۲). ضمنا در مورد ترجمه، آنچه که به ذهن نزدیکتر می آمد ذکر شد و ممکن است معانی دیگری هم از آن بتوان استفاده کرد، که حتما نیز چنین است و ما به خاطر عدم اطاله کلام آنها را ذکر نکرده، این کار را به خود خوانندگان پژوهشگر واگذار نمودیم. همچنین، باید متذکر این نکته شد که خطبه مورد بحث دارای مضامین بسیار عالی است و گویا اصلا طوری القاء شده که احتمالات مختلف در آن مطرح و ملحوظ گردد، و به اصطلاح، استعمال لفظ در اکثر از معنی که نزد محققان صحیح است در اینها انجام شده، یعنی هر فقره چندین معنی دارد.

[۷۶] الزم الناصب، ج ۲ / ص ۱۸۱.

[۷۷] شاید هم کلمه مزبور «شقاق» به ضم «شین» باشد به معنای مرضی که در پای چارپا پیدا می شود و او را از رفتن و دویدن باز می دارد، که کنایه از این است که اگر در جایی به مانعی برخورد کردند، با خونریزی هم که شده است خود را از آن مانع عبور می دهند و هیچ ابایی از هیچ کاری ندارند.

[۷۸] روضه کافی، ج ۲ / ص ۳۵۹ - ۳۶۲.

[۷۹] روزگارهایی، ص ۴۵۹.

[۸۰] توبه / ۳۳.

[۸۱] روزگارهایی، ص ۴۶۱.

[۸۲] همان ماءخذ و صفحه.

[۸۳] بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۲۷۵.

[۸۴] روزگارهایی، ص ۴۲۹.

[۸۵] همان ماءخذ، ص ۴۷۱.

[۸۶] طرطوس از شهرهای بندری سوریه است.

[۸۷] استانبول فعلی.

[۸۸] روزگارهایی، ص ۵۵۴.

[۸۹] بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۲۶۵.

[۹۰] بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۱۹۰.

[۹۱] البته در بعضی روایات دعای (یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک) به نام دعای غریق ذکر شده.

[۹۲] بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۱۹۰.

[۹۳] این آئینه را در مقابل دنیای اسلام و کشورهای به اصطلاح مسلمان قرار بده، مسلما غیر از اسم و رسم از قرآن و اسلام چیز دیگری نمی بینی.

[۹۴] همان ماءخذ ج ۵۲ / ۱۹۱.

- [۹۵] همان ماءخذ، ج ۵۲ / ص ۱۹۲.
- [۹۶] الامام المهدي عند اهل السنه، ج ۲؛ مشارق الانوار، ص ۲۹.
- [۹۷] نوائب الدهور، ج ۱ / ص ۱۵۰.
- [۹۸] اثبأء الهداء، ج ۷ / ص ۳۹۰ و ۳۹۱.
- [۹۹] فرورفتگی زمین.
- [۱۰۰] بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۲۶۵.
- [۱۰۱] ارشاد مفید، ج ۳، ص ۳۴۷.
- [۱۰۲] همان ماءخذ، ص ۳۵۸.
- [۱۰۳] همان ماءخذ، ص ۳۶۰.
- [۱۰۴] تاریخ ما بعد الظهور، ص ۷۶۲.
- [۱۰۵] هود / ۸۶.
- [۱۰۶] اثبأء الهداء، ج ۷ / ص ۳۹۲.
- [۱۰۷] غیبت طوسی، ص ۲۷۴.
- [۱۰۸] غیبت نعمانی، ص ۲۷۹.
- [۱۰۹] همان ماءخذ، ص ۲۷۹.
- [۱۱۰] غیبت نعمانی، ص ۲۸۰.
- [۱۱۱] نساء / ۴۷.
- [۱۱۲] آل عمران / ۳۴.
- [۱۱۳] بقره / ۱۴۸.
- [۱۱۴] الامامة و التبصرة، ص ۱۳۱.
- [۱۱۵] الملاحم و الفتن، ص ۵۶.
- [۱۱۶] غیبت نعمانی، ص ۲۵۷.
- [۱۱۷] همان ماءخذ، ص ۲۶۴.
- [۱۱۸] روزگاری، ج ۱ / ص ۴۵۳.
- [۱۱۹] اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳۱.
- [۱۲۰] روزگاری، ج ۱ / ص ۴۵۸.
- [۱۲۱] الامام المهدي عليه السلام من المهد الى الظهور، ص ۳۹۰.
- [۱۲۲] اثبأء الهداء، ج ۷ / ص ۴۲۶.
- [۱۲۳] مکیال المکارم، ج ۲ / ص ۱۸۴.
- [۱۲۴] همان ماءخذ، ص ۱۸۶.
- [۱۲۵] همان ماءخذ، ص ۱۸۷.
- [۱۲۶] همان ماءخذ، ص ۱۸۹.
- [۱۲۷] مکیال المکارم، ج ۲ / ص ۱۸۹.

- [۱۲۸] بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۲۱۷.
- [۱۲۹] بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۲۴۹.
- [۱۳۰] ارشاد مفید، ص ۳۵۳.
- [۱۳۱] همان ماءخذ، ص ۳۵۲.
- [۱۳۲] بقره / ۱۵۵.
- [۱۳۳] ارشاد مفید، ص ۳۵۳.
- [۱۳۴] روزگارهایی، ج ۱ / ص ۵۱۷.
- [۱۳۵] آل عمران / ۸۳.
- [۱۳۶] ارشاد مفید، ص ۳۵۹.
- [۱۳۷] همان ماءخذ، ص ۳۶۱.
- [۱۳۸] همان ماءخذ، ص ۳۶۱.
- [۱۳۹] حجر / ۷۵ و ۷۶.
- [۱۴۰] اثبأ الهدأه، ج ۷ / ص ۴۰۳.
- [۱۴۱] همان ماءخذ، ص ۳۹۷.
- [۱۴۲] همان ماءخذ، ص ۳۹۶.
- [۱۴۳] همان ماءخذ، ص ۳۹۶.
- [۱۴۴] غیبت طوسی، ص ۲۷۱.
- [۱۴۵] نفس زکیه طبق روایات معتبر جوانی است از آل محمد که پیش از ظهور در بین رکن و مقام در کنار خانه کعبه شهید می شود.
- [۱۴۶] آل عمران / ۱۷۹.
- [۱۴۷] نوائب الدهور، ج ۱، ۷۸.
- [۱۴۸] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۴ - ۲۶۰.
- [۱۴۹] این عبارت یا از باب تقیه است یا جهت امتحان و آزمایش منصور؛ والا حجت خداوند که تمام عالم هستی به امر خداوند متعال در دست اوست چگونه نیاز به دشمن خدا دارد؟.
- [۱۵۰] در انگلستان عمل شنیع لواط قانونی اعلام شده و مسأله همجنس بازی فوق العاده شایع است و نیز در بعضی از کشورهای اروپایی دیگر - مانند فرانسه - عمل لواط شایع است و خودفروشان خودشان را عرضه می دارند.
- [۱۵۱] بحار الانوار، ج ۵۳ / ص ۷.
- [۱۵۲] زمر / ۷۴.
- [۱۵۳] غیبت طوسی، ص ۲۶۷.
- [۱۵۴] همان ماءخذ، ص ۲۷۴.
- [۱۵۵] غیبت نعمانی، ص ۲۷۰.
- [۱۵۶] همان ماءخذ، ص ۲۷۲.
- [۱۵۷] همان ماءخذ، ص ۲۷۴.

- [۱۵۸] همان ماءخذ، ص ۲۷۴.
- [۱۵۹] الامامة و التبصرة، ص ۱۳۰.
- [۱۶۰] الزام الناصب، ج ۲ / ص ۱۶۳.
- [۱۶۱] همان ماءخذ، ص ۱۵۹.
- [۱۶۲] همان ماءخذ، ص ۱۶۴.
- [۱۶۳] بقره / ۱۴۸.
- [۱۶۴] الزام الناصب، ج ۲ / ص ۲۸۷.
- [۱۶۵] غیبت نعمانی، ص ۲۵۲.
- [۱۶۶] روزگارهایی، ص ۴۵۸.
- [۱۶۷] همان ماءخذ، ص ۴۵۸.
- [۱۶۸] همان ماءخذ، ص ۴۲۹.
- [۱۶۹] همان ماءخذ، ص ۴۳۰.
- [۱۷۰] همان ماءخذ، ص ۴۳۰.
- [۱۷۱] همان ماءخذ، ص ۴۳۱.
- [۱۷۲] همان ماءخذ، ص ۵۱۳.
- [۱۷۳] همان ماءخذ، ص ۵۱۴.
- [۱۷۴] همان ماءخذ، ص ۵۱۵.
- [۱۷۵] همان ماءخذ، ص ۵۱۵.
- [۱۷۶] کمال الدین صدوق، ج ۲ / ص ۳۹۰ (چاپ جدید، ص ۶۷۲، ح ۲۵).
- [۱۷۷] همان ماءخذ، ص ۳۹۱ (چاپ جدید، ص ۶۷۴، ح ۲۸).
- [۱۷۸] یوسف / ۹۴.
- [۱۷۹] کمال الدین صدوق، ج ۲ / ص ۳۹۲ (چاپ جدید، ص ۶۷۴، ح ۲۹).
- [۱۸۰] روزگارهایی، ص ۵۱۵.
- [۱۸۱] همان ماءخذ، ص ۵۱۶.
- [۱۸۲] همان ماءخذ، ص ۵۱۶.
- [۱۸۳] توبه / ۳۳.
- [۱۸۴] کمال الدین صدوق، ج ۲ / ص ۳۸۷ (چاپ جدید، ص ۶۷۰، ح ۱۶).
- [۱۸۵] روزگارهایی، ج ۱ / ص ۵۰۶.
- [۱۸۶] الامام المهدي عليه السلام من المهد الى الظهور، ص ۵۱۶.
- [۱۸۷] اثبات الهداة، ج ۷ / ص ۴۳۰.
- [۱۸۸] همان ماءخذ، ص ۴۲۳.
- [۱۸۹] همان ماءخذ، ص ۳۹۶.
- [۱۹۰] مکیال المکارم، ج ۲ / ص ۱۸۵.

- [۱۹۱] همان ماءخذ، ص ۱۸۸.
- [۱۹۲] همان ماءخذ، ص ۱۸۸.
- [۱۹۳] همان ماءخذ، ص ۱۸۹.
- [۱۹۴] همان ماءخذ، ص ۱۸۷.
- [۱۹۵] شعرا / ۴.
- [۱۹۶] بحار الانوار، ج ۵۲ / ص ۲۷۰ و ۲۷۱.
- [۱۹۷] همان ماءخذ، ص ۲۱۰.
- [۱۹۸] همان ماءخذ، ص ۲۸۶.
- [۱۹۹] غیبت طوسی، ص ۲۶۸.
- [۲۰۰] اثبأء الهداه، ج ۷ / ص ۳۹۸.
- [۲۰۱] مکیال المکارم، ج ۲ / ص ۱۸۶.
- [۲۰۲] غیبت نعمانی، ص ۲۰۶.
- [۲۰۳] غیبت طوسی، ص ۲۶۸.
- [۲۰۴] همان ماءخذ، ص ۲۶۹.
- [۲۰۵] همان ماءخذ، ص ۲۶۹.
- [۲۰۶] همان ماءخذ، ص ۲۷۴.
- [۲۰۷] الملاحم و الفتن، ص ۴۶.
- [۲۰۸] در سال تاءلیف این کتاب ستاره مذکور در کره زمین دیده شد، حتی با چشمهای غیر مسطح.
- [۲۰۹] الملاحم و الفتن، ص ۲۰۰.
- [۲۱۰] تذکره الخواص، ص ۱۳۸.
- [۲۱۱] الامام المهدی عند اهل السنه، ج ۱ / ص ۱۲.
- [۲۱۲] شرح ابن الحدید، ج ۹ ص ۱۵۲.
- [۲۱۳] «و استمع يوم يناد المناد من مكان قريب. يوم يسمعون الصيحة بالحق ذلك يوم الخروج» (ق / ۴۱ و ۴۲).
- [۲۱۴] ینابیع الموده (چاپ بمبئی)، ص ۴۳۹.
- [۲۱۵] «يعرف المجرمون بسيماهم فيؤخذ بالنواصي و الاقدام» (رحمان / ۴۱).
- [۲۱۶] ینابیع الموده، ص ۴۳۹.
- [۲۱۷] «ان نشاء نزل عليهم من السماء آية فظلت اعناقهم لها خاضعين».
- [۲۱۸] ینابیع الموده، ص ۴۲۶.
- [۲۱۹] الحاوی للفتاری، جزء دوم، ص ۳۵۵.
- [۲۲۰] مهدی از خاندان من است و او از فرزندان دخترم فاطمه علیهما السلام خواهد بود.
- [۲۲۱] همان ماءخذ، ص ۳۵۵.
- [۲۲۲] همان ماءخذ، ص ۳۶۴.
- [۲۲۳] همان ماءخذ، ص ۳۶۸.

- [۲۲۴] همان ماءخذ، ص ۳۶۸.
- [۲۲۵] همان ماءخذ، ص ۳۶۸.
- [۲۲۶] اشاره به اینکه همسر حضرت سجاد علیه السلام دختر حضرت امام حسن است. بنابراین، امام زمان روحی له الفداء از طرف پدر از حضرت امام حسین و از طرف مادر از امام حسن علیهما السلام است. آری نوشته اند که مادر مکرمه حضرت باقر علیه السلام ام عبدالله دختر حضرت امام حسن علیه السلام بوده است.
- [۲۲۷] الحاوی الفتاری، جزء دوم، ص ۳۶۹.
- [۲۲۸] همان ماءخذ، ص ۳۷۱.
- [۲۲۹] همان ماءخذ، ص ۳۷۲.
- [۲۳۰] سنن ابی داود (مختصر)، جزء ۶ / ص ۱۶۰.
- [۲۳۱] همان ماءخذ، ص ۱۶۱.
- [۲۳۲] تذکره القرطبی، ص ۶۰۹ و صحیح مسلم، ج ۴ / ص ۲۲۳۴.
- [۲۳۳] النهایه ابن اثیر، ص ۳۰۰ و ۳۰۱.
- [۲۳۴] همان ماءخذ، ص ۳۰۰.
- [۲۳۵] فرائدالمسطین ج ۲ / ص ۳۱۲.
- [۲۳۶] فصول المهمه، فصل دوازدهم، ص ۲۹۵.
- [۲۳۷] عقد الدرر، ص ۱۳۷.
- [۲۳۸] همان ماءخذ، ص ۷۰.
- [۲۳۹] همان ماءخذ، ص ۵۱.
- [۲۴۰] همان ماءخذ، ص ۷۳.
- [۲۴۱] همان ماءخذ، ص ۷۴.
- [۲۴۲] همان ماءخذ، ص ۸۱ تا ۸۴.
- [۲۴۳] همان ماءخذ، ص ۸۱ تا ۸۴.
- [۲۴۴] الحاوی، ص ۳۷۲.
- [۲۴۵] همان ماءخذ، ص ۳۶۹.
- [۲۴۶] همان ماءخذ، ص ۳۷۱.
- [۲۴۷] سنن ابی داود (مختصر)، جزء ۶، ص ۱۶۲.
- [۲۴۸] همان ماءخذ، ص ۱۶۲.
- [۲۴۹] عقد الدرر، ص ۴۹.
- [۲۵۰] همان ماءخذ، ص ۵۱.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایند؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزیق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

